



واکاوی تجربیات شخصی

درس نامه آموزشی: کارورزی ۲- درس ۱

سری K2M19373

زیر نظر :

شورای کارورزی دانشگاه فرهنگیان

معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی

کارگروهی:

اعضای گروه مدیریت کارورزی و مدارس وابسته

بهمن ماه، ۱۳۹۳





فهرست مطالب

| | |
|----|--|
| ۴ | مقدمه: |
| ۵ | درون داد ۱ |
| ۵ | تحقیق کیفی: نظریه مبنایی |
| ۵ | « نظریه مبنایی » چیست؟ |
| ۶ | مفاهیم، پایه‌های اساسی ساختن نظریه مبنایی |
| ۶ | الف) کدگذاری باز Open coding |
| ۶ | ب) کدگذاری محوری Axial coding |
| ۶ | ج) کدگذاری انتخابی Selective coding |
| ۷ | درون داد ۲ |
| ۷ | تشخیص داده‌های کیفی |
| ۷ | مصاحبه‌ها |
| ۹ | روش‌های یادگیری زنان |
| ۹ | نمونه‌ای از یافته‌های کیفی |
| ۱۰ | درون داد ۳ |
| ۱۰ | الگوی توصیه شده برای واکاوی تجربیات شخصی در کارورزی ۱ |
| ۱۴ | نمونه‌ای از پژوهش روایتی |
| ۱۴ | فرم شماره ۱ |
| ۱۸ | درون داد ۴- رویکردهای تحلیل محتوای کیفی |
| ۱۸ | پیشینه تحلیل محتوا |
| ۲۰ | رویکردهای تحلیل محتوای کیفی |
| ۲۰ | تحلیل محتوای عرفی |
| ۲۱ | تحلیل محتوای جهت‌دار |
| ۲۳ | تحلیل محتوای تلخیصی |
| ۲۴ | تعریف مفاهیم اساسی در تحلیل محتوای کیفی |
| ۲۷ | قابلیت اطمینان در تحلیل محتوای کیفی |
| ۲۸ | نتیجه‌گیری |
| ۳۰ | مثال: ملاک ساخت قضاوت ربط |
| ۳۱ | فهرست منابع: |
| ۳۲ | پیوست ۱- فرهنگ یادگیری مدرسه عشایر کوچ رو: روایت‌های یک معلم |
| ۲۰ | موضوع: ساختار اداری مدرسه |
| ۱ | موضوع: گزارشی از موقعیت فیزیکی مدرسه |
| ۵ | موضوع: تعاملات عاطفی |
| ۱۰ | موضوع: فرایند کلاس |
| ۳ | نمونه بازخوردهای استاد راهنما |
| ۶ | تکنیک شش کلاه: |

مقدمه:

ویژگی زبانی داده‌های میدانی بیش از هر کجا در متون و مصاحبه‌ها وجود دارد. حتی اگر فرض بر این باشد که هدف‌مان دستیابی به واقعیت «خارجی» است (به عنوان نمونه طبقه، جنسیت و قدرت) باز هم به ناچار با داده‌هایی سروکار خواهیم داشت که- در قالب واژگان- در اسناد نوشته شده است و یا در کلام پاسخ‌گویان وجود دارد. اگرچه هرگونه اطلاعات در رابطه با داده‌های مشاهده‌پذیر می‌بایست ما را از زمینه و بستر تعاملات اجتماعی نیز آگاه کند. (همان چیزی که استیمسون در سال ۱۹۸۶ «جامعه‌شناسی فضا و مکان» نامید) اما در نهایت هر آنچه ما در محیط‌های رسمی و غیررسمی می‌بینیم به صورت اجتناب‌ناپذیری شامل گفتگوها نیز می‌شود.

اگر داده‌هایمان از روی نوار صوتی پیاده کنیم آن وقت متوجه این نکته می‌شویم که چگونه گفتگوها جهان را سامان می‌دهند. گفتگو اهمیت فراوانی دارد؛ چرا که واسطه‌ای است که از طریق آن مردم با هم ارتباط برقرار می‌کنند. در محیط‌های خانوادگی و همچنین دیگر محیط‌های «عمومی»، اعضای خانواده و دوستان فعالیت‌هایشان را از طریق گفتگو سامان می‌دهند. ما در محیط‌های کاری نیز ما با اطرافیانمان گفتگو می‌کنیم و فهرست فعالیت‌ها و اقداماتمان در پوشه‌ها و پرونده‌های ویژه‌ای نگه‌داری می‌شود. در این باره هریتیج (۱۹۸۴) می‌نویسد جهان اجتماعی پر است از مبادله‌هایی که به واسطه گفتگو صورت می‌گیرد. منظور وی از مبادله صورت‌های ابتدایی تعاملات اجتماعی است؛ نظیر اطلاع‌رسانی، یا آیا فردی دست به خودکشی خواهد زد یا نه و حتی شیوه‌ای که کودکان یاد می‌گیرند با مادرشان ارتباط برقرار کنند. (<http://anthropology.ir>)

تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی

منظور از پژوهش کیفی عبارت است از: هر نوع تحقیقی که یافته‌هایی را به دست می‌دهد، که با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی کردن کسب شده‌اند. برخی داده‌ها ممکن است به شیوه آماری کمی شده باشند، اما خود تجزیه و تحلیل به شکل کیفی است؛ منظور، روش تحلیل غیرریاضی است که به یافته‌هایی منتج می‌شود که از داده‌های گردآوری شده به فنون مختلف (مشاهده، مصاحبه، و بررسی اسناد، کتاب‌ها، نوارهای ویدیویی و حتی داده‌هایی که به منظوری دیگر کمی شده‌اند)، استنباط شده‌اند. (استراس، آ. ترجمه بیوک محمدی. چاپ اول ۱۳۸۵)

تحقیق کیفی شیوه‌های گوناگونی دارد که انتخاب نوع آن به محتوای سؤال پژوهش بستگی دارد.

شیوه‌های گوناگون تحقیق کیفی عبارتند از:

نظریه‌مبنایی، مردم‌نگاری، نگرش‌های پدیدارشناختی، وقایع‌زندگی، و تحلیل مکالمات (پیشین، ص ۲۰).

«نظریه‌مبنایی» چیست؟

نظریه‌مبنایی؛ عبارت است از آنچه به طور استقرایی از مطالعه پدیده‌ای به دست آید و نمایانگر آن پدیده است. به عبارت دیگر آن را باید کشف کرد، کامل نمود و به طور آزمایشی از طریق گردآوری منظم اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌هایی که از آن پدیده نشأت گرفته است، اثبات نمود. تحقیق هرگز از یک نظریه شروع نمی‌کند و بعد آن را به اثبات برساند بلکه، تحقیق از یک حوزه مطالعاتی شروع شده و فرصت داده می‌شود تا آنچه که متناسب و مربوط بدان است خود را نشان دهد. این تنظیم نظری بنا بر طبیعت‌اش مستلزم تعبیر داده هاست. از این رو، داده‌ها تعبیر شده و به صورت مفاهیم در می‌آیند و مفاهیم به یکدیگر مربوط شده تا ترجمانی نظری از حقیقت به شمار آیند (حقیقت در اصل قابل شناسایی نبوده و باید تعبیر و تفسیر شود). نظم نظری که از این طریق به دست می‌آید، نه تنها وسیله‌ای برای توضیح و تبیین حقیقت است بلکه چارچوبی برای عمل به دست می‌دهد. (همان)

نظریه‌مبنایی؛ یک روش تحقیق کیفی است که یک سلسله رویه‌های سیستماتیک را به کار می‌گیرد تا نظریه‌ای مبتنی بر استقراء درباره پدیده‌ای ایجاد کند. یافته‌های تحقیق مشتمل است بر تنظیم نظری واقعیت تحت بررسی. (همان. صص ۲۲-۲۴)

رویکرد اصلی نظریه‌مبنایی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، مبتنی بر کدگذاری است. کدگذاری نشانگر عملیاتی است که طی آن داده‌ها؛ خرد شده، مفهوم‌پردازی می‌شوند و آن گاه به روش‌هایی جدید دوباره به یکدیگر متصل می‌شوند. کدگذاری روند اصلی ساخت و پرداخت نظریه از داده‌هاست. دو رویه تحلیلی «انجام مقایسه» و «پرسش سؤالات» دو رویه اصلی در روند کدگذاری به شمار می‌روند. در حقیقت، در متون اغلب به نظریه‌مبنایی به عنوان «روش تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای مدام» ارجاع داده می‌شود. این دو رویه کمک می‌کنند تا مفاهیم در نظریه‌مبنایی دقیق و مشخص شوند (همان. ص ۶۲).

مفاهیم، پایه‌های اساسی ساختن نظریه مبنایی (همان).

در نظریه مبنایی، تجزیه و تحلیل از سه نوع کدگذاری تشکیل شده است: (پیشین. صص ۵۷-۶۲)

الف) کدگذاری باز Open coding

کدگذاری باز؛ روند خردکردن؛ مقایسه کردن؛ مفهوم پردازی کردن؛ و مقوله‌بندی کردن داده‌هاست، بدین ترتیب که در آن مفاهیم شناسایی شده، و برحسب خصوصیات^۱ و ابعادشان^۲ گسترش می‌یابند. پدیده‌ها و موارد مشابه طبقه‌بندی می‌شوند و برجستگی می‌گیرند تا مقولات^۳ را بسازند (همان. ص ۷۴).

ب) کدگذاری محوری Axial coding

کدگذاری محوری؛ روند ارتباط دادن خرده مقولات به یک مقوله است. جریان پیچیده‌ای از تفکر استقرایی و قیاسی است که متضمن مراحل مختلف است. در کدگذاری محوری، استفاده از رویه‌های مقایسه و طرح پرسش متمرکزتر شده یک پارادایم^۴ سوگیری شده می‌رود. یعنی: هر مقوله (پدیده) با توجه به شرایط علی که باعث آن می‌شود، و با توجه به محل این پدیده که در بُعد خاص اتفاق می‌افتد و با در نظر گرفتن خصوصیات آن، زمینه، راهبردهای کنش/ واکنش متقابل به کار گرفته شده برای اداره کردن و واکنش نشان دادن به این پدیده در سایه آن زمینه، و پیامدهای هرگونه کنش/ واکنش که صورت می‌گیرد، بسط و گسترش داده می‌شود (همان. ص ۱۱۶)

ج) کدگذاری انتخابی Selective coding

کدگذاری انتخابی؛ روند انتخاب مقوله اصلی به طور منظم (سیستماتیک) و ارتباط دادن آن با سایر مقوله‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط، و پر کردن جاهای خالی با مقولاتی که نیاز به اصلاح و گسترش بیشتر دارند. شیرازه اصلی این مرحله کدگذاری انتخاب یک مقوله اصلی و مرتبط ساختن بقیه مقولات عمده، هم به آن و هم به همدیگر است. که این امر با پیمودن مراحل صورت می‌گیرد؛

- اولین قدم، متضمن توضیح خط اصلی داستان است:

۱- در زمینه مورد مطالعه چه چیزی برجسته و قابل توجه است؟

۲- مسئله اصلی چیست؟

- دومین گام، ربط دادن مقولات تکمیلی بر گرد مقوله اصلی با استفاده از یک پارادایم است.

- سومین قدم، مرتبط ساختن مقولات به یکدیگر در سطح بُعدی است.

- چهارم، به تأیید رساندن آن روابط در قبال داده‌ها Validating.

- آخرین قدم، تکمیل مقولاتی است که نیاز به اصلاح و یا بسط و گسترش دارند (پیشین. صص ۱۱۸-۱۴۳)

(<http://vvnia.blogfa.com>)

^۱ - خصوصیات: ویژگی‌ها یا خصیصه‌هایی که به هر مقوله مربوط می‌شود.

^۲ - ابعاد: محل خصوصیات در امتداد یک طیف پیوسته.

^۳ - مقوله: طبقه‌بندی مفاهیم، مفهومی که از سایر مفاهیم انتزاعی‌تر است. وقتی که مفاهیم با همدیگر مقایسه شده و به نظر رسد که به پدیده‌های مشابه مربوط‌اند مقولات کشف می‌شوند.

^۴ - الگوی پارادایم (مدل الگویی)؛ در نظریه مبنایی مقولات فرعی را در سلسله روابطی به یکدیگر مرتبط می‌سازیم که بیانی از شرایط علی، پدیده، زمینه، شرایط میانجی، استراتژی‌های کنش/ کنش متقابل و پیامدهاست. این مدل در حالت خیلی مختصر چنین است: (استراس، آ. ص. ۱۰۰)

A شرایط علی ← B پدیده ← C زمینه ← D شرایط مداخله‌گر ← E استراتژی‌های کنش / کنش متقابل ← F پیامدها

تشخیص داده‌های کیفی

در این مبحث با سه مقوله بیشتر آشنا می‌شویم:

۱- مصاحبه‌ها، ۲- مشاهدات، ۳- مستندسازی

مصاحبه‌ها - پرسش‌ها و سؤال‌های باز پاسخ (تشریحی) پاسخ‌های دقیقی را در مورد تجربیات، ادراک، عقاید، احساس و دانش افراد ارائه می‌دهند. داده‌ها شامل نقل قول‌های واژه به واژه یا تحت‌اللفظی همراه با زمینه‌های مؤثر قابل تفسیر هستند.

مشاهدات - تحقیق میدانی در برگیرنده رفتارها، اقدامات، مکالمات، تعاملات میان فردی، فرایندهای سازمانی یا اجتماعی یا سایر جنبه‌های تجربه‌های انسانی قابل مشاهده هستند. داده‌های میدانی شامل یادداشت‌های میدانی، توصیف غنی و مفصل از جمله بافت‌هایی که با آن‌ها مشاهدات صورت می‌گیرد، هستند.

مستندسازی - مطالب نوشته شده و سایر اسناد برگرفته از ثبت‌های برنامه‌ها، ثبت‌های سازمانی، کلینیکی، یادداشت‌ها و نامه‌نگاری‌ها، نشریات و گزارش‌های رسمی، یادداشت‌های فردی، نامه‌ها، کارهای هنری، عکس‌ها، و خاطرات و پاسخ‌های ارائه شده به بررسی‌ها و سئولات باز- پاسخ (تشریحی). داده‌ها شامل گزیده‌های اسناد جمع‌آوری شده هستند که بافت را حفظ می‌کنند.

شناخت این امر که داده‌های کیفی چه هستند و یافته‌ها شبیه به چه چیزند، تا اندازه‌ای مهم است. به طوری که فرد باید بداند که چه چیزی را جستجو می‌کند. هم‌چنین، مهم است که معیاری را برای قضاوت در مورد کیفیت در نظر بگیریم.

مطالعات کیفی از نظر نوع، هدف و کیفیت تغییر می‌یابند. یافته‌های کیفی از نظر جمع‌آوری داده‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند.

۱- مصاحبه‌های باز- پاسخ (تشریحی)، عمیق و دقیق

۲- مشاهدات مستقیم

۳- اسناد نوشته شده (مکتوب).

مصاحبه‌ها

مصاحبه‌ها، نقل‌قول‌های مستقیم مربوط به افراد را در مورد تجربیات، عقاید، احساسات و دانش آن‌ها ارائه می‌دهند. داده‌های مربوط به مشاهدات شامل توصیف مفصل فعالیت‌ها، رفتارها، اقدامات و دامنه کاملی از تعامل‌های میان فردی و فرایندهای سازمانی است که بخشی از تجربیات انسانی قابل مشاهده هستند. تجزیه و تحلیل سند به گزیده‌های مطالعه، نقل قول‌ها، کل ثبت‌های برنامه، کلینیکی، سازمانی، یادداشت‌ها و نامه‌نگاری‌ها، نشریات رسمی، یادداشت‌های فردی و پاسخ‌های نوشته شده باز- پاسخ به پرسشنامه‌ها و بررسی‌ها گفته می‌شود. داده‌های مربوط به تجزیه و تحلیل کیفی، از تحقیقات میدانی نشأت می‌گیرند. در طول تحقیق میدانی، محقق، زمانی را در محیط تحت بررسی صرف می‌کند. یک برنامه، یک سازمان، یک جامعه یا موقعیت‌های مهم برای یک مطالعه می‌توانند مشاهده شوند، با افراد مصاحبه می‌شود و اسناد مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. محقق مشاهدات اولیه مربوط به فعالیت‌ها و تعامل‌ها را انجام می‌دهد و گاهی اوقات شخصاً به این فعالیت‌ها به عنوان یک مشاهده کننده مشارکتی می‌پردازد. برای مثال یک محقق ممکن است در همه یا بخشی از برنامه تحت بررسی به عنوان یک عضو برنامه، مشتری یا دانش‌آموز شرکت کند. محقق کیفی با افراد در مورد تجربیات و احساسات و

ادراک‌های آن‌ها صحبت کند. ممکن است بیشتر مصاحبه‌ها به صورت فردی یا گروهی صورت پذیرد. ثبت‌ها و مستندات مربوطه مورد بررسی قرار می‌گیرند. یادداشت‌های میدانی گسترده از طریق مشاهدات، مصاحبه‌ها و مرور اسناد، جمع‌آوری می‌شوند. حجم زیادی از داده‌های خام موجود در یادداشت‌های میدانی به صورت توصیفات داستانی قابل خواندن و در موضوعات، مقوله‌ها و مثال‌های موردی گویا، سازمان‌دهی می‌شوند و از طریق تجزیه و تحلیل محتوا برگزیده می‌شوند. موضوعات، الگوها، درک‌ها و بینش‌ها که از طریق تحقیق میدانی و تجزیه و تحلیل بعدی ایجاد می‌شوند، نتایج تحقیق کیفی را تشکیل می‌دهند. یافته‌های کیفی ممکن است به تنهایی یا همراه با داده‌های کیفی نشان داده شوند. در تحقیق و مطالعات از روش‌های متعدد استفاده می‌کنند که شامل ترکیباتی از داده‌های کیفی و کمی هستند. در ساده‌ترین سطح - یک پرسشنامه یا مصاحبه که از سؤالات بسته و باز- پاسخ (تشریحی) استفاده می‌کنند، نمونه‌ای است که در آن اندازه‌گیری کمی و تحقیق کیفی با هم ترکیب می‌شوند. کیفیت داده‌های کیفی تا حد زیادی به جهات متدولوژیکی، حساسیت و یکپارچگی بستگی دارد. مشاهدات دقیق و سیستماتیک به مراتب بیشتر از آن چیزی هستند که وجود دارند و در اطراف جستجو می‌شوند. ارزش انجام مصاحبه ماهرانه فراتر از پرسیدن سؤالات به تنهایی است و تجزیه و تحلیل محتوا، تا حد قابل توجهی ضروری است. به جای این که صرفاً به مطالعه آن‌چه که وجود دارد بپردازیم. ایجاد یافته‌های کیفی سودمند و معتبر از طریق مشاهده، مصاحبه و تجزیه و تحلیل محتوا به نظم، دانش، تمرین، خلاقیت و کار مداوم و سخت نیاز دارد.

ماری فیلد بلنکی و همکارانش مطالعاتی را برای شناخت روش‌های آموختن و یادگیری زنان انجام داده‌اند. آن‌ها مصاحبه‌های زیادی را با ۳۵ نفر از زنان ترتیب داده‌اند که دارای دیدگاه‌ها و بینش‌های متفاوتی بوده‌اند. این مطالعه به بررسی چگونگی تفکر آن‌ها در مورد دانش، اقتدار، حقایق، خودشان، تغییرات زندگی و مفهوم زندگی می‌پردازد. آن‌ها به صورت گروهی پاسخ‌های مشابه را دسته‌بندی کردند و در مقایسه با پژوهش قبلی به داده‌هایی دست یافتند، اما داده‌های به دست آمده توسط آن‌ها بیشتر بر پایه تجزیه و تحلیل آن‌چه که آن‌ها در داده‌های داستانی پیدا کرده‌اند، استوار است. آن‌ها به مباحثه با هم می‌پردازند تا این که بفهمند هر کدام از پاسخ‌ها متعلق به کدام مقوله و گروه است. آن‌ها بعضی از گروه‌بندی‌ها را ایجاد کرده‌اند و از بعضی از آن‌ها صرف‌نظر کردند. آن‌ها به جستجوی توده‌های مردم و تفاوت‌های میان آن‌ها در این تحقیق پرداختند.

این گروه تحقیقاتی سخت‌کار می‌کردند که به نقطه‌نظرهای مختلف زنانی که به دنبال الگوها در میان داستان‌ها، تجربیات و دیدگاه‌ها بودند، احترام بگذارند. آن‌ها به یک موضوع مهم پی بردند. زنان سخت به دنبال بیان دیدگاه‌های خود بودند. صدا در مقابل خاموشی، تشبیهی است که برای آگاهی از تغییرات در میان روش‌های یادگیری به کار می‌رود.

بعد از تجزیه و تحلیل بسیار دقیق، آن‌ها با تقسیم‌بندی یادگیری به ۵ گروه به بررسی‌های خود پایان دادند. چارچوبی که در مطالعه زنان بسیار مؤثر بوده و نوعی از کاربرد تحقیق کیفی است، به شرح زیر بوده است :

روش‌های یادگیری زنان

نمونه‌ای از یافته‌های کیفی

سکوت: موقعیتی که در آن زنان خود را به عنوان انسان‌هایی فاقد صدا و بی‌فکر در می‌یابند و در معرض تأثیر منبع خارجی قرار می‌گیرند.

دانش دریافت شده: زنان تصور می‌کنند که قادر هستند تا دانش را دریافت کنند و یا حتی از منابع خارجی بازایی کنند، اما قادر نیستند دانش را برای خود ایجاد کنند.

دانش ذهنی: چشم‌اندازی از حقیقت دانش به صورت فردی، خصوصی و ذهنی شناسایی و یا درون‌یابی می‌شود.
دانش شیوه‌ای: زنان در یادگیری سرمایه‌گذاری می‌کنند و از روش‌های عینی برای به دست آوردن و انتقال دانش استفاده می‌کنند.

دانش ایجاد: زنان به عنوان خلق‌کنندگان دانش، خود آن را به صورت بافتی تجربه می‌کنند و ارزش استراتژی‌های عینی و ذهنی را برای دانش از نزدیک مشاهده می‌کنند. (منبع: بلنکی ۱۹۸۶-۱۵)

یکی از برجسته‌ترین و مؤثرترین کتاب‌ها در زمینه مدیریت و توسعه سازمانی «در جستجوی برتری» درس‌نامه‌های مربوط به شرکت‌های آمریکایی است. پیترز و واترمن (۱۹۸۲) کتابی را بر اساس مطالعات موردی از ۶۲ شرکت بزرگ پایه‌گذاری کرده‌اند. آن‌ها از شرکت‌ها بازدید کرده و مصاحبه‌های زیادی را انجام داده‌اند. «مصاحبه‌های گسترده» و مستندات شرکت‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند. از میان داده‌های عظیمی که جمع‌آوری کرده بودند، توانستند ۸ ویژگی را مشخص سازند.

۱- تعصب روی عمل، ۲- ارتباط نزدیک با مشتری، ۳- خود مختاری و کارآفرینی، ۴- بهره‌وری از طریق مردم، ۵- کنش ارزش مدار، ۶- وفاداری به همبستگی و اتحاد، ۷- کم بودن تعداد کارکنان، ۸- دارا بودن ویژگی‌های فشرده و غیر فشرده به طور همزمان.

این کتاب برای هر کدام از موضوعات، فصلی را اختصاص داده است که با ذکر عملکردها و مثال‌ها و نتیجه‌گیری‌های موردی همراه است. این پژوهش به تحقیق جنبش کیفیت کمک کرده است و تا امروز توانسته است شرکت‌های زیادی را به سمت غیردولتی و غیرتجاری هدایت کند. این مطالعه استراتژی نمونه‌گیری کیفی را شرح می‌دهد. (<http://majdnia.blogfa.com>)

آقای استفان کاووی (۱۹۹۰) نیز از یک روش نمونه‌برداری مشابه در انجام مطالعات موردی خود «مدیران مؤثر» استفاده کرده است. وی ۷ ویژگی را در این افراد شناسایی کرده است.

۱- انسان‌های کنش‌گرا، ۲- آغاز کار با نتیجه‌گیری در ذهن، ۳- انجام هر عملی به جای خود، ۴- تفکر برنده-برنده، ۵- جستجوی درک و سپس آنچه که درک می‌شود، ۶- اشتراک مساعی و مشارکت در همکاری‌های خلاق و ۷- خود بازسازی.

هر یک از این کتاب‌ها «در جستجوی برتری» و ۷ ویژگی افراد مؤثر که فروش زیادی داشته‌اند، قطره کوچکی هستند که از میان داده‌های عظیم جمع‌آوری شده‌اند. وجود یادداشت‌های میدانی در تجزیه و تحلیل کیفی و تلاش در جهت تبدیل موضوع‌های اصلی به نمونه‌های کوچک، امری متداول است. کیفیت بینش‌ها بدون توجه به تعداد آن موضوع مهمی است. برای مثال در ارزیابی انجام شده از ۳۴ برنامه در مورد افراد فقیر، توانستیم تنها به یک موضوع مهم دست بیابیم: چگونه افراد تحت تأثیر قرار می‌گیرند و چگونه این افراد با دیگران رفتار می‌کنند. اگر مدیر سازمان به طور مستبدانه و از روی سوءظن با کارکنان رفتار نماید، کارکنان نیز متقابلاً با مشتریان رفتار مشابهی خواهند داشت. بالعکس پاسخ‌گویی در مقابل، پاسخگویی را تقویت می‌کند و توان‌مندسازی، توان‌مندسازی را پرورش می‌دهد. این بینش‌ها بخش عمده‌ای از پروژه‌های عرضی آتی، فرایند توسعه کارکنان و توسعه سازمانی مشترک را تشکیل می‌دهند.

(<http://majdnia.blogfa.com>)

الگوی توصیه شده برای واکاوی تجربیات شخصی در کارورزی ۱

گزارش خام.

حدود یک ماه پیش بود که قرار شد به پردیس باهنر بروم برای تدریس درس کارورزی، برای دانشجویان الهیات. اما جور نمی‌شد. اوایل که برای جابه جایی روزهای چهارشنبه در مدرسه مشکل داشتم و بالاخره، ۲۰ آبان در جلسه مدرسان حضور پیدا کردم. البته با سی دقیقه تأخیر.

چوبی مرکز شهید باهنر این است که در و دیوار قدیمی آن پنجره‌های چوبی‌اش و راهروهای طولانی‌اش، برایم دانشگاه تربیت معلم یا همان خوارزمی فعلی را تداعی می‌کند. اگرچه در دانشگاه تربیت معلم، راهروهای طولانی نیست ولی چیزی هست که بین این دو مشترک است. حسی هست که مرا می‌برد به سمت خاطرات خوش دانشگاه تربیت معلم، و برای همین است که در اولین جلسه مدرسان کمتر غریبی می‌کنم و حواسم پرت می‌شود به پنجره چوبی کرم رنگ دفتر الهیات و کولری که می‌توان آن را دید و کلاهی که دارد لبه پنجره لی لی می‌کند. انگار این‌جا اصالت دارد. یادم باشد تاریخچه این مرکز را بپرسم. انگار این‌جا تاریخ دارد. خانم (الف) با همان باور همیشگی‌اش مشغول توضیح دادن درس کارورزی است و همکاران آرام و راحت به نظر می‌رسند. مدیر گروه، خیلی صمیمی و خودمانی برخورد می‌کند و همه مشتاقند که آن چه خانم (الف) بیان می‌کند، بیاموزند. بعد از جلسه، با خانم (الف) به جلسه کارورزی دانشگاه فرهنگیان رفتیم و غروب با آقای (ح) تا متروی حقانی آمدیم و تا به خانه رسیدیم ساعت ۹ شب شده بود.

روز بعد، ۲۱ آبان قرار بود که به عنوان مدرس کارورزی به مرکز بروم اما شب می‌گرنم عود کرد و بعد حالت تهوع و... تا نزدیکی‌های صبح و سپس خب نتیجه معلوم است، نتوانستم بروم. در تمام عمرم این همه بدقول نشده بودم. این روزها فکر می‌کنم نمی‌توانم خودم را خوب مدیریت کنم. هنوز دچار سر درگمی هستم. قضیه رفتن به دانشگاه فرهنگیان، فشار کار در مدرسه، زمان کم برای سرفصل ترم دوم کارورزی، نگرانی از این‌که نتوانم درست کارم را انجام دهم، تدریس در دانشگاه علامه طباطبایی که اگرچه دو ساعت بیشتر نیست اما کلی از من انرژی می‌گیرد، و بدتر از همه اینکه سراغ گرفتن دکتر (م) از فصل دوم پایان نامه‌ام، همه و همه شده است عامل مهم بی‌نظمی و آشفتگی من. راستش را بخواهید حال آدم‌های بدهکاری دارم که از دست طلبکاران متواری است.

صبح چهارشنبه ۲۸ آبان جلسه همیار معلمان بود، ویژه مدیران مناطق. خلاصه طبق معمول جلسات دیر شروع شد و زمان ارائه کار من هم مانده بود آخر جلسه، بالاخره ساعت یازده و نیم ارائه من تمام شد و خوشبختانه توانستم این بار دیگر بدقول نشوم و خودم را به مرکز شهید باهنر برسانم. با خانم (الف) در یک کلاس هستیم. خانم (الف) بیشتر وقت کلاس را در اختیار من قرار می‌دهد و با وجود همه نگرانی‌ها، جلسه اول خیلی خوب برگزار می‌شود. بچه‌ها با انگیزه و مؤدب به نظر می‌رسند. جو کلاس صمیمی است. البته بچه‌ها کمی هم نگرانند. نگران این‌که نتوانند به خوبی از عهده نوشتن گزارش‌های خود بر آیند. توجه‌شان، پرسش‌هایشان، جدی بودنشان، مرا به شوق می‌آورد. بعد از تمام شدن کلاس، چند نفری هنوز می‌مانند و با هم درباره گزارش‌هایشان صحبت می‌کنیم. گزارش یکی از آن‌ها را می‌خوانم و بعد خطاب به او می‌گویم: «مریم، بهتره...» و مریم یک نیم قلمی عقب می‌رود. حدس می‌زنم این‌جا همه را به نام خانوادگی صدا می‌زنند و البته من عادت دارم بچه‌ها را به اسم صدا کنم. همان عادت دبیرستانی‌ام. دانشگاه علامه هم بچه‌ها را به اسم می‌شناسم نه به نام خانوادگی. ناخودآگاه دانشجویان دانشگاه علامه و تربیت معلم را با هم مقایسه می‌کنم. خیلی متفاوتند. با دانشجویان رشته تکنولوژی آموزشی، درس برنامه‌ریزی درسی متوسطه دارم. درسی که دانشجویان هیچ ضرورتی برای خواندنش احساس نمی‌کنند. شاید من در یافتن ارتباط بین تکنولوژی، طراحی آموزشی و برنامه‌ریزی درسی ناتوان بوده‌ام. با این‌که بخشی از وقت کلاس، به فعالیت‌های عملی می‌گذرد، اما هنوز راضی نیستم. هنوز بچه‌ها بی‌نظمند. هنوز آن طور که باید دل نمی‌دهند. اما این‌جا بچه‌ها می‌خواهند که یاد بگیرند. با خودم فکر می‌کنم شاید برای این‌است که تکلیف‌شان معلوم است. شغل‌شان تضمین شده است، خیال‌شان راحت است ولی با خودم می‌گویم می‌شود این طور هم فکر کرد که وقتی خیال آدم راحت باشد خیلی هم ممکن است نگران نباشد. پس ممکن است، علت این تفاوت، چیز دیگری باشد. از لابه لای حرف‌های بچه‌ها می‌شنوم که این‌جا با کسی شوخی ندارند... اگر نتوانیم امتیاز لازم را کسب کنیم، واحد درسی‌مان را می‌افتیم و

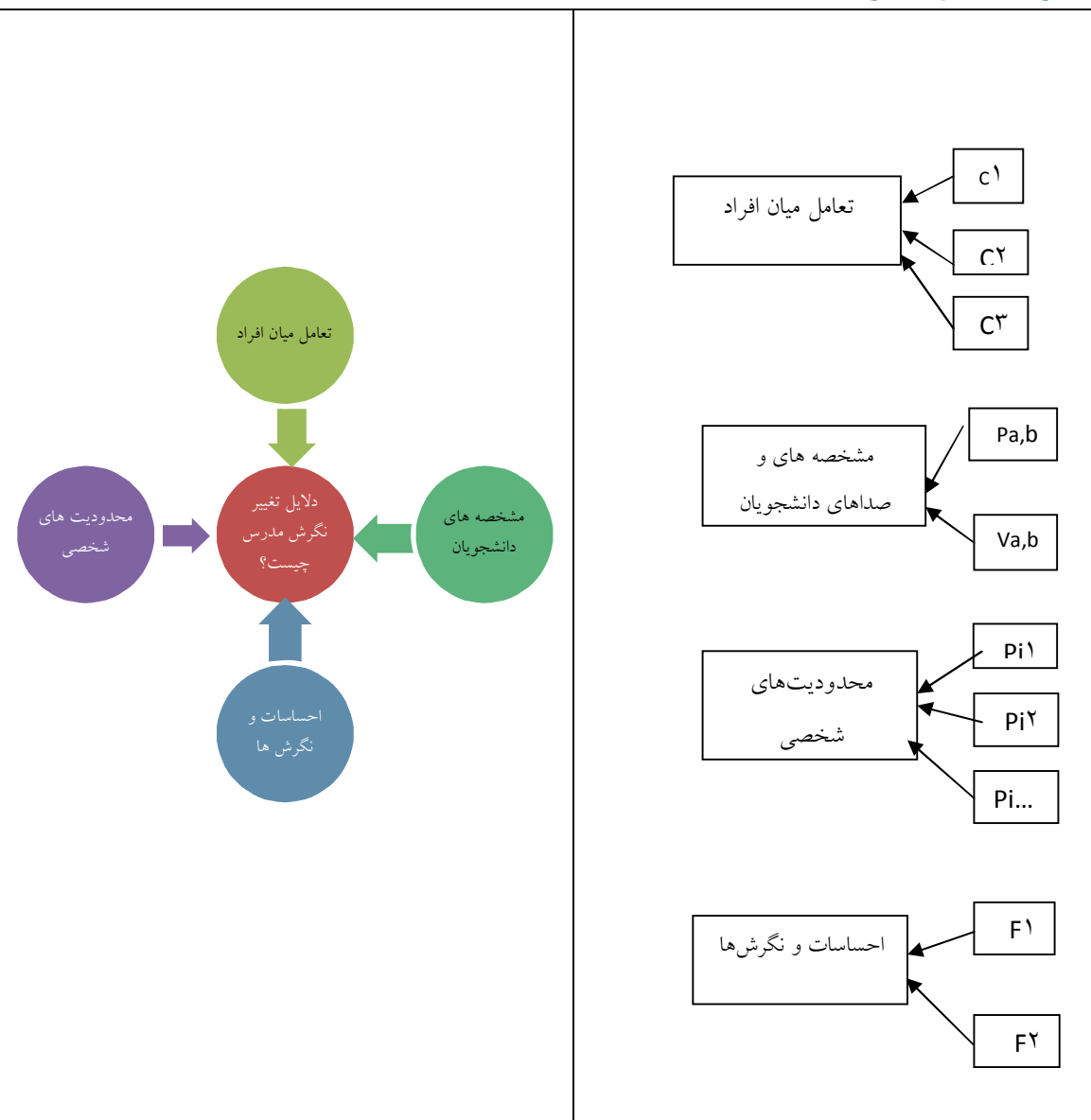
و قرار می‌شود پنجشنبه و جمعه یک خاطره و یک گزارش عملکرد برایم بفرستند و نظر بدهم. و تقریباً نیمی از بچه‌ها برایم ای میل می‌زنند و گزارش‌هایشان را می‌فرستند. به نظرم خیلی خوب است. یاد باورها و دغدغه‌های خانم (الف) که می‌افتم، بغض می‌کنم. خوشحالم که این اصرار، دارد جواب می‌دهد و بغض می‌کنم به خاطر این تجربه دیر هنگام که نیمی از ترم گذشته است و از کلاس‌های علامه هنوز راضی نیستم و شاید من نیز کم مقصر نیستم و شاید می‌شد بهتر از این کلاس را اداره کرد. هرچند با استادان دیگر هم که گفتگو می‌کنم، آن‌ها هم از بی‌انگیزگی دانشجویان ناراحتند. با خودم می‌گویم اصلاً از کجا معلوم که همین گفتگوها در مورد بی‌انگیزگی‌های دانشجویان، ما را

به پذیرش این وضعیت عادت نداده است؟ به قول آن آقای تکنولوژیست فکر، این ضمیرناخودآگاه چه کارها که نمی‌کند...

هنوز زود است برای قضاوت کردن. صبر می‌کنم تا روز شنبه. شنبه که کلاس در علامه شروع می‌شود، از بچه‌ها می‌پرسم شما تا به حال شده از درسی نمره لازم را نیاورید و مجبور شوید دوباره آن درس را بگذرانید؟ پاسخ منفی است. همه قبول شده‌اند. سوال دیگری می‌پرسم تاکنون به چند تا از درس‌ها واقعاً علاقه‌مند بودید و لذت بردید؟ جواب‌ها محدود می‌شود به دو یا سه درس و جالب است که کمتر هم مربوط به دروس تخصصی است. روان‌شناسی رشد و روان‌شناسی کودکان استثنایی بیشترین فراوانی را دارند. می‌پرسم چند نفر قرار است همین رشته ادامه تحصیل دهند و پاسخ به جز سه یا چهار نفر منفی است. رشته‌های مورد علاقه بچه‌ها، روان‌شناسی، مشاوره و مطالعات زنان است.

کار عملی که از بچه‌ها خواسته بودم دیدن یک فیلم، خلاصه کردنش و تحلیل آن توسط خودشان است. فیلم‌های انتخاب شده انجمن شاعران مرده و لبخند مونالیزا است. خود بچه‌ها انتخاب کردند. پاسخ‌ها را می‌گیرم. حتی فونتی که از وبلاگ‌ها کپی برداشته‌اند، عوض نشده است. تقریباً به جز دو نفر، همه کپی‌برداری کردند.... این بار برخورد می‌کنم. خیلی جدی و می‌گویم که فقط همین چند جلسه را وقت دارند که جبران کنند و متهم می‌شوم به این که سخت گیرم و به این که آن‌ها را و سختی‌هایشان را درک نمی‌کنم و این که خیلی از آن‌ها انتظار دارم.

الگوی تحلیل محتوا در کارورزی ۱



| تحلیل محتوا: |
|--|
| <p>بازنویسی مجدد و بیان دوباره رونوشت (S شرایط / زمان / مکان)، (x شخصیت ها)، (a فعالیت ها)، (f احساسات و نگرش ها)، (P مسائل)، (v صداها. حرف های مهم) (دانشجویان مرکز باهنر: b)، (دانشجویان علامه: a)، (روایت گر: i)؛ (قوانین: r)</p> |
| بازنویسی |
| <p>قرار شد به مرکز باهنر بروم برای تدریس درس کارورزی، برای دانشجویان الهیات (S). مرکز شهید باهنر این است که در و دیوار قدیمی اش، برایم دانشگاه تربیت معلم را تداعی می کند (f). خانم (الف) (C1) با همان باور همیشگی اش مشغول توضیح دادن درس کارورزی (a) است و همکاران (C2) آرام و راحت به نظر می رسند. مدیر گروه (C3)، خیلی صمیمی و خودمانی (f) برخورد می کند.</p> <p>روز بعد، توانستم بروم (S) در تمام عمرم این همه بدقول (pi i) نشده بودم. قضیه رفتنم به دانشگاه فرهنگیان، فشار کار در مدرسه، زمان کم برای سرفصل ترم دوم کارورزی، تدریس در دانشگاه علامه طباطبائی، فصل دوم پایان نامه ام، شده است عامل مهم بی نظمی و آشفتگی من (pi i).</p> <p>خودم را به مرکز شهید باهنر می رسانم (S). با خانم (الف) (C2) در یک کلاس هستیم. بچه ها (cb) نگراند که نتوانند به خوبی از عهده نوشتن گزارش های خود بر آیند (pb1). توجه شان، مرا به شوق می آورد (f) ناخود آگاه دانشجویان دانشگاه علامه (ca) و تربیت معلم (cb) را با هم مقایسه می کنم (pi i2). با دانشجویان رشته تکنولوژی آموزشی (ca)، درس برنامه ریزی درسی متوسطه (S) دارم. درسی که دانشجویان هیچ ضرورتی برای خواندنش احساس نمی کنند (pa1). شاید من ناتوان بوده ام (pi i). با این که بخشی از وقت کلاس، به فعالیت های عملی می گذرد (a)، اما هنوز راضی نیستم (pi i3). هنوز بچه ها بی نظمند (pa2).</p> <p>هرچند با استادان دیگر (ca) هم که گفتگو می کنم، آن ها هم از بی انگیزگی دانشجویان (pa) ناراحتند. با خودم می گویم اصلاً از کجا معلوم که همین گفتگوها در مورد بی انگیزگی های دانشجویان، ما را به پذیرش این وضعیت عادت نداده است؟ (pi i4)</p> <p>این جا بچه ها می خواهند که یاد بگیرند. (a). با خودم فکر می کنم شاید برای این است که شغل شان تضمین شده است، (r b) می شود این طور هم فکر کرد که وقتی خیال آدم راحت باشد خیلی هم ممکن است نگران نباشد (bp). پس ممکن است، علت این تفاوت، چیز دیگری باشد (pb). از لابه لای حرف های بچه ها می شنوم که این جا با کسی شوخی ندارند... اگر نتوانیم امتیاز لازم را کسب کنیم، واحد درسی مان را می افیم و (v b)</p> <p>و قرار می شود پنجشنبه و جمعه یک خاطره و یک گزارش عملکرد برایم بفرستند (ab) و تقریباً نیمی از بچه ها برایم ای میل می زنند و گزارش های شان را می فرستند (ab).</p> <p>کلاس در علامه شروع می شود، از بچه ها می پرسم شما تا به حال شده از درسی نمره لازم را نیاورید و مجبور شوید دوباره آن درس را بگذرانید؟ (pi i5) پاسخ منفی است. همه قبول شده اند (v a1). سؤال دیگری می پرسم تاکنون به چند تا از درس ها واقعاً علاقه مند بودید و لذت بردید؟ (pi i6). جواب ها محدود می شود به دو یا سه درس و جالب است که کمتر هم مربوط به دروس تخصصی است. (v a2).. روان شناسی رشد و روان شناسی کودکان استثنایی بیشترین فراوانی را دارند. (v a3). می پرسم چند نفر قرار است همین رشته ادامه تحصیل دهند و پاسخ به جز سه یا چهار نفر منفی است (v a4). رشته های مورد علاقه بچه ها، روان شناسی، مشاوره و مطالعات زنان است (v a6).</p> <p>کار عملی که از بچه ها خواسته ام، تقریباً به جز دو نفر، همه کپی برداری کردند (pa).... این بار برخورد می کنم (ri). خیلی جدی و می گویم که فقط همین چند جلسه را وقت دارند که جبران کنند (ri).</p> |

| مضامین | موارد مربوط | مقوله های مهم در پژوهش روایتی |
|---------------------|--|--|
| تعامل میان افراد | <ul style="list-style-type: none"> - خانم (الف) (مرکز باهنر) - همکاران (مرکز باهنر) - مدیر گروه (مرکز باهنر) - خانم (الف ۲) (مرکز باهنر) - دانشجویان مرکز باهنر - دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی - استادان دانشگاه علامه - اطلاعات خاص، درباره همکاران دانشگاه علامه ارائه نشده است. | افراد و شخصیت‌های تاثیر گذار (c) |
| احساسات و نگرشها | <ul style="list-style-type: none"> - تداعی با خاطرات خوب گذشته - جمع صمیمی و خودمانی - اشتیاق - احساس ناتوانی | احساسات و نگرشها (f) |
| | <ul style="list-style-type: none"> - مرکز باهنر - دانشگاه علامه | مکانها (s) |
| | اطلاعات در این زمینه کامل نیست. | زمانها |
| محدودیت زمان | <ul style="list-style-type: none"> - بدقولی - فشردگی کار - پایان نامه - نداشتن مدیریت زمان | مسائل شخصی تاثیر گذار (pi) |
| ویژگی های دانشجویان | <ul style="list-style-type: none"> - نگرانی برای انجام تکالیف - نگرانی جهت پاس نکردن واحد درسی | مسائل و صداها مهم دانشجویان مرکز باهنر (v). (Pb) |
| | <ul style="list-style-type: none"> - علاقه نداشتن به رشته تحصیلی خود - بی نظمی - بی توجهی - کپی برداری | مسائل و صداها مهم دانشجویان دانشگاه علامه (v). (pa) |
| | <ul style="list-style-type: none"> - جدی بودن فعالیت‌ها در مرکز باهنر - ارزشیابی دقیق دانشجو در مرکز باهنر - تضمین شغل دانشجویان مرکز باهنر - بی انگیزگی دانشجویان علامه | دلایل نویسنده در مقایسه دانشجویان مرکز باهنر و علامه (r) |
| تغییر روش | <ul style="list-style-type: none"> - جدی بودن - فرصت دادن | تغییر روش (ri) |
| توالی | | |
| | پذیرش بی انگیزگی دانشجویان علامه طباطبائی | وضعیت گذشته |
| | تغییر روش | وضعیت حال |
| | احتمال تغییر. نیاز به بیان روایت‌های دیگر، برای بررسی | وضعیت آینده |

نمونه‌ایی از پژوهش روایتی

شناسنامه روایت:

مکان واقعه: مدرسه

موضوع: تبعیض

زمینه:

فرایند تبادل اطلاعات:

فرم شماره ۱

آنروز دوست داشتم کاش هرگز مدرسه ایی وجود نداشت. کلاس چهارم ابتدایی بودم. روز سرد زمستانی بود. حیاط مدرسه پر بود از برف و جای پاهای مختلف. هیچ انگیزه ایی برای رفتن به مدرسه نداشتم. از معلم اصلا خوشم نمی آمد. او خیلی بین بچه ها تبعیض قائل می شد. او کلاس ما را که سه ردیف میز و نیمکت داشت به سه گروه تقسیم کرده بود. ردیف نزدیک میز معلم ردیف شاگردان زرنگ بود و ردیف وسط شاگردان متوسط و ردیف دورتر از میز معلم شاگردان تنبل قرار داشتند. آن زمان ما سه ثلث داشتیم که در هر ثلث امتحان گرفته می شد و بعد از هر امتحان کارنامه نیز داده می شد. دی ماه دبود و هنوز کارنامه ثلث اول را نداده بودند. من امتحانهایم را خوب داده بودم. معلممان برگه ها را سر کلاس تصحیح می نمود برای همین نمراتم مشخص بود. معدل من از همه بالاتر بود با وجود این معلم به من گفت که دوستم شاگرد اول شده و من دوم شدم. هر روز معدل خودم و دوستم را حساب می کردم ولی هر بار معدل من بیشتر از دوستم بود. یکبار به معلم گفتم: خانم اجازه معدل من از دوستم بیشتر است و او در پاسخ گفت نه تعداد بیست های دوستم بیشتر است اما من به او گفتم معدل به تعداد بیست ها بستگی ندارد. او خیلی از حرف من ناراحت شد و به من گفت که بلند شو باید جاییت را عوض کنم. کیفم را بلند کرد و با حالت بدی به ردیف شاگردان تنبل پرت کرد و گفت دیگر جاییت اینجاست. دانش آموزی که به معلم خود بی احترامی کند از این به بعد جایش اینجاست. همه به من خندیدند خیلی خیلی ناراحت شدم. من هیچ بی احترامی نسبت به معلم نداشتم که او اینگونه با من برخورد نمود. آنروز دوست داشتم کاش زودتر زنگ مدرسه را می زدند و من سریعتر خانه می رفتم. در ذهنم فکر می کردم که بایستی موضوع را به پدرم بگویم اما بعد پشیمان شدم. می ترسیدم که وضع از این که هست بدتر شود. هفته بعد عکس شاگردان اول تا سوم هر کلاس را در تابلو زدند من با معدل ۱۹.۶۴ شاگرد دوم شدم و دوستم با معدل ۱۹.۵۶ شاگرد اول شد. خیلی جالب بود من آنسال یاد گرفتم که ۱۹.۵۶ بزرگتر از ۱۹.۶۴ است!!!! یکبار هم به مدیر مدرسه این را یادداور شدم ولی متأسفانه ایشان اینگونه بیان کردند که شاگرد دوم و اول فرقی با هم ندارند و به سادگی از این موضوع گذشتند. من تا آخر سال تحصیلی همان ردیف شاگردان تنبل نشستم. البته یک منفعتی داشت که من با دانش آموزان درس می خواندم و به مرور آنها نیز درسهایشان بهتر شد. بطوریکه دیگر ردیف شاگردان تنبل نداشتم. کلاس چهارم به عنوان بدترین سال تحصیلی زندگیم هیچوقت از ذهنم پاک نخواهد شد.

فرم شماره ۲

آنروز دوست داشتم کاش هرگز مدرسه ای وجود نداشت. کلاس چهارم ابتدایی بودم. روز سرد زمستانی بود. حیاط مدرسه پر بود از برف و جای پاهای مختلف. هیچ انگیزه ای برای رفتن به مدرسه نداشتم. از معلم اصلاً خوشم نمی آمد. او خیلی بین بچه ها تبعیض قائل می شد. او کلاس ما را که سه ردیف میز و نیمکت داشت به سه گروه تقسیم کرده بود. ردیف نزدیک میز معلم ردیف شاگردان زرنگ بود و ردیف وسط شاگردان متوسط و ردیف دورتر از میز معلم شاگردان تنبل قرار داشتند. آن زمان ما سه ثلث داشتیم که در هر ثلث امتحان گرفته می شد و بعد از هر امتحان کارنامه نیز داده می شد. دی ماه دیود و هنوز کارنامه ثلث اول را نداده بودند. من امتحانهایم را خوب داده بودم. معلممان برگه ها را سر کلاس تصحیح می نمود برای همین نمراتم مشخص بود. معدل من از همه بالاتر بود با وجود این معلم به من گفت که دوستم شاگرد اول شده و من دوم شدم. هر روز معدل خودم و دوستم را حساب می کردم ولی هر بار معدل من بیشتر از دوستم بود. یکبار به معلم گفتم: خانم اجازه معدل من از دوستم بیشتر است و او در پاسخ گفت نه تعداد بیست های دوستم بیشتر است اما من به او گفتم معدل به تعداد بیست ها بستگی ندارد. او خیلی از حرف من ناراحت شد و به من گفت که بلند شو باید جاییت را عوض کنم. کیفم را بلند کرد و با حالت بدی به ردیف شاگردان تنبل پرت کرد و گفت دیگر جاییت اینجاست و در ادامه گفت دانش آموزی که به معلم خود بی احترامی کند از این به بعد جایش اینجاست. همه به من خندیدند خیلی خیلی ناراحت شدم. من هیچ بی احترامی نسبت به معلم نداشتم که او اینگونه با من برخورد نمود. آنروز دوست داشتم کاش زودتر زنگ مدرسه را می زدند و من سریعتر خانه می رفتم. در ذهنم فکر می کردم که بایستی موضوع را به پدرم بگویم اما بعد پشیمان شدم. می ترسیدم که وضع از این که هست بدتر شود. هفته بعد عکس شاگردان اول تا سوم هر کلاس را در تابلو اعلانات نصب کردند. من با معدل ۱۹.۶۴ شاگرد دوم شدم و دوستم با معدل ۱۹.۵۶ شاگرد اول شد. خیلی جالب بود من آنسال یاد گرفتم که ۱۹.۵۶ بزرگتر از ۱۹.۶۴ است!!!! یکبار هم به مدیر مدرسه این را یادداور شدم ولی متأسفانه ایشان اینگونه بیان کردند که شاگرد دوم و اول فرقی با هم ندارند و به سادگی از این موضوع گذشتند. من تا آخر سال تحصیلی همان ردیف شاگردان تنبل نشستم. البته یک مزیت داشت که من با دانش آموزان درس می خواندم و به مرور آنها نیز درسهایشان بهتر شد. بطوریکه دیگر ردیف شاگردان تنبل نداشتم. کلاس چهارم به عنوان بدترین سال تحصیلی زندگیم هیچوقت از ذهنم پاک نخواهد شد.

فرم شماره ۳

آنروز دوست داشتم کاش هرگز مدرسه ای وجود نداشت. کلاس چهارم ابتدایی بودم. هیچ انگیزه ای برای رفتن به مدرسه نداشتم. از معلم اصلاً خوشم نمی آمد. او خیلی بین بچه ها تبعیض قائل می شد. او کلاس ما را که سه ردیف میز و نیمکت داشت به سه گروه تقسیم کرده بود. ردیف نزدیک میز معلم ردیف شاگردان زرنگ بود و ردیف وسط شاگردان متوسط و ردیف دورتر از میز معلم شاگردان تنبل قرار داشتند. آن زمان ما سه ثلث داشتیم که در هر ثلث امتحان گرفته می شد و بعد از هر امتحان کارنامه نیز داده می شد. دی ماه دیود و هنوز کارنامه ثلث اول را نداده بودند. من امتحانهایم را خوب داده بودم. معدل من از همه بالاتر بود با وجود این معلم به من گفت که دوستم شاگرد اول شده و من دوم شدم. هر روز معدل خودم و دوستم را حساب می کردم ولی هر بار معدل من بیشتر از دوستم بود. یکبار به معلم گفتم: خانم اجازه معدل من از دوستم بیشتر است و او در پاسخ گفت نه تعداد بیست های دوستم بیشتر است اما من به او گفتم معدل به تعداد بیست ها بستگی ندارد. او خیلی از حرف من ناراحت شد و به من گفت که بلند شو باید جاییت را عوض کنم. کیفم را بلند کرد و با حالت بدی به ردیف شاگردان تنبل پرت کرد و گفت دیگر جاییت اینجاست و در ادامه گفت دانش آموزی که به معلم خود بی احترامی کند از این به بعد جایش اینجاست. آنروز دوست داشتم کاش زودتر زنگ مدرسه را می زدند و من سریعتر خانه می رفتم. هفته بعد عکس شاگردان اول تا سوم هر کلاس را در تابلو اعلانات نصب کردند. من با معدل ۱۹.۶۴ شاگرد دوم شدم و دوستم با معدل ۱۹.۵۶ شاگرد اول شد. خیلی جالب بود من آنسال یاد گرفتم که ۱۹.۵۶ بزرگتر از ۱۹.۶۴ است!!!! یکبار هم به مدیر مدرسه این را یادداور شدم ولی متأسفانه ایشان اینگونه بیان کردند که شاگرد دوم و اول فرقی با هم ندارند و به سادگی از این موضوع گذشتند. من تا آخر سال تحصیلی همان ردیف شاگردان تنبل نشستم. کلاس چهارم به عنوان بدترین سال تحصیلی زندگیم هیچوقت از ذهنم پاک نخواهد شد.

| شماره ۴ | |
|-------------------------|---|
| Comment [M1]: ۱ کد | آنروز دوست داشتم کاش هرگز مدرسه ای وجود نداشت. کلاس چهارم ابتدایی بودم. هیچ انگیزه ای برای رفتن به مدرسه نداشتم. |
| Comment [M2]: ۲ کد | از معلم اصلاً خوشم نمی آمد. او خیلی بین بچه ها تبعیض قائل می شد. (و کلاس ما را که سه ردیف میز و نیمکت داشت به سه گروه تقسیم کرده بود). |
| Comment [M3]: ۱ کد | (دیف نزدیک میز معلم ردیف شاگردان زرنگ بود و ردیف وسط شاگردان متوسط و ردیف دورتر از میز معلم شاگردان تنبل قرار داشتند). |
| Comment [M4]: ۱ کد | (این زمان ما سه تالت داشتیم که در هر تالت امتحان گرفته می شد و بعد از هر امتحان کارنامه تیز داده می شد. بی ماه دیود و هنوز کارنامه تالت اول را نداده بودند. این امتحانهایم را خوب داده بودم. معدل من از همه بالاتر بود با وجود این معلم به من گفت که دوستم شاگرد اول شده و من دوم شدم. هر روز معدل خودم و دوستم را حساب می کردم ولی هر بار معدل من بیشتر از دوستم بود. یکبار به معلمم گفتم: خانم اجازه معدل من از دوستم بیشتر است و او در پاسخ گفت نه تعداد بیست های دوستم بیشتر است اما من به او گفتم معدل به تعداد بیست ها بستگی ندارد (و خیلی از حرف من تاراج شد و به من گفت که بلند شو باید جایث را عوض کنم). کیغم را بلند کرد و با حالت بدی به ردیف شاگردان تنبل پرت کرد و گفت دیگر جایث اینجاست و در ادامه گفت دانش آموزی که به معلم خود بی احترامی کند از این به بعد جایث اینجاست. آنروز دوست داشتم کاش زودتر زرنگ مدرسه را می زدند و من سریعتر خانه می رفتم). |
| Comment [M5]: ۱ کد | (هفته بعد عکس شاگردان اول تا سوم هر کلاس را در تابلو اعلانات نصب کردند. این با معدل ۱۹۶۴ شاگرد دوم شدم و دوستم با معدل ۱۹۵۶ شاگرد اول شد). |
| Comment [M6]: ۲ کد | (خیلی جالب بود من آنسال یاد گرفتم که ۱۹۵۶ بزرگتر از ۱۹۶۴ است!!!! یکبار هم به مدیر مدرسه این را یادآور شدم ولی متأسفانه ایشان اینگونه بیان کردند که شاگرد دوم و اول فرقی با هم ندارند و به سادگی از این موضوع گذشتند). |
| Comment [M7]: ۲ کد | (این تا آخر سال تحصیلی همان ردیف شاگردان تنبل نشستیم. کلاس چهارم به عنوان بدترین سال تحصیلی زندگیم هیچوقت از ذهنم پاک نخواهد شد). |
| Comment [M8]: ۳ کد | |
| Comment [M9]: ۳ کد | |
| Comment [M10]: ۱ کد | |
| Comment [M11]: ۱ کد | |
| Comment [M12]: ۱ کد | |
| Comment [M13]: ۴ کد | |
| Comment [M14]: ۱ و ۴ کد | |
| Comment [M15]: ۴ کد | |
| Comment [M16]: ۱ کد | |
| Comment [M17]: ۳ کد | |
| Comment [M18]: ۴ کد | |
| Comment [M19]: ۴ کد | |
| Comment [M20]: ۴ کد | |
| Comment [M21]: ۳ و ۲ کد | |
| Comment [M22]: ۱ کد | |

| ردیف | موقعیت | تحلیل | پردازش |
|------|---------------------|--|---|
| ۱ | زمان کد (۳) | آن زمان ما سه تالت داشتیم که در هر تالت امتحان گرفته می شد و بعد از هر امتحان کارنامه نیز داده می شد. دی ماه بود و هنوز کارنامه تالت اول را نداده بودند. من امتحانهایم را خوب داده بودم. هفته بعد عکس شاگردان اول تا سوم هر کلاس را در تابلو اعلانات نصب شد. من تا آخر سال تحصیلی همان ردیف شاگردان تنبل نشستیم. | |
| ۲ | مکان کد (۲) | کلاس چهارم ابتدایی بودم. معلم کلاس ما را که سه ردیف میز و نیمکت داشت به سه گروه تقسیم کرده بود. ردیف نزدیک میز معلم ردیف شاگردان زرنگ بود و ردیف وسط شاگردان متوسط و ردیف دورتر از میز معلم شاگردان تنبل قرار داشتند. من تا آخر سال تحصیلی همان ردیف شاگردان تنبل نشستیم. | تقسیم نمودن بچه ها به گروههای زرنگ و تنبل در مکان های مختلف کلاس سبب جدایی دانش آموزان می گردد. |
| ۳ | بیان احساسات کد (۱) | آنروز دوست داشتم کاش هرگز مدرسه ای وجود نداشت. هیچ انگیزه ای برای رفتن به مدرسه نداشتم. از معلم اصلاً خوشم نمی آمد. او خیلی بین بچه ها تبعیض قائل می شد. من امتحانهایم را خوب داده بودم. معدل من از همه بالاتر بود با وجود این معلم به من گفت که دوستم شاگرد اول شده و من دوم شدم. هر روز معدل خودم و دوستم را حساب می کردم ولی هر بار معدل من بیشتر از دوستم بود. او خیلی از حرف من ناراحت شد و به من گفت که بلند شو باید جایث را عوض کنم. آنروز دوست داشتم کاش زودتر زرنگ مدرسه را می زدند و من سریعتر خانه می رفتم. کلاس چهارم به عنوان بدترین سال تحصیلی زندگیم هیچوقت از ذهنم پاک نخواهد شد. | نویسنده این متن را در احساسی نگاشته است زیرا نسبت تعداد جملات کد ۱ نسبت به سایر کدها بیشتر می باشد |
| ۴ | واقعیه کد (۴) | یکبار به معلمم گفتم: خانم اجازه معدل من از دوستم بیشتر است و او در پاسخ گفت نه تعداد بیست های دوستم بیشتر است اما من به او گفتم معدل به تعداد بیست ها بستگی ندارد. او خیلی از حرف من ناراحت شد و به من گفت که بلند شو باید جایث را عوض کنم. کیغم را بلند کرد و با حالت بدی به ردیف شاگردان تنبل پرت کرد و گفت دیگر جایث اینجاست و در ادامه گفت دانش آموزی که به معلم خود بی احترامی کند از این به بعد جایث اینجاست. من با معدل ۱۹۶۴ شاگرد دوم شدم و دوستم با معدل ۱۹۵۶ شاگرد اول شد. خیلی جالب بود من آنسال یاد گرفتم که ۱۹۵۶ بزرگتر از ۱۹۶۴ است!!!! یکبار هم به مدیر مدرسه این را یادآور شدم ولی متأسفانه ایشان اینگونه بیان کردند که شاگرد دوم و اول فرقی با هم ندارند و به سادگی از این موضوع گذشتند. | معلم از دیدگاه دانش آموز به گونه ای تبعیض آمیز رفتار می کند. نمی توان این دیدگاه را توسعه داد زیرا بایستی روایت معلم را نیز شنید. |

مقوله های مهم در پژوهش روایتی

موضوع فیزیکی:

- ۱- کلاس سه ردیف میز و نیمکت داشت که میز معلم در کنار یکی از ردیف ها قرار داشت و از دو ردیف دیگر دور بود.
- ۲- تقسیم نمودن بچه های کلاس به سه گروه تنبل و متوسط و زرنگ
- ۳- قرار دادن شاگردان تنبل در ردیف دورتر از معلم

افراد و شخصیت های تاثیرگذار:

- ۱- معلم
- ۲- دانش آموز راوی
- ۳- دوست
- ۴- مدیر مدرسه

احساسات و نگرش ها:

- ۱- انگیزه ایی برای رفتن به مدرسه
- ۲- دوست نداشتن معلم
- ۳- تبعیض بین شاگردان
- ۴- ناراحت شدن از حرف دانش آموز
- ۵- بی احترامی به معلم
- ۶- عدم توجه مدیر
- ۷- خاطره بد در ذهن

زمان ها:

دی ماه

بحث و نتیجه:

عدم توجه معلم به شاگردان ضعیف با فاصله گرفتن از آنها نه تنها سبب بهبود روند عملکرد درسی آنها نمی شود بلکه باعث بدتر شدن این موضوع می گردد.

مستندات:

شاگرد قوی با قرار گرفتن در ردیف شاگردان ضعیف احساس می کرد معلم از او خشن نمی آید.

منابع:

موضوع فیزیکی:

- ۱- کلاس سه ردیف میز و نیمکت داشت که میز معلم در کنار یکی از ردیف ها قرار داشت و از دو ردیف دیگر دور بود.
- ۲- تقسیم نمودن بچه های کلاس به سه گروه تنبل و متوسط و زرنگ
- ۳- قرار دادن شاگردان تنبل در ردیف دورتر از معلم

بحث و نتیجه:

عدم توجه معلم به شاگردان ضعیف با فاصله گرفتن از آنها نه تنها سبب بهبود روند عملکرد درسی آنها نمی شود بلکه باعث بدتر شدن این موضوع می گردد.

مستندات:

شاگرد قوی با قرار گرفتن در ردیف شاگردان ضعیف احساس می کرد معلم از او خوش اش نمی آید.

درون داد ۴- رویکردهای تحلیل محتوای کیفی

مسائل اجتماعی دامنه‌ای گسترده دارند که حل آن‌ها به شناخت ریشه‌های ظریف، عمیق و به‌ظاهر نامرئی‌شان وابسته است. شناخت این مسائل خودبه‌خود مستلزم دانستن و تسلط بر مبنای روش‌های شناخت آن‌هاست. تحقیقات از نوع کمی و کیفی که از دو مبانی متفاوت پارادایمی‌اند، این مسیرها را مشخص می‌کنند. روشی که به روش کمی یا روش علمی مسلط موسوم است و برگرفته از نظام فلسفی اثبات‌گرایی است، در مقابل مبانی فلسفی روش کیفی از نظام فلسفی تفسیری ریشه گرفته است. در روش‌های کمی، از طریق ایجاد فاصله میان محقق و موضوع مطالعه، می‌کوشند تا به شناختی عینی از واقعیت دست یابند؛ واقعیتی که بر تبیین، پیش‌بینی، و آزمون به‌منزله معیارهای پارادایم اثبات‌گرایی، مبتنی بر متغیرهای قابل اندازه‌گیری، استوار است.

این در حالی است که پژوهش‌های کیفی که مبتنی بر پارادایم تفسیری و روش‌شناسی پدیدارشناختی‌اند، بر درک معنای رویدادها توسط افراد تحت مطالعه استوارند. در این حالت نگاه به پدیده‌ها، نگاهی کل‌گرایانه و جامع‌نگر است و دنبال کردن این روش، راهی است برای کسب آگاهی از طریق کشف معانی پدیده‌ها. از نظر مایکوت و مورهایس چهار تفاوت بنیادین میان پژوهش‌های کمی و کیفی، عبارت‌اند از:

۱. کلمات (مفاهیم) در برابر اعداد،

۲. دیدگاه بینش‌مدار در برابر دیدگاه عینیت‌مدار،

۳. کشف در برابر اثبات،

۴. انسان‌محوری در برابر ابزارمحوری.

پژوهشگران برای تحقیق، با نگاهی علمی و منطقی به این رویکردها می‌نگرند و کاربرد هریک از موارد مزبور را با توجه به نوع تحقیق در قلمرو عمل ملاحظه می‌کنند. البته هرکدام از این رویکردها (کمی و کیفی) دارای مزایا و محدودیت‌هایی است که محقق با توجه به هدف خود باید آن‌ها را در نظر گیرد.

در هر رویکرد کمی و کیفی برای انجام پژوهش نیاز به ابزار و روش‌های متفاوتی است که یکی از آن‌ها روش تحلیل محتواست. در ادامه به معرفی این روش می‌پردازیم.

پیشینه تحلیل محتوا

استفاده از رویکردهای گوناگون مقایسه‌ای و تحلیلی از متون، بیشتر در کتاب مقدس مسیحیان در زمینه‌های علم هرمنوتیک آغاز شد و سپس در تحلیل روزنامه‌ها، شیوه‌های مربوط به خط‌شناسی و حتی تعبیر خواب توسط زیگموند فروید ادامه یافت. تقریباً نخستین تحلیل براساس مطالعه تجربی روزنامه‌ها در سال ۱۸۹۳ درباره روزنامه‌های منتشرشده در نیویورک بود که در پی پاسخ به این پرسش برآمد: آیا روزنامه‌های امروز مطالب ارزشمند ارائه می‌دهند؟ این تحلیل نشان داد که از ۱۸۸۱ تا ۱۸۹۳، روزنامه‌های نیویورک افترا، شایعات و ورزش را تا حد بسیاری جایگزین مطالب مذهبی، علمی و ادبی کرده‌اند.

تحلیل محتوا به‌منزله تکنیکی علمی عمدتاً در قرن بیستم رایج شد. شاخص‌های گوناگون علوم اجتماعی هم‌چون ارتباطات، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و روان‌شناسی آن را در پژوهش‌های خود به‌کار گرفته‌اند. این روند به‌ویژه در طول جنگ جهانی دوم در دهه ۱۹۴۰ رواج بیشتری یافت. در ابتدا این روش را برای تحلیل تبلیغات و سپس برای اهداف اطلاعاتی و نظامی به‌کار گرفتند. در این زمان دو گروه برجسته به تحلیل تبلیغات اختصاص یافت:

۱. کارگروه کتابخانه کنگره آمریکا: در این کارگروه، به موضوعات نمونه‌گیری، مسائل سنجش پایایی و اعتبار مقوله‌های محتوای ارتباطات پرداختند.

۲. کارگروه اسپایر (وابسته به دولت امریکا): در این گروه به سخن‌پراکنی‌های داخلی دشمن می‌پرداختند تا رویدادهای آلمان نازی و متحدانش را شناسایی و پیش‌بینی، و اثر عملیات نظامی بر روحیه جنگ را برآورد کنند.

پس از جنگ جهانی دوم هارولد لاسول و همکارانش با انتشار کتاب *زبان سیاست*، دیدگاه‌ها و جهت‌های نوینی را برای به‌کارگیری این تکنیک فراهم آوردند. در دهه ۱۹۵۰، برلسون کتاب خود را با عنوان *تحلیل محتوا در تحقیقات مربوط به ارتباطات* منتشر کرد. در دهه ۱۹۶۰ استفاده از کامپیوتر در به‌کارگیری این روش موجب رشدی فزاینده در بهره‌برداری از آن شد. این امر نخست با رشد نرم‌افزارهای کامپیوتری، مستعد پردازش داده‌های لفظی گردید. برنامه‌های کامپیوتری شمارش کلمات نیز پدیدار شدند. به‌دنبال آن، برنامه‌های کامپیوتری جدیدی پدید آمدند که دارای سیستم فرهنگ واژگان مشخص بودند و براساس آن، کلمه‌های متن با توجه به فرهنگ واژگان رمزگذاری می‌شد. تحلیل‌گر می‌توانست اطلاعاتی را دست‌کاری، مقوله‌بندی، علامت‌گذاری و بازیابی کند.

اواسط قرن بیستم ایراداتی به تحلیل‌های سطحی بدون در نظر گرفتن محتوای پنهان تحلیل وارد شد. از این زمان بود که رویکردهای کیفی در تحلیل محتوا گسترش یافتند. تحلیل محتوای کیفی، یکی از روش‌های تحقیق است که برای تحلیل داده‌های متنی، کاربردی فراوان دارد. از دیگر مواردی که می‌توان در آن‌ها از این روش سود جست، مردم‌نگاری، نظریه بنیادی، پدیدارشناسی و تحقیقات تاریخی است. تحلیل محتوای کیفی، تمرکز بر مشخصات زبان به‌منزله وسیله ارتباطی برای به دست آوردن معنا و محتوای متن دارد. داده‌های متن ممکن است به صورت شفاهی، چاپی یا الکترونیکی و هم‌چنین حاصل پاسخ‌های شفاهی، پرسش‌های پیمایشی باز یا بسته، مصاحبه‌ها، گروه‌های متمرکز، مشاهدات یا رسانه‌های چاپی مانند مقالات و کتاب‌ها باشند.

یکی از تعاریف اولیه و رایج تحلیل محتوا از برلسون است. به اعتقاد او در تحلیل محتوا، ویژگی‌های ظاهری یک پیام (متن، مکالمه و...) را به شکل عینی (مستقل از برداشت شخصی محقق) و نظام‌مند (بر طبق قواعد معین و کمی براساس شاخه‌های آماری) توصیف می‌کنند. این تعریف برلسون تعریفی کاملاً کمی از تحلیل محتواست. از نظر گروهی از محققان، صرف محتوای ظاهری پیام چندان ارزشمند نیست و یک پژوهشگر باید استنباط و قضاوت خود را نیز به‌کار برد و محتوای پنهان یک پیام ارتباطی را توصیف و تفسیر کند. به اعتقاد فیلیپ /ستون تحلیل محتوا روشی است که به‌گونه عینی و براساس قواعد معین، مشخصاتی ویژه از یک پیام را کشف می‌کند که این تعریف به تحلیل محتوای کیفی نزدیک‌تر است.

به‌هرحال می‌توان گفت که محققان به تحلیل محتوا به‌منزله روشی انعطاف‌پذیر برای تحلیل اطلاعات توجهی ویژه دارند. تحلیل محتوا بیانگر رویکردهای تحلیل گوناگون است، و از رویکردهای برداشت‌گرایانه حدسی و تفسیری تا رویکردهای نظام‌مند و دقیق را در بر می‌گیرد. هر محقق با توجه به نوع مطالعه و با توجه به علاقه خود می‌تواند نوع ویژه‌ای از تحلیل محتوا را برگزیند. اگرچه انعطاف‌پذیری تحلیل محتوا برای انواع گوناگون تحقیق سودمند است، فقدان تعریف و رویه قطعی می‌تواند محدودیت جدی در کاربرد این روش تحقیق پدید آورد. تحلیل محتوا معمولاً به دو روش تحلیل محتوای کمی و کیفی تقسیم می‌شود و محقق باید براساس طرح موضوع و با توجه به نوع استفاده از تحلیل محتوا و روال به‌کارگیری آن در مطالعه، از این دو نوع روش سود ببرد تا بتواند از سردرگمی و ابهام کاربرد میان دو روش دوری گزیند. برای روشن‌تر شدن موضوع، نخست شرح مختصری از تحلیل محتوای کمی ارائه می‌دهیم و سپس به‌گونه‌ای گسترده‌تر به شرح تحلیل محتوای کیفی، که روش‌شناسی پژوهش اخیر را در بر می‌گیرد، می‌پردازیم.

رویکردهای تحلیل محتوای کیفی

بر اساس نظریه‌شناسی و شانون می‌توان رهیافت‌های موجود در زمینه تحلیل محتوا را به سه دسته تقسیم کرد که عبارت‌اند از: ۱. تحلیل محتوای عرفی و قراردادی؛ ۲. تحلیل محتوای جهت‌دار؛ ۳. تحلیل محتوای تلخیصی یا تجمعی. با این همه در مجموع می‌توان گفت که همه رویکردهای تحلیل محتوای کیفی از یک فرایند مشابه پیروی می‌کنند که هفت مرحله را دربرمی‌گیرد:

۱. تنظیم کردن پرسش‌های تحقیقی که باید پاسخ داده شوند؛
۲. برگزیدن نمونه مورد نظر که باید تحلیل شود؛
۳. مشخص کردن رویکرد تحلیل محتوایی که باید اعمال شود؛
۴. طرح‌ریزی کردن فرایند رمزگذاری؛
۵. اجرا کردن فرایند رمزگذاری؛
۶. تعیین اعتبار و پایایی؛
۷. تحلیل کردن نتایج حاصل از فرایند رمزگذاری (کاید).

تحلیل محتوای عرفی

تحلیل محتوای عرفی معمولاً در طرحی مطالعاتی به کار می‌رود که هدف آن شرح یک پدیده است. این نوع طرح، اغلب هنگامی مناسب است که نظریه‌های موجود یا ادبیات تحقیق درباره پدیده مورد مطالعه محدود باشد. در این حالت پژوهشگران از به کارگرفتن مقوله‌های پیش‌پنداشته می‌پرهیزند و در عوض ترتیبی می‌دهند که مقوله‌ها از داده‌ها ناشی شوند. در این حالت، محققان خودشان را بر امواج داده‌ها شناور می‌کنند تا شناختی بدیع برایشان حاصل شود. بنابراین از طریق استقرا، مقوله‌ها از داده‌ها ظهور می‌یابند. این حالت را مایرینگ مقوله استقرایی نامیده است. اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق مصاحبه و از طریق تداعی معنا تحلیل می‌شوند و نظریه‌های از پیش موجود جایگاهی ندارند. در این حالت، تحلیل داده‌ها با خواندن آن‌ها به صورت مکرر آغاز می‌شود تا درکی کامل درباره آن‌ها به دست آید. برای نمونه، برای رسیدن به درک یک متن مانند رمان، باید واژه به واژه آن را برای مشتق ساختن عناصری از متن جهت طرح رمزها خواند.

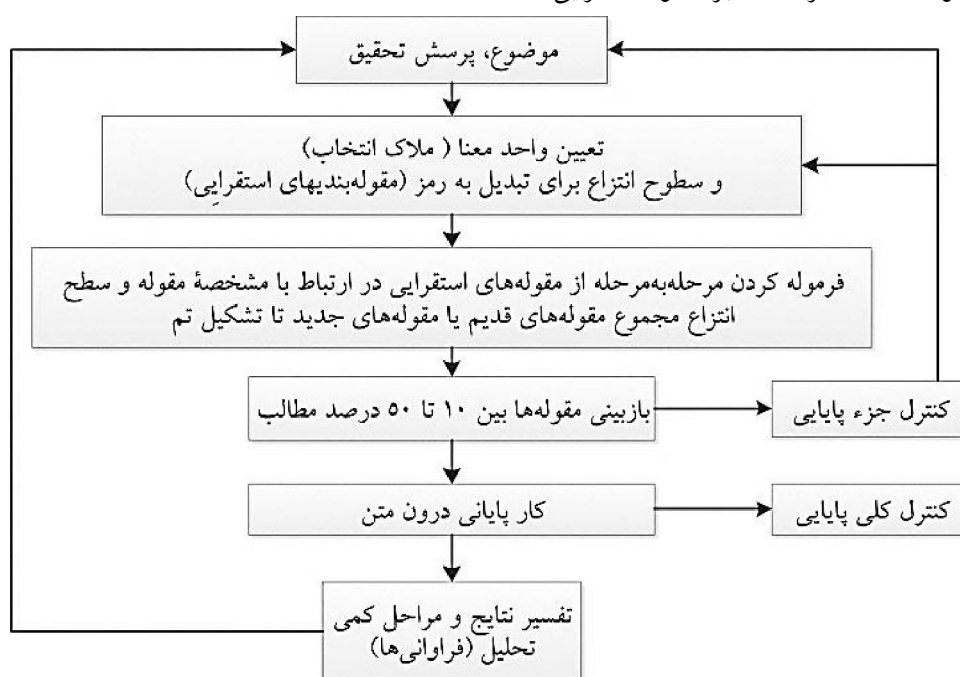
محقق براساس ادراک و فهم خود از متن مورد مطالعه، نوشتن تحلیل اولیه را می‌آغازد و این کار ادامه می‌یابد تا پیش‌زمینه‌هایی برای ظهور رمزها آغاز شود. این عمل اغلب موجب می‌شود که طرح‌ریزی رمزها از متن ظهور یابد و سپس براساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان مقوله‌بندی شوند. این مقوله‌بندی از سازمان‌دهی و گروه‌بندی کردن رمزها به صورت خوشه‌های معنادار دسته‌بندی می‌شود. به گونه ایده‌آل شمار افراد گروه بین ۱۰ تا ۱۵ مورد انتخاب می‌شود که برای تنظیم شمار فراوانی از رمزها بسنده است. بسته به کیفیت ارتباط بین زیرمقوله‌ها، محقق می‌تواند با ترکیب و سازمان‌دهی این زیرمقوله‌ها، آن‌ها را به شمار کمتری از دسته‌بندی (مقوله) تبدیل کند. نمودار درختی می‌تواند برای سازمان‌دهی کردن این مقوله‌ها به صورت یک ساختار سلسله‌مراتبی استفاده شود. در مرحله بعدی تعاریفی برای هر مقوله و زیرمقوله و رمز صورت می‌گیرد. برای تهیه گزارش از یافته‌ها، مثال‌هایی برای رمزها و مقوله‌ها از روی داده‌ها مشخص می‌شود. بسته به هدف تحقیق، محققان تصمیم می‌گیرند ارتباطی بین مقوله‌ها و زیرمقوله‌های بیشتر براساس موافقت بین خود، پیشینه موضوع یا سلسله‌مراتب بین داده‌ها مشخص کنند.

امتیاز بارز تحلیل محتوای کیفی براساس رویکرد عرفی، به دست آوردن اطلاعات مستقیم و آشکار از مطالعه، بدون تحمیل کردن مقوله یا نظریه‌های از پیش تعیین شده است. البته به این روش انتقادهایی نیز وارد است؛ از جمله

ضعف در ایجاد فهم جامع از محتوای متن، که در نتیجه، موجب نقصان شناسایی مقوله‌های اصلی می‌شود و ممکن است بیان واقعی از داده‌ها ارائه نشود.

همان‌گونه که در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است، رمزگذاری و در نتیجه مقوله‌بندی مطالب در تحلیل محتوای عرفی بدون در نظر داشتن هیچ پیشینه تئوریکی، هم‌زمان با مطالعه متن یا مصاحبه آغاز می‌شود. با توجه به موضوع، مرحله به مرحله به تعیین واحد معنا و فشرده ساختن آن تا تعیین رمز می‌پردازیم و در صورت داشتن زمینه‌ای مشترک، رموزها ادغام می‌شوند تا مقوله‌ها تعیین گردند و سپس مفهوم کلی که حاصل جمع‌بندی این مقوله‌هاست (تم) حاصل می‌آید. برای حفظ پایایی، بازبینی مطالب در دو مرحله، یکی پس از این که بین ۱۰-۵۰ درصد مقوله‌بندی‌ها تکمیل شد و دیگری در پایان کار صورت می‌پذیرد و اگر پرسش تحقیق جنبه‌ای کمی را نیز در بر گیرد، در پایان می‌توان آن‌ها را نیز تحلیل کرد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در این جا ما بدون داشتن پشتیبانی نظریه از جزئیات و مشترکات حاصل از آن استفاده می‌کنیم تا به مفهوم کلی می‌رسیم. مثال‌هایی که در جدول‌های ۳ و ۲ بیان شده‌اند براساس همین موضوع‌اند.

نمودار ۱: مدل مرحله کاربرد مقوله استقرایی



تحلیل محتوای جهت‌دار

گاه نظریه یا تحقیقاتی قبلی درباره یک پدیده مطرح‌اند که یا کامل نیستند یا به توصیف‌های بیشتری نیازمندند. در این حالت محقق کیفی، روش تحلیل محتوا با رویکرد جهت‌دار را بر می‌گزیند. این روش را معمولاً براساس روش قیاسی متکی بر نظریه طبقه‌بندی می‌کنند که تمایزات آن با دیگر روش‌ها براساس نقش نظریه در آن‌هاست. هدف تحلیل محتوای جهت‌دار معتبر ساختن و گسترش دادن مفهومی چارچوب نظریه و یا خود نظریه است. نظریه از پیش موجود می‌تواند به تمرکز بر پرسش‌های تحقیق کمک کند. این امر پیش‌بینی‌هایی را درباره متغیرهای مورد نظر یا درباره ارتباط بین متغیرها فراهم می‌کند. این موضوع می‌تواند به تعیین طرح رمزگذاری اولیه و ارتباط بین رموزها کمک کند، که نشان‌دهنده مقوله‌بندی به شیوه قیاسی است. تحلیل محتوا با رویکرد جهت‌دار نسبت به دیگر روش‌های تحلیل محتوا از فرایند ساختارمندتری برخوردار است.

با به کار بردن نظریه‌های موجود یا پژوهش‌های پیشین، پژوهشگران کار خود را با شناسایی متغیرها یا مفاهیم اصلی برای طبقه‌بندی رمزهای اولیه آغاز می‌کنند. در مرحله بعد تعریف‌های عملیاتی برای هر مقوله با استفاده از نظریه مشخص می‌شود.

اگر داده به صورت اولیه از مصاحبه‌ها به دست آمده باشد، ممکن است از یک پرسش باز استفاده شده باشد که از پرسش‌های هدف‌مند مربوط به مقوله‌بندی‌های از پیش تعیین شده است. به دنبال پرسش باز، محقق پژوهش ویژه‌ای برای کشف تجربیات مشترک مشارکت‌کنندگان، مثلاً دربارهٔ محرومیت، عصبانیت، افسردگی و رضایت انجام می‌دهد.

رمزگذاری براساس پرسش تحقیق می‌تواند با یکی از این دو راهکار آغاز شود:

۱. اگر هدف تحقیق، شناسایی و مقوله‌بندی همهٔ موارد مربوط به یک پدیدهٔ ویژه مثلاً واکنش‌های عاطفی است، باید کل متن مطالعه شود و آن بخش‌هایی که براساس برداشت اولیهٔ ما (واکنش عاطفی) مشخص می‌شوند، علامت‌گذاری گردند. در مرحلهٔ بعدی براساس رمزهای از پیش تعیین شده (براساس نظریه) قسمت‌هایی که علامت‌گذاری شده‌اند، رمزگذاری می‌شوند. به هر بخش از متن که در این رمزگذاری اولیه جای نمی‌گیرد، می‌توان رمزی جدید داد؛

۲. رمزگذاری آنی با استفاده از رمزهای از پیش تعیین شده: داده‌هایی را که نمی‌توانیم رمزگذاری کنیم، مشخص و سپس تحلیل می‌کنیم تا این‌که معین شود آیا آن‌ها یک مقوله‌اند یا زیرمقولهٔ رمزهای موجود؟ برگزیدن این‌که از کدام یک از این رویکردها استفاده شود، بستگی به داده و هدف محقق دارد.

اگر محقق بخواهد اطمینان یابد که همهٔ معانی مرتبط با پدیدهٔ مورد نظرش (برای نمونه، واکنش عاطفی) را مد نظر قرار داده است، باید نخست موارد شناسایی‌شده را علامت‌گذاری کند و تا کسب قابلیت اعتماد، رمزگذاری انجام نشود. اگر محقق اطمینان یافت که رمزگذاری اولیهٔ شناسایی مرتبط با متن، فاقد سوگیری است می‌تواند رمزگذاری را آغاز کند.

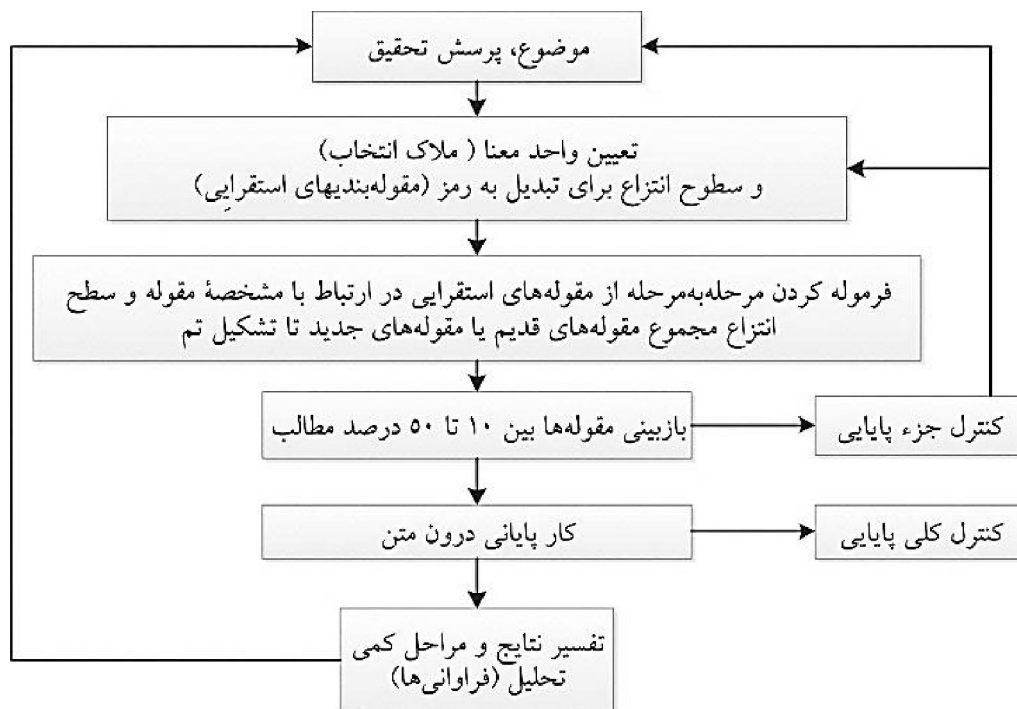
بسته به نوع و گستردگی یک مقوله، محقق ممکن است نیاز داشته باشد با تحلیل پی‌درپی، در شناسایی زیرمقوله بکوشد. یافته‌های ناشی از تحلیل محتوای جهت‌دار می‌توانند پیشنهادهایی برای حمایت یا عدم حمایت از یک نظریه داشته باشند. این مدارک می‌توانند به وسیلهٔ نشان دادن رمزها و از طریق مثال‌ها و توصیف‌ها معرفی شوند. هرچند در این‌جا می‌توان از فراوانی رمزها مانند تحقیقات کمی و آماری استفاده کرد، بعید به نظر می‌رسد هر دو به یک نتیجه برسند. البته نظریه یا پژوهش‌های پیشین ما را برای بحث دربارهٔ یافته‌هایمان راهنمایی می‌کنند. مقوله‌های مشخص شده در تحقیقات می‌توانند دید متضادی از نظریه‌ها را ایجاد کنند و یا می‌توانند در جهت اصلاح، گستردگی و تقویت کردن نظریه، تأثیر بگذارند. یکی از نقاط قوت تحلیل محتوای جهت‌دار را می‌توان پشتیبانی از نظریه‌های موجود و هم‌چنین ایجاد فهمی گسترده‌تر از آن دانست. به همین منظور، رویکرد جهت‌دار می‌تواند در اینجا به‌منزلهٔ رقیب پارادایم طبیعت‌گرا عمل کند.

استفاده از نظریه‌های موجود می‌تواند دارای محدودیت‌های ذاتی برای محقق باشد؛ مانند گرایش به سوگیری نسبت به جانب‌داری از نظریه. پس محقق ممکن است تمایل یابد که به دنبال شواهد و مدارک تأییدکنندهٔ نظریه باشد. بنابراین بی‌طرفی یا اثبات قابلیت اعتماد (داشتن روایی و پایایی) می‌تواند ملاکی باشد که محقق برای متعادل ساختن نسبت مفهوم به مشاهدات، در تحقیق خود در نظر بگیرد.

در نمودار شمارهٔ ۲ مدل مقوله‌بندی قیاسی نشان داده شده است که در آن محقق با به‌کار بردن نظریه‌های موجود در شناسایی و رمزگذاری داده‌ها اقدام می‌کند. برخلاف نمودار ۱ که در آن واحدهای معنا بدون پشتوانه نظری تبدیل

به رمزها و در نهایت مقوله‌بندی می‌شوند، در این جا محقق باید از نظریه در رمزبندی استفاده کند. بنابراین قیاس اصلی در این جا نظریه‌ی ازپیش‌موجود است و نه نظر محقق. در این جا نیز مانند نمودار شماره ۱ جهت پایایی به بازبینی مجدد و در صورت لزوم بازبینی مقوله‌بندی داده‌ها در دو مرحله پرداخته می‌شود.

نمودار ۲: مدل مرحله‌ کاربرد مقوله‌بندی قیاسی



تحلیل محتوای تلخیصی

مطالعه‌ای که از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی استفاده می‌کند با شناسایی و کمی کردن کلمات یا مضامین ویژه موجود در متن، با هدف فهم چگونگی کاربرد این کلمات یا محتوای آن‌ها در متن آغاز می‌شود. این کمیت‌سازی نه تنها تلاشی برای فهم معنای کلمات است، بیشتر از آن، کشف کاربرد این کلمات در متن است. تحلیل کردن برای نمود یک کلمه یا مضمون ویژه در متن، نشانی از تحلیل محتوای واضح و مشخص است. اگر تحلیل در همین حد باز ایستد، تحلیلی کمی به شمار می‌آید که تمرکز آن روی شمار فراوانی مضمون یا واژگان ویژه است. تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی می‌تواند به آن سوی شمارش که همان تحلیل محتوای پنهان و نهفته موجود در کلمات است، نیز برود. تحلیل محتوای پنهان به فرایند تفسیر محتوا مربوط می‌شود. در این نوع تحلیل، تمرکز روی کشف معانی اصولی واژه یا مضامین آن است و پژوهشگران از این نوع تحلیل محتوا در مطالعات تحلیلی انواع مقالات موجود در مجلات علمی و هم چنین کتاب‌های مرجع استفاده می‌کنند. کتاب‌های مرجع درباره مطالعات با محتوای تجربی مربوط به مراقبت‌های تسکینی و روحیه مذهبی در کتاب پرستاری از این گونه‌اند. برای نمونه ما می‌توانیم کلماتی مانند مرگ، مردن و در حال مرگ را در نظر بگیریم و آن‌ها را بشماریم که در حقیقت کاری کاملاً کمی است؛ ولی اگر در پی شناسایی اصطلاحات جایگزین برای مرگ در متن باشیم و تجربه کنیم که چگونه این کلمات به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در متن استفاده می‌شوند، می‌توان گفت از تحلیل محتوا با رویکرد تلخیصی استفاده کرده‌ایم.

در یک تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی، تحلیل داده با جست‌وجوی کلمات مشخص به وسیله روش دستی یا کامپیوتری آغاز می‌شود. واژگان پرشماری برای هر اصطلاح مشخص محاسبه می‌شوند. در این جا محقق

می‌خواهد بداند که واژه مورد نظر چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم به چه تعداد و توسط چه کسانی به کار برده شده است تا براساس آن‌ها به مضمون‌سازی رمزها پردازد.

این حالت به محقق اجازه می‌دهد تا به تفسیر مضامین مربوط به هم پردازد. محققان می‌کوشند بر این اساس، کاربرد کلمه و یا معانی‌ای را که یک کلمه می‌تواند داشته باشد، کشف کنند. تحلیل محتوا با رویکرد تلخیص، دارای مزیت‌هایی است. برای مثال، این نوع از تحلیل محتوا - به علت تأکید بر کلمات ویژه و مورد نظر محقق، نسبت به دو رویکرد پیشین - روشی منفعل و بی‌دردسر برای مطالعه و بررسی پدیده‌های مورد علاقه محقق است؛ و یا این‌که ببنی بر بنیادین از این موضوع را که چگونه افراد کلمات را به کار می‌برند ارائه می‌کند؛ هرچند یافته‌های حاصل از این رویکرد به علت عدم توجه به گستردگی معانی موجود در داده، می‌تواند محدودیت‌هایی برای تحقیق ایجاد کند. در جدول شماره ۱، خلاصه سه رویکرد متفاوت تحلیل محتوای کیفی به نمایش درآمده است:

جدول ۱: اختلافات اساسی کدگذاری در سه رویکرد تحلیل محتوا

| نوع تحلیل محتوا | آغاز تحقیق | زمان تشخیص رمزها یا کلمات کلیدی | منشأ رمزها یا کلمات کلیدی |
|----------------------|-------------|---|---|
| تحلیل محتوای عرفی | مشاهده | رمزها هم‌زمان با تحلیل داده معین می‌شوند | رمزها از داده‌ها مشتق می‌شوند |
| تحلیل محتوای جهت‌دار | نظریه | رمزها هم‌زمان با تحلیل داده‌ها و یا قبل از آن‌ها مشخص می‌شوند | رمزها از تئوری یا یافته‌های تحقیق مشتق می‌شوند |
| تحلیل محتوای تلخیصی | کلمات کلیدی | کلمات کلیدی قبل و در ضمن تحلیل داده‌ها تعریف می‌شوند | کلمات کلیدی براساس علاقه محقق یا ادبیات تحقیق به دست می‌آیند. |

تعریف مفاهیم اساسی در تحلیل محتوای کیفی

هرچند درباره تعریف مفاهیم در تحلیل محتوای کیفی توافق اصولی وجود ندارد، در کل می‌توان گفت این مفاهیم عبارت‌اند از: ۱. محتوای آشکار و پنهان، ۲. واحد تحلیل، ۳. واحد معنا، ۴. فشرده کردن، ۵. جداسازی و خلاصه کردن، ۶. منطقه محتوایی، ۷. رمز، ۸. مقوله، ۹. تم [مضمون].

در ادامه به ترتیب اشاره‌ای مختصر به هریک از آن‌ها خواهیم کرد.

در یک تحلیل محتوای کیفی موضوع اساسی، تصمیم‌گیری در این باره است که آیا تحلیل باید بر محتوای آشکار تأکید کند یا بر محتوای پنهان. آن بخش از تحلیل که به توصیف جنبه‌های مشاهده‌پذیر و جزئیات ملموس محتوا می‌پردازد، صورت آشکار از تحلیل محتواس است؛ و در مقابل، آن بخش که درباره چگونگی درگیر شدن در تفسیر معانی اساسی و جنبه‌های ارتباطی این معانی در متن صحبت می‌کند، صورت پنهان تحلیل محتواس است. هرچند می‌توان گفت هم محتوای آشکار و هم پنهان هر دو می‌توانند به تفسیر مرتبط باشند، تفاسیرشان در عمق و سطح انتزاع متفاوت است. واحد تحلیل، یکی دیگر از امور مهم در تحلیل محتواس است. در نوشته‌ها، واحد تحلیل به یک نوع موضوع مورد مطالعه مهم اشاره می‌کند. برای مثال یک شخص، یک برنامه، یک سازمان، یک کلاس درس یا یک کلینیک پزشکی یا اجتماع، دولت یا ملت واحدهای تحلیل‌اند. دیگران واحد تحلیل را به منزله مصاحبه‌ها یا خاطرات روزانه مطرح می‌کنند و در کل مقداری از فضایی را که به یک موضوع یا یک عمل تحت مطالعه اختصاص داده می‌شود، واحد تحلیل گویند. هم‌چنین بخش‌هایی از متن که جدا و رمزگذاری می‌شود، یا هر عبارتی که در نسخه مورد مطالعه ما وجود دارد، می‌تواند به منزله واحد تحلیل در نظر گرفته شود. باید در نظر داشت که واحد تحلیل باید به اندازه‌ای باشد که به منزله زمینه‌ای برای واحد معنا در فرایند تحلیل در نظر گرفته شود.

واحد معنا، عبارت است از مجموعه‌ای از واژگان یا جمله‌ها که بتوان ارتباطی از معانی مشابه و یک‌سان در آن‌ها یافت و براساس این معنای مشابه آن‌ها را تقسیم‌بندی کرد. این تقسیم‌بندی می‌تواند نام‌های متفاوتی داشته باشد، از

قبیل واحد تحلیل یا واحد رمزگذاری، یک واحد ایده، واحد لفظی مربوط به متن، یک واژه یا عبارت کلیدی واحد تحلیل، یا تم. واحد معنا در بردارنده کلمه، جمله، یا عبارت‌ها و یا پاراگراف‌هایی است که در جنبه‌هایی از زمینه یا محتوایشان با یکدیگر ارتباط دارند.

در واحد معنا مباحثی مطرح‌اند که پیش از رمزگذاری باید آن‌ها را فهمید و رعایت کرد. یکی از آن‌ها بحث درباره کوتاه کردن مطالب، شامل مفاهیمی مانند ساده‌سازی، تلخیص و فشردگی است.

ساده‌سازی تنها به کاهش اندازه بدون اشاره به کیفیت موضوع اشاره دارد. تلخیص به کیفیت مختصرشده متن مربوط است که به‌منزله مرحله اضافی در فرایند تحلیل دیده می‌شود. فشردگی (چکیدگی)، به یک فرایند مختصر کردن اشاره دارد که هسته معنایی اصلی در متن حفظ می‌شود؛ فرایندی که به موجب آن متن فشرده می‌شود؛ به صورت مجزا در می‌آید و با متن‌های فشرده هم‌معنا جمع می‌شود و آن‌ها با هم درون دسته بزرگ‌تر قرار می‌گیرند. این دسته بزرگ‌تر مجموعه نامیده می‌شود و براساس آن می‌توان رمزها را پدید آورد.

البته بهتر است به‌جای واژه فشردگی از واژه انتزاع استفاده کنیم، زیرا این واژه بر توصیف و تفسیر در سطحی منطقی‌تر تأکید می‌کند. مثال‌هایی از ساخت ایجاز در متن، شامل ساخت رمزها، مقوله‌ها و تم‌ها، در سطوح مختلف است. اصطلاح بعدی منطقه محتوایی است که باکستر، آن را با همین نام و بروسوآن را با نام خوشه محتوایی معرفی می‌کند. این اصطلاح به بخش‌هایی از متن که با موضوعی ویژه سروکار دارد، اشاره می‌کند. یک منطقه محتوایی می‌تواند براساس مشاهده یا براساس فرض‌های نظری به‌دست آید.

واحد معنا، مبنا و پایه ساخت رمزگذاری است و از واحد معنا می‌توان به رمزگذاری رسید. بنابر نظر کافی و /تکینسون، رمزها ابزارهایی برای تفکر و ابتکارند؛ از این‌رو براساس واحد معنا، باید داده‌ها را با توجه به نوع تحقیق در رمزهای مختلف قرار داد. پس از رمزها به بررسی اصطلاح مقوله می‌رسیم که مرحله بعدی در تحلیل محتوای کیفی است. ایجاد مقوله، ویژگی اصلی تحلیل محتوای کیفی است. یک مقوله، گروهی از مضامین است که در یک وجه اشتراک شریک‌اند. پاتن، بیان می‌کند که مقوله‌ها دارای هماهنگی درونی و ناهمگونی بیرونی‌اند. کریپندورف، تأکید می‌کند که مقوله‌ها باید جامع و مانع باشند. این بدین منظور است که هیچ داده مرتبطی نمی‌تواند با قصد محقق از مقوله‌ها بیرون نگاه داشته شود که در این صورت یکی از معایب مقوله‌بندی مناسب خواهد بود. به‌علاوه هیچ داده‌ای نباید در دو یا بیش از یک مقوله وارد شود؛ هرچند به دلیل پیچیدگی واقعیت تجربه‌انسانی، امکان ندارد یک مقوله‌بندی جامع و مانع ایجاد شود. باید دانست که یک مقوله به پرسش چه چیز پاسخ می‌دهد. همان‌گونه که دیده می‌شود، یک مقوله اغلب به یک سطح توصیفی محتوا اشاره دارد و می‌تواند مبین محتوای آشکار متن باشد. یک مقوله اغلب در بردارنده شماری از زیرمقوله‌هاست که سطوح متفاوتی از ایجاز را دارند. زیرمقوله‌ها می‌توانند در یک مقوله جای گیرند، یا یک مقوله می‌تواند به زیرمقوله‌ها تقسیم شود.

پس از مقوله به واپسین مفهوم بیان‌شده در تحلیل محتوای کیفی می‌رسیم که مفهوم تم است. مفهوم تم دارای معنای چندگانه است و ایجاد تم‌ها شیوه‌ای است که مضامین و معانی اساسی را در مقوله‌ها با هم مرتبط می‌سازد. پالیت و هانگلر، تم را یک اصل تکراری ایجاد شده درون مقوله‌ها یا گسست میان مقوله‌ها می‌دانند. باکستر، تم‌ها را رشته‌ای از معانی و مضامین می‌داند که حوزه به حوزه تکرار می‌شوند.

تم، که به پرسش چگونه است پاسخ می‌دهد، رشته‌ای از معانی برجسته، واحدهای معنای فشرده، رمزها یا مقوله‌ها براساس سطوح تفسیری است. یک تم می‌تواند مبین محتوای پنهان متن در نظر گرفته شود. از آن‌جا که همه داده‌ها در این‌جا دارای معناهای چندگانه‌اند، تم‌ها لزوماً جامع و مانع نیستند. یک واحد معنای فشرده، یک رمز یا یک مقوله،

می‌تواند متناسب برای قرار گرفتن در بیشتر از یک تم باشد. تم می‌تواند به وسیله خرده‌تم‌ها ساخته یا به خرده‌تم‌ها تقسیم شود.

۱. تجربه‌هایی که مرتبط با آغاز بیماری‌اند؛ ۲. تجربه‌های مرتبط با افزایش قند خون. ۳. تجربه‌هایی که با کاهش قند خون مرتبط‌اند.

حدول ۲: مثال‌هایی از واحدهای معنا، واحد معنای فشرده‌شده و کدها

سپس رمزهای گوناگون براساس تفاوت‌ها و شباهت‌هایشان مقایسه و به شش زیرمقوله و سه مقوله دسته‌بندی می‌شوند که محتوای آشکار را تشکیل می‌دهند. مقوله‌بندی‌های آزمایشی (اولیه) بین دو محقق مورد بحث و بازبینی قرار گرفتند. تفاوت بین دو محقق در قضاوت‌شان بود که احساسات و اعمال شناخته و ناشناخته را در بر می‌گرفت. این تفاوت سرانجام به توافق در دسته‌بندی کردن رمزها انجامید و سرانجام مضمون و معنای اساسی یا به عبارت دیگر محتوای پنهان به وسیله مقوله‌بندی‌ها درون یک تم تشکیل شد. مثال‌هایی از رمزها، مقوله‌ها، زیرمقوله‌ها و تم در جدول شماره ۳ ارائه شده است:

| فقدان کنترل و تلاش برای برگرداندن کنترل | | | تم | | |
|---|--|--|----------------------------------|---|----------|
| ادراکات | | احساسات فعالیت‌ها | | مقوله | |
| مشکلات تفکری | فعالیت‌های شناخته‌شده ولی غیرمنتظره | احساسات وحشت‌آور فعالیت‌های ناآشنا | احساسات آشنا ولی غیرمنتظرهٔ بدنی | احساسات ناشناختهٔ جسمی | زیرمقوله |
| تردید در آنچه گفته می‌شود، ناتوانی در تفکر فراگیر | اصرار در خوردن، بیانات لفظی برآشفته، حمله به یخچال | ترسیدن از مرگ، رفتار ازهم‌گسیخته، از دست دادن کنترل، لکنت زبان، شک، گیجی | عرق کردن، شمار فراوان تپش قلب | تصور توخالی بودن در سر، خالی بودن معده، سفتی زبان | رمز |

گفتنی است که ایجاد مقوله‌ها، قواعد رمزگذاری یا مقوله‌بندی همواره نیازمند بحث و تفاهم توسط تیم تحقیق است. رمزگذاری متن، کنترل کردن ثبات و پایداری رمزگذاری و بازبینی قواعد رمزگذاری، فرایندی تکراری است و این عمل تا هنگامی که به رمزگذاری ثابت و مستحکم نایل شود، ادامه خواهد داشت.

قابلیت اطمینان در تحلیل محتوای کیفی

یافته‌های تحقیق باید دارای قابلیت اطمینان باشند. هر مطالعه تحقیقاتی با توجه به فرایندها و روش‌های به کار برده شده در آن ارزیابی می‌شود. مفاهیم مورد استفاده برای بیان قابلیت اطمینان بین تحقیقات کمی و کیفی متفاوت است. به‌طور سنتی در تحلیل محتوای کیفی معمولاً استفاده از مفاهیمی مانند روایی، پایایی، و تعمیم‌پذیری که به‌طور عرفی در تحقیقات کمی مورد استفاده قرار می‌گیرند، مرسوم بود. هم‌چنین در تحقیقات کیفی استفاده از مفاهیمی مانند قابلیت اعتبار، قابلیت اعتماد و قابلیت انتقال در توصیف جنبه‌های گوناگون قابلیت اطمینان کاربرد داشته است. البته لینکلن و کوبا چهار معیار ارزیابی را برای تحقیقات کیفی پیشنهاد می‌کنند که در بردارنده قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال، قابلیت اعتماد و قابلیت تصدیق است. معادل آن‌ها را در تحقیقات کمی، روایی درونی، روایی بیرونی، پایایی و عینیت می‌دانند. لانگ و جانسون می‌گویند بدون توجه به نوع تحقیق، مفاهیم روایی و پایایی دارای معنایی یکسان‌اند و هر دو با نام‌های متفاوت به کار می‌روند و تنها یک کار را انجام می‌دهند. به‌هرحال صرف‌نظر از نظرات متفاوت، در این‌جا به بررسی مختصری از سه مفهوم قابلیت اعتبار، قابلیت اعتماد و قابلیت انتقال می‌پردازیم.

قابلیت اعتبار، به تمرکز روی تحقیق و اطمینان از این موضوع که داده‌ها و فرایند تحلیل به‌خوبی در جست‌وجوی این موضوع‌اند، وابسته است. نخستین پرسش درباره اعتبار، از چگونگی تصمیم ما در تمرکز روی تحقیق، انتخاب مضمون و شرکت‌کنندگان و رویکرد جمع‌آوری داده‌ها ناشی می‌شود. انتخاب شرکت‌کنندگان با تجربه‌های گوناگون، امکان روشن شدن پرسش تحقیق را از جنبه‌های گوناگون افزایش می‌دهد. مصاحبه‌شوندگان با جنسیت و سنین گوناگون و مشاهده‌کنندگانی با شخصیت‌های متفاوت، در غنی کردن پدیده‌های مورد مطالعه سهیم‌اند.

انتخاب بهترین روش برای جمع‌آوری داده‌ها، و میزان و تعداد داده‌ها در ایجاد قابلیت اعتبار بسیار مهم‌اند. میزان داده‌هایی که برای پاسخ به پرسش‌های تحقیق ضرورت دارد، وابسته به پیچیدگی پدیده مورد مطالعه و کیفیت داده‌هاست. موضوع مهم دیگری که موجب افزایش قابلیت اعتبار در تحقیقات می‌شود انتخاب واحد معناست که باید دقیق و مناسب باشد. انتخاب واحد معنایی که بسیار بزرگ باشد (برای نمونه، دربردارنده چندین پاراگراف)، موجب اشکال در مدیریت آن توسط محقق می‌شود؛ زیرا احتمالاً از یک واحد معنایی بزرگ می‌توان معانی متفاوت برداشت کرد. هم‌چنین یک واحد معنایی کوچک مثلاً یک تک‌واژه ممکن است به مطالبی ناقص بینجامد. البته استثنایی در این مورد هست و آن هنگامی است که یک یا چندین کلمه، از یک نماد یا استعاره حکایت کنند. به‌هرحال در هر دو حالت مزبور، خطر از دست دادن معنای متن در طول فشرده یا خلاصه کردن در فرایند تحقیق وجود دارد.

قابلیت اعتبار یافته‌های تحقیق با چگونگی پوشش داده‌های تحقیق در مقوله‌ها و تم‌ها ارتباط دارد. این بدین معناست که هیچ داده مرتبطی به‌طور سهوی یا به صورت نظام‌مند بیرون از مقوله‌بندی نگاه داشته نشوند یا داده نامرتبتي را پوشش ندهند.

قابلیت اعتبار هم‌چنین پرسشی درباره چگونگی داوری درباره شباهت‌های درونی و اختلاف‌های بین مقوله‌بندی‌ها است. این رویکرد می‌تواند دو روش متفاوت داشته باشد که یکی از آن‌ها این است که نشان دهیم عبارات بیانگر یا معرف رونوشت‌برداری از متن هستند و دیگری حاصل توافق میان پژوهشگران همکار، کارشناسان و مشارکت‌کنندگان در طول تحقیق است. عقاید متفاوتی درباره لزوم داشتن توافق وجود دارد. اعتقاد بر این است که چون واقعیت، ماهیتی

چندگانه دارد و آن هم بستگی به چگونگی تفسیر ذهنی دارد، بنابراین توافق میان پژوهشگران، کارشناسان و مشارکت‌کنندگان در تحقیق بحث‌برانگیز است.

حتی اگر اعتقاد بر این باشد که واقعیت ماهیتی ذهنی و چندگانه دارد، می‌توان از ارزش گفت‌وگو و توافق در بین پژوهشگرانی که درباره یک موضوع مطالعه می‌کنند دفاع کرد. این گفته به معنای انجام مقوله‌بندی داده‌ها دقیقاً به یک صورت نیست؛ بلکه به معنای توافق کارشناسان درباره شیوه‌ای است که به طبقه‌بندی داده‌ها می‌انجامد. از دیگر مواردی که به قابلیت اعتبار تحقیق می‌انجامد، شناخت مشارکت‌کنندگان در تحقیق از یافته‌های به‌دست آمده است. این عمل هرچند لزوماً موجب تأیید نمی‌شود، ترجیحاً تصدیق می‌کند که موضوع است.

به‌جز قابلیت اعتبار، یکی دیگر از جنبه‌های پدید آمدن اطمینان در تحقیقات تحلیل محتوای کیفی، قابلیت اعتماد است. لینکلن و کوبا قابلیت اعتماد را چنین تعریف می‌کنند: جست‌وجوی معنا از طریق به‌شمار آوردن هم عوامل عدم قطعیت (بی‌ثباتی) و هم عوامل پدیدارشنونده که به طرحی برای تغییرات می‌انجامد. این عوامل موجب می‌شوند که ما درجه تغییر داده‌ها را با گذشت زمان و همچنین دگرگونی‌هایی را که در تصمیم محقق کیفی در ضمن فرایند تحلیل ایجاد می‌شوند، دریابیم. این عوامل هم‌چنین موجب می‌شوند خطر عدم ثبات یا عدم هماهنگی طی جمع‌آوری داده‌ها پدید آید. ازسویی طرح پرسش‌هایی با زمینه‌ای مشابه برای همه شرکت‌کنندگان ضرور و مهم است و از سوی دیگر مصاحبه و مشاهده فرایندی تکاملی است که طی آن مصاحبه‌کنندگان و مشاهده‌کنندگان نظرات و دیدگاه‌های جدید درباره پدیده مورد مطالعه به‌دست می‌آورند. این دیدگاه‌های جدید می‌توانند متعاقباً بر جهت پرسش‌ها تأثیر بگذارند و یا این‌که تمرکز بر مشاهده را تخصصی‌تر و محدودتر کنند. به‌وسیله گفت‌وگوی آزاد بین تیم تحقیق، دآوری‌های گوناگون درباره شباهت‌ها و تفاوت‌های محتوای مصاحبه با گذشت زمان با هم سازگارتر می‌شوند.

سومین رکن قابلیت اطمینان، هم‌چنین پرسش از قابلیت انتقال را نیز در بر می‌گیرد که اشاره به مقدار و درجه‌ای دارد که یافته‌های حاصل از تحقیق در یک محیط را بتوان به محیط و گروه‌های دیگر تسری داد. هرچند نویسندگان (مقاله‌نویسان و...) می‌توانند در این زمینه درباره چگونگی انتقال اظهارنظر کنند، این تنها تصمیم خوانندگان است که آیا یافته‌ها می‌توانند به مضمون و زمینه‌ای دیگر انتقال یابند یا نه؟

به منظور تسهیل و روشنی در امر قابلیت انتقال، شرح مشخص و شفاف از فرهنگ و زمینه مورد مطالعه، انتخاب و ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان، نحوه جمع‌آوری داده‌ها و فرایند تحلیل، مهم و بنیادین است. هم‌چنین ارائه یافته‌های پربار همراه با بیان و برآورد مناسب از این یافته‌ها می‌تواند قابلیت انتقال را آسان سازد.

باید دانست در روش تحقیق هیچ روش و راه منحصر به فرد و کلی‌ای در کار نیست؛ بلکه تنها صحبت از احتمالی‌ترین آن‌ها، آن هم با توجه به نوع رویکرد خاص است. در تحقیق کیفی به‌دست آوردن محتمل‌ترین روش تنها از طریق برقراری بحث‌ها و استدلال‌ها بین تیم تحقیق حاصل می‌شود. قابلیت اطمینان در تحقیقات کیفی، هنگامی قوی‌تر خواهد بود که یافته‌های حاصل از تحقیق مسیری را فراهم آورند که خواننده را برای جست‌وجوی تفسیر، راهنمایی کنند.

نتیجه‌گیری

تحلیل محتوا به‌منزله تکنیکی علمی عمدتاً در قرن بیستم رایج شد. شاخه‌های گوناگون علوم اجتماعی هم‌چون ارتباطات، جامعه‌شناسی، علوم‌سیاسی و روان‌شناسی آن را در پژوهش‌های خود به‌کار گرفته‌اند. در ابتدا این روش را برای تحلیل تبلیغات و سپس برای اهداف اطلاعاتی و نظامی به‌کار بردند. پژوهشگران به تحلیل محتوا به‌منزله روشی انعطاف‌پذیر برای تحلیل اطلاعات توجهی ویژه دارند. تحلیل محتوا بیانگر رویکردهای تحلیل گوناگون، از رویکردهای برداشت‌گرایانه حدسی و تفسیری گرفته تا رویکردهای نظام‌مند و دقیق است. هر پژوهشگر با توجه به

نوع مطالعه و با توجه به علاقه خود می‌تواند گونه‌ای ویژه از تحلیل محتوا را برگزیند. اگرچه انعطاف‌پذیری تحلیل محتوا برای انواع گوناگون تحقیق سودمند است، فقدان تعریف و رویه قطعی می‌تواند محدودیت جدی در کاربرد این روش تحقیق پدید آورد. تحلیل محتوا معمولاً به دو روش تحلیل محتوای کمی و کیفی تقسیم می‌شود و پژوهشگر باید براساس طرح موضوع و با توجه به نوع استفاده از تحلیل محتوا و روال به کارگیری آن در مطالعه از این دو نوع روش سود ببرد تا بتواند از سردرگمی و ابهام کاربرد میان دو روش دوری گزیند. تحلیل محتوای کمی را می‌توان شیوه نظام‌مند، عینی و کمی برای اندازه‌گیری متغیرها (شاخص پژوهش‌های کمی) و تجزیه و تحلیل آن‌ها تعریف کرد. بر این اساس، تحلیل محتوای کمی باید از چهار ویژگی عینی‌بودن، منظم‌بودن، آشکاربودن و کمی‌بودن برخوردار باشد. باید دقت کرد که در این روش دو عنصر اصلی وجود دارد: واحد تحلیل و مقوله تحلیل. اواسط قرن بیستم ایراداتی علیه تحلیل‌های سطحی بدون در نظر گرفتن محتوای پنهان تحلیل وارد چرخه تحقیق شد. از این هنگام بود که رویکردهای کیفی در تحلیل محتوا گسترش یافتند. تحلیل محتوای کیفی یکی از روش‌های تحقیق است که برای تحلیل داده‌های متنی کاربرد فراوانی دارد. از دیگر مواردی که می‌توان از این روش سود جست، مردم‌نگاری، نظریه بنیادی، پدیدارشناسی و پژوهش‌های تاریخی است. به گونه بنیادین، فروکاستن متن به اعداد در تکنیک کمی به دلیل آن‌که موجب از دست دادن اطلاعات ترکیبی و معنا می‌شود، اغلب مورد انتقاد قرار گرفته است. تحلیل محتوای کیفی در جایی که تحلیل کمی به محدودیت‌هایی می‌رسد، نمود می‌یابد. بنابراین تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متن از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، رمزبندی، و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست. با تحلیل کیفی می‌توان یک رویکرد تجربی، روش‌شناسانه و کنترل‌شده متون در درون زمینه ارتباطی، بر طبق قواعد تحلیل از محتوا و روش مرحله به مرحله با رعایت عناصر مورد مطالعه در نظر گرفت. بر پایه این تعاریف تحلیل محتوای کیفی به پژوهشگران اجازه می‌دهد که اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه ذهنی ولی با روش علمی تفسیر کنند. اعتبار نتایج، به وسیله وجود یک فرایند رمزبندی نظام‌مند تضمین می‌شود. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهایی را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید. براساس نظریه شی‌یه و شانون می‌توان رهیافت‌های موجود در زمینه تحلیل محتوا را به سه دسته تقسیم کرد: ۱. تحلیل محتوای عرفی و قراردادی، ۲. تحلیل محتوای جهت‌دار و ۳. تحلیل محتوای تلخیصی یا تجمعی. اختلاف سه رویکرد تحلیل محتوای کیفی در چگونگی طرح‌ریزی آن‌هاست. موفقیت تحلیل محتوای کیفی بستگی بسیاری به فرایند رمزگذاری دارد که فرایند بنیادین رمزگذاری، سازمان‌دهی مقدار فراوانی از متن در قالب دسته‌بندی کوچک‌تر است. دسته‌بندی‌ها، الگوها یا مطالبی هستند که یا به گونه مستقیم از متن به دست می‌آیند و یا پس از تحلیل متن حاصل می‌شوند. محقق در جهت فرایند رمزگذاری در تحلیل محتوا طرحی پی‌ریزی می‌کند که این طرح موجب راهنمایی رمزگذار در فرایند تحلیل محتواست. این طرح به منزله ابزار ترجمه‌ای جهت سازمان‌دهی کردن داده‌ها در طبقات عمل می‌کند. طرح رمزگذاری دربردارنده فرایند و قاعده تحلیل داده‌هاست که باید نظام‌مند و منطقی باشد.

قابلیت اعتماد در پژوهش‌ها، حاصل از تحلیل محتوا در ایجاد طرح‌ریزی خوب جهت رمزگذاری است. تفاوت سه رویکرد تحلیل محتوا که شامل تحلیل عرفی، جهت‌دار و تلخیصی می‌شود در طرح‌ریزی ابتدایی جهت رمزگذاری است. در تحلیل محتوای عرفی، مقوله‌ها از داده‌ها هم‌زمان با تحلیل محتوای متن حاصل می‌شوند. در این رویکرد محقق فهمی عمیق از پدیده مورد نظر به دست می‌آورد. در رویکرد جهت‌دار، محقق طرح رمزگذاری خود را پیش از این‌که تحلیل داده را آغاز کند، از طریق نظریه موجود یا تحقیقات قبلی پایه‌ریزی می‌کند. هم‌چنین در فرایند تحلیل، رمزهای دیگری نیز به دست می‌آیند و هم‌چنین رمزهای قبلی (حاصل از نظریه) بازبینی و اصلاح می‌شوند. پژوهشگرانی که از رویکرد جهت‌دار تحلیل محتوای کیفی استفاده می‌کنند، می‌توانند موجب اصلاح و گسترش نظریه موجود که از آن بهره برده‌اند، بشوند. رویکرد تلخیصی تحلیل محتوای کیفی اساساً با دو رویکرد مزبور اختلافات

بنیادین دارد. در این جا پژوهشگر به دنبال واژگان منفرد و در ارتباط با متنی ویژه است. این نوع از تحلیل موجب هدایت محقق به تفسیر معنای اصلاحات خاص یا محتوایی ویژه از لغات می شود. (ایمان و همکار، ۱۳۹۰)

مثال: ملاک ساخت قضاوت ربط

اسکامبر در سال ۲۰۰۰، تحقیقی آزمایشی در زمینه کاربران حرفه‌ای، اطلاع‌رسانی وضعیت آب و هوا به اجرا رساند تا به قضاوت ربط مبتنی بر صورت کلی اجرا و منابع اطلاع‌رسانی وضعیت آب و هوا دست یازد.

وی به منظور کسب گزارشات دست اول از کاربران، روش مصاحبه زمان‌بندی را برای جمع‌آوری اطلاعات از ۳۰ نفر از افراد به کار بست. هر برداشت شامل ده نفر با عواملی نظیر فواید نیروی برق و هوانوردی. این شرکت کنندگان سخت مشتاق بوده و خود نیز نیاز ویژه‌ای به اطلاعات آب و هوایی داشتند. طبق روشی طبیعت‌گرایانه پاسخ‌های مصاحبه باید به صورتی معنا شود که معنای اصلی ذکر شده توسط مطالعه شرکت‌کنندگان را به خطر نیندازد. تجزیه و تحلیل محتوای استقرایی به منظور کمک به این‌گونه مسائل و رسیدن به نتیجه‌ای دقیق و معتبر انتخاب شده بود. مصاحبه‌ها به صورت کاست صوتی و ضبط شده بودند. رونوشت‌ها به عنوان اولین منابع اطلاعات تجزیه و تحلیل داده‌ها به شمار می‌روند، زیرا هدف از مطالعه این موضوع شناخت و توصیف معیارها و ملاک‌هایی بوده که مدام بتوانند قضاوت ربط ارائه دهند.

اسکامبر آیین‌نامه واحدی را معرفی کرد: یک واژه با گروهی از واژه‌ها می‌توانند تحت یک مقوله معیاری رمزگذاری شوند (اسکامبر ۲۰۰۰). تمامی پاسخ‌ها در هر مصاحبه قبل از کدگذاری در این زمینه مطابق یکدیگر بوده‌اند. همان‌گونه که اسکامبر یادآور شده، همان‌گونه که تجزیه و تحلیل مطالب به عنوان ابزار مشاهده‌ای ثانویه برای شناخت متغیرها در متن به کار می‌رود ابزار تحلیلی‌ای برای طبقه‌بندی نیز می‌باشد. تجزیه و تحلیل مطالب در این مطالعه مثال در مرحله پیش‌آزمون به منظور طرح راهنمای مصاحبه و به عنوان پایه‌ای برای آیین‌نامه گنجانده شده است و همین‌طور به ارزیابی تأثیرات موارد ویژه می‌پردازد. گزارش نویسنده می‌گوید: بر اساس داده‌هایی از تعداد کمی از نخستین پاسخ‌دهنده‌ها، طرح به طور قابل‌توجهی طی هشت‌بار آزمایش توسط ۱۴ کدگذارانده انجام شد تا به مراحل مطلوب دست یازند.

چهارده کدگذار در زمان یک‌سان در کدگذاری دخالت نداشتند بلکه آن‌ها در هنگام سه مرحله، تجدید نظر و بازنگری تقریباً پراکنده بودند.

روند تجزیه و تحلیل استقرایی بوده و نوعی روش تئوری استوار می‌باشد. مؤلف متغیرها یا طبقه‌هایی از تئوری‌های موجود یا مطالعات مربوطه پیشین را استخراج می‌کند و وی هیچ‌گونه قصدی در بررسی تئوری‌های موجود ندارد. وی نسبتاً خود را غرق در رونوشت‌های مصاحبه می‌کند و اجازه می‌دهد که طبقات به خودی خود شکل بگیرند. تعدادی از این‌گونه طبقات در طرح کدگذاری ساده بودند و می‌توان به آسانی بر اساس محتوای بارز شناخته شوند در حالی که دیگر آن‌ها عموماً بر اساس محتوای بالقوه متن برای شناخت دشوارتر می‌باشند. طبقات این‌طور به نظر می‌رسیدند که متقابلاً اختصاصی و جامع باشند (در واقع متمایز از یکدیگر باشند). تکرار مجدد روند کدگذاری منجر به طرح کدگذاری به همراه هشت طبقه اصلی گردید.

او به طور قابل قبولی میزان اعتبار بازسازی و ترمیم واقعیات اجتماعی محقق را ارزیابی کرد. اسکامبر، در این مطالعه به دقت تمامی روش‌های جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها را طراحی و کنترل کرد تا از صحت نتایج آن محقق اطمینان حاصل کند.

ابتدا وی از تکنیک مصاحبه زمان‌بندی شده گزارشات پاسخ‌گویان را نه در مکانی تجربی و مصنوعی بلکه در محیط کار واقعی‌شان جویا شد.

دوم، تجزیه و تحلیل محتوای استقرایی غیراضافی را به کاربرد تا موضوعات شکل گرفته از رونوشت‌های مصاحبه را شناسایی کند. معیارها در رونوشت‌های پاسخ‌گویان در مصاحبه‌ها به زبان خودشان تعریف شده بودند. به علاوه جلساتی از پرسش و پاسخ رو به رو در روند توسعه کدگذاری انجام گردید تا از طریق کاهش جانبداری و جبهه‌گیری محقق واحد، از صحت اعتبار تحقیق اطمینان حاصل شود. آن‌گونه که اسکامبر، گزارش می‌دهد: گروهی از مردم، تقریباً هفت نفره که اکثراً دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل و محققین بودند تقریباً بیش از یک ترم هر هفته یکدیگر را ملاقات کرده و در رابطه با طبقات معیارهای ممکن براساس رونوشت‌هایی از چهار پاسخگو به بحث می‌پرداختند. صحت یافته‌های محقق اغلب با این حقیقت که اکثر معیارها توسط بیش از یک پاسخگو در بیش از یک سناریو ذکر شده، بررسی شده بودند. اسکامبر، صراحت انتقال‌پذیری نتایج تحقیق را ادعا نمی‌کند بلکه وی می‌گوید انتقال‌پذیری مطالعه توسط اسناد جامع پردازش شده در کتاب آیین‌نامه «کتاب کد» ممکن می‌باشد. اولین بخش این کتاب، روش‌هایی را برای کنترل انواع داده‌ها توضیح می‌دهد (شامل روش‌های کمی). در قسمت دوم آن غالب‌های کدگذاری شده لیست شده است؛ که شامل: تشخیص اعداد، اسامی طبقه‌بندی شده، تعاریف طبقه، قوانین

کدگذاری و مثال‌ها می‌باشد. این اسناد جامع کنترل داده‌ها و طرح کدگذاری، کار محققان آتی را برای قضاوت در مورد حد انتقال‌پذیری معیارها را برای دیگر افراد کاربر و یا دیگر بافت‌های مکانی آسان‌تر می‌کند. قابلیت انتقال‌پذیری معیارهای شناسایی شده اغلب با این حقیقت ثابت کرده بود که معیارهای شناسایی شده در این مطالعه اغلب به طور گسترده‌ای در آثار تحقیق قبل بایگانی شده بودند.

ابهام ذاتی معنای کلمات، تعاریف طبقه و روش‌های کدگذاری انسجام و ثبات تمارین کدگذاری را به خطر می‌اندازد. از این‌رو بر اعتبار یافته‌های تحقیق تأثیر منفی برجای می‌نهد. حال به اطمینان حاصل کردن از روشن بودن تفاوت‌های بین طبقات نزد کدگذارانده‌ها، کتاب آیین‌نامه آن‌ها را تعریف کرده است. برای آن‌که از ثبات و انسجام کدگذاری مطمئن شوید، هر کدگذار باید صورت یکسانی از قالب را برای کدگذاری داده‌های خام مصاحبه به کار برد. آموزش و مهارت کدگذارها برای یک کدگذاری معتبر از اهمیت بالایی برخوردار است. در این مطالعه کدگذارانده‌ها، دانشجویانی فارغ‌التحصیل بودند که در تجدیدنظر، طرح یا قالب کدگذاری دخالت داشته‌اند و بنابراین آن‌ها در به کارگیری طرح با تجربه بودند. آخرین طرح کدگذاری به منظور اعتبار کدگذار با اولین کدگذارانده براساس تطابق حال ساده آزمایش شد: شمار تطابق‌ها بین دو کدگذار مستقل به وسیله تعداد تطابق‌های ممکن تقسیم گردید. همان‌گونه که لینکلن و گوبا، در سال ۱۹۸۵ پیشنهاد داده‌اند قالب تأیید در وهله اول از طریق بازرسی قابلیت‌های تأیید منتشر گردیده است و اسکامبر، هیچ‌گونه نقشی در پیش بردن آن ندارد. اگرچه تداخل چشم‌گیر معیارهای شناخته شده در این مطالعه با آن دسته از دیگر معیارهای شناخته شده در مطالعات دیگر نشان می‌دهد که یافته‌های یک تحقیق، یافته‌های دیگر محققان را تثبیت می‌کند در این اثنا، اسناد جامع کنترل داده‌ها، اغلب معانی‌ای را برای بررسی قابلیت تأیید فراهم می‌کند. هنگامی که قابلیت اطمینان نتایج تحقیق گزارش داده می‌شود اسکامبر به ازای واژه‌هایی نظیر «قابلیت قبول»، «انتقال‌پذیری»، «قابل اطمینان بودن» و «قابلیت تأیید» از اصطلاحاتی نظیر «اعتبار درونی»، «اعتبار بیرونی»، «اعتبار» و قابلیت تصمیم بخشی را که عموماً با مطالعات اثبات‌گرایانه هماهنگی دارد، استفاده می‌کند. شایسته است که به عدم وجود تطابق جهانی در واژگان به کاربرده شده هنگام ارزیابی کیفیت یک تحقیق کیفی اشاره کنیم اگرچه ما چهار معیار از طرف لینکلن و گوبا، پیشنهاد می‌کنیم تا در ارزیابی میزان اعتبار کار تحقیق در یک الگوی تفسیری به کار برده شود.

نوعی کار توصیفی، مانند فراوانی وقوع معیارها در مطالعه گزارش شده بود اگرچه هدف مطالعه، توصیف دامنه معیارهای به کار برده شده بود تا این‌که درجه اطلاعات آب و هوا در حرفه‌های خاص اندازه‌گیری شود. بنابراین اصل یافته‌ها، لیستی از معیارها به همراه تعاریف، واژه‌های کلیدی و مثال‌ها بوده‌اند. نقل قول‌های منتخب رونوشته‌های مصاحبه برای توصیف‌های آتی معیارهای شناخته شده به کار برده شده بودند و به همان اندازه که متون مکانی به تصویر کشیده است، معیارها نیز به کار رفته بودند. (<http://anthropology.ir>)

فهرست منابع:

- سیلورمن، دیوید. تحلیل متن و گفتگو، ترجمه: محمد رسولی، (<http://anthropology.ir>)
- ظهور، علی‌رضا؛ کریمی مونی، حسین. (۱۳۸۲). تحلیل اطلاعات در مطالعات کیفی؛ مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دوره ۱۰، شماره ۳، پیاپی ۱۷، صص ۱۴-۱۰. (<http://fa.journals.sid.ir>)
- برگردان قسمتی از فصل اول کتاب: (The Nature of Qualitative Inquiry)، (<http://majdnia.blogfa.com>)
- ایمان، محمدتقی؛ نوشادی. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی، دانشگاه شیراز، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صفحه ۱۵ - ۴۴. (<http://pajohesh.nashriyat.ir>)
- تحقیق کیفی: نظریه مبنایی - نرم افزار اطلس. تی. آی. Atlas.ti- (<http://vvnia.blogfa.com>)
- عطاران، محمد؛ عبدلی، مصطفی. (۱۳۹۱). فرهنگ یادگیری مدرسه عشایر کوچرو: روایت‌های یک معلم، فصل‌نامه مطالعات برنامه‌درسی ایران، سال هفتم، شماره ۲۵، تابستان، صص ۴۴-۴۵.

فرهنگ یادگیری مدرسه عشایر کوچ رو: روایت‌های یک معلم

Learning Culture of Nomadic School: Narratives of a Teacher

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۲/۲۳، تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۶/۱۵

M.Attaran (Ph.D)

محمد عطاران^۱

M.Abdoli

مصطفی عبدلی^۲

Abstract: In this study using the narratives of the teacher of a nomadic tribe during his first year of teaching we tried to understand the learning culture of itinerant nomadic schools. This study is a narrative inquiry-based research, one that belongs to qualitative and interpretative paradigms. The teacher's diaries revolved around a series of interrelated subjects dealing with his educational setting. The focal point is the students' learning experiences, with other concepts serving as conceptual peripheries. The data analysis shows that students' learning and corporal punishment are the main concerns of the nomadic teacher. This study shows that several features of nomads' lifestyle cause disruption in the teacher instruction, which leads to corporal punishment.

Keywords: Nomadic education; nomads' lifestyle; corporal punishment; students learning

چکیده: در این تحقیق با استفاده از روایت‌های یک معلم در اولین سال خدمتش در مدرسه عشایری، فرهنگ یادگیری این مدرسه بررسی شده است. این تحقیق، تحقیقی روایی است که به انگاره تحقیقات کیفی و تفسیرگرانه تعلق دارد. منبع داده‌های این تحقیق، خاطرات اولین سال آموزگاری معلمی در مدرسه عشایر کوچ رو است که به صورت روزانه در تمام سال تحصیلی نوشته شده است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که یادگیری دانش‌آموزان و تنبیه بدنی، دغدغه اصلی معلم عشایری است. در تفسیر این موضوع، پاره‌ای از ویژگی‌های سبک زندگی عشایر و برنامه‌درسی مدرسه که دارای ناهمخوانی هستند و در آموزش معلم عشایر ایجاد اختلال می‌کند بحث و بررسی شده است.

کلید واژه‌ها: آموزش و پرورش عشایری، سبک زندگی عشایر، تنبیه بدنی، یادگیری دانش‌آموزان

۱. دانشیار دانشگاه خوارزمی

۲. کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه خوارزمی

مقدمه

بیش از دو دهه است که محققان تعلیم و تربیت هشدار می‌دهند تحول در آموزش و پرورش و اصلاح برنامه‌درسی بدون توجه به مقوله فرهنگ ممکن نیست. نخستین بار برونر^۱ (۱۹۹۷) در کتاب «فرهنگ آموزش^۲» به صورت نظام‌دار این مسئله را مطرح کرد. بر اساس نظر او و نیز متخصصان برنامه‌درسی مانند جوزف، براومن، ویندشیتل، مایکل و گرین^۳ (۲۰۱۱) طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌درسی به شرطی ممکن است که به بستر فرهنگی اجرای برنامه‌درسی توجه شود. بر این اساس هدف مقاله حاضر بررسی فرهنگ یادگیری نوعی خاص از مدارس موجود در ایران یعنی مدرسه عشایری است، با این فرض که تحول در تعلیم و تربیت مستلزم ملاحظه فرهنگ یادگیری است.

در طول ۶۰۰۰ سال گذشته سرزمین ایران شاهد هر سه نوع شیوه زندگی شهرنشینی، روستائینی و کوچ‌نشینی بوده است (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۳). گذشت زمان باعث تغییر و تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیار بر نحوه زندگی افراد در دو شیوه زندگی روستائینی و شهرنشینی گشته است اما جامعه عشایری طبق بعضی دیدگاه‌ها به دلیل شرایط جغرافیایی و زندگی عشایر کمتر دچار دگرگونی و تغییر شده به نحوی که حتی باعث گردیده است عشایر نتوانند از دست آوردهای فرهنگی حاضر تمدن بشری به نحو مؤثری استفاده کنند (اکبری و میزبان، ۱۳۸۳).

یکی از این مظاهر تمدن جدید، سواد عمومی است. سوادآموزی در گذشته در میان عشایر همانند دیگر طبقات محروم چندان رایج نبود. البته این حضور کم‌رنگ سوادآموزی در بین عشایر دارای ویژگی‌های مختص به خود بود. بدین صورت که مردم هر ایل برای اینکه بتوانند فرزندان خود را باسواد کنند با فرد باسوادی از تیره خود یا سایر تیره‌ها که سواد داشت قرارداد می‌بستند تا در ازای اجرتی که به او می‌دادند فرزندانشان را باسواد کند. اجرت وی که عموماً در ازاء هر دانش‌آموز پرداخت می‌شد، مقداری پول یا گندم و امثال این‌ها بود. به این فرد باسواد ملا و به واحد آموزشی که در آن امر تعلیم و تربیت دانش‌آموزان انجام می‌شد مکتب گفته می‌شد.

-
1. Bruner
 2. Culture of education
 3. Joseph, Bravmann, Windschitl, Mikel, and Green

فرهنگ یادگیری مدرسه عشایر کوچ‌رو: روایت‌های یک معلم

فضای آموزشی مکتب همان چادر سیاه ملا بود که محل زندگی خانواده ملا هم بود (سهرابی، ۱۳۷۳).

اما از ابتدای قرن اخیر افرادی جهت برپایی مدارس به شکلی جدیدتر آن اقدام کردند. بدین صورت که از معلمانی که عموماً از مناطق شهری آورده می‌شدند استفاده کردند. به نوعی که می‌توان گفت آنان در پایه‌گذاری آموزش و پرورش در شکل جدیدش جزء مبتکران اصلی می‌باشند. بهمن‌بیگی در کتاب «به اجاقت قسم» (۱۳۸۶) می‌نویسد:

"من مبتکر ایجاد مدارس سیار عشایری نبودم. فکر ایجاد مدارس عشایری فکر جدیدی نبود. دیگران پیش از من پا در این راه گذاشته بودند. از بین تعدادی از افرادی که به این مهم دست زدند می‌توان به اقدام ایلخانی قشقایی اشاره کرد. او در زمان شوکت ایل برای تعلیم و تربیت فرزندان ایل خویش دو معلم کارآمد را از شهر به ایل آورده بود، در کنار چادر خود دو چادر رنگین و بزرگ برای معلمان برپا کرده بودند و به خان‌زادگان در این چادرها فارسی، عربی و انگلیسی آموزش می‌دادند."

آموزش و پرورش عشایری با سپری کردن تحولات متفاوتی از سال ۱۳۰۲ تا کنون روند رو به رشدی هم از نظر جذب تعداد دانش‌آموزان در مراکز آموزشی و هم از نظر تنوع فعالیت‌های آن داشته است؛ به حدی که در سال ۱۳۵۶ به پاس خدماتی که این نهاد در عرصه مبارزه با بی‌سوادی نموده است مفتخر به دریافت جایزه سوادآموزی سازمان جهانی یونسکو گردید (بهمن‌بیگی، ۱۳۸۶). هم‌اکنون سازمان آموزش و پرورش عشایری عهده‌دار وظیفه تعلیم و تربیت بیش از ۱۶۸۰۰۰ دانش‌آموز در سرتاسر کشور است (عباسی، ۱۳۸۸).

در این مقاله با استفاده از خاطرات یک معلم عشایر کوچ‌رو در اولین سال تدریسش سعی خواهیم کرد فرهنگ یادگیری مدارس عشایری را بررسی کنیم. شایان ذکر است که براساس تعریف مرکز آمار ایران، عشایر کوچ‌رو به مردمی گفته می‌شود که حداقل سه ویژگی زیر را داشته باشد: ۱- ساخت قبیله‌ای ۲- اتکای معاش به دامداری ۳- شیوه زندگی شبانی (گودرزی، ۱۳۸۴). به بیان دیگر عشایر کوچ‌رو به مردمی گفته می‌شود که بنا به شرایط معیشتی خود در طول سال دو سفر ییلاق - قشلاق انجام می‌دهند و روابط بین آن‌ها بر اساس پیوندهای خونی - خانوادگی شکل می‌گیرد.

مدرسه‌ای که معلم عشایر کوچ‌رو در آن درس می‌دهد کلاس‌هایش چندپایه است و ۱۱ دانش‌آموز متعلق به ۸ خانواده، شاگردان مدرسه‌اند. این مدرسه در منطقه پشتکوه در استان لرستان قرار گرفته است.

روش تحقیق

رویکرد این تحقیق، کیفی است. در تحقیقات کیفی از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود. روش استفاده شده در این تحقیق، تحلیل روایی است. ابزار پژوهش در این نوع تحقیق می‌تواند شامل داستان، شرح حال، خاطره، یادداشت‌ها، نامه‌ها، گفتگو، مصاحبه، داستان‌های خانوادگی، عکس‌ها و تجارب زندگی باشد (ویستر و مرتوا ۲۰۰۷ و لیچمن ۲۰۰۶). روایت، دروازه ورود فرد به جهان است و تجربه‌های افراد را در جهان تفسیر می‌کند و به آن معنی می‌بخشد. پژوهش روایی مطالعه تجربه در قالب روایت است و در درجه اول اندیشه ما درباره جهان را نشان می‌دهد. استفاده از پژوهش روایی انتخاب دیدگاه خاصی درباره تجربه همچون پدیده‌ای قابل مطالعه است. کلندینین و کانلی بر اساس نظریه دیویی درباره تجربه پژوهش روایی را این گونه تعریف می‌کنند: روش فهم تجربه، متضمن همکاری بین محقق و مشارکت کنندگان در تحقیق است. این مشارکت در طی زمان و در یک مکان یا مکان‌های مختلف و در تعامل اجتماعی با محیط صورت می‌گیرد. محقق در محیط تجربه و میان آن وارد می‌شود و با همان روحیه جلو می‌رود و مانند راوی زندگی مجدد می‌کند و قصه او را بازگویی می‌کند. حکایت تجربه‌هایی که زندگی مردم را به لحاظ فردی و اجتماعی می‌سازد (کلندینین و کانلی^۱، ۲۰۰۰).

نخستین بار کانلی و کلندینین به تجارب زیسته معلمان در محیط آموزشی با عنوان پژوهش روایی توجه کردند (کلندینین، پوشور و اور ۲۰۰۷ و ویستر و مرتوا ۲۰۰۷). کانلی و کلندینین همچنین تأکید دارند که معلمان در روایت‌هایی که از تجارب خود نقل می‌کنند در واقع عقاید خود را درباره نظریه، عملکرد و برنامه‌درسی بیان می‌کنند. در هنگام بیان تجارب فعالیت‌های آموزشی، امور مهم را از نظر خودشان بیان می‌کنند.

شرف (۲۰۰۷) یکی از راه‌های تغییر نقش معلمان و عمل آنها را قصه‌های ایشان می‌داند و معتقد است که کاربرد داستان در پژوهش مرتبط با معلمان، روشی است که در سال‌های اخیر

1. Clandinin & Connelly
2. Clandinin, Pushor & Orr

فرهنگ یادگیری مدرسه عشایر کوچ‌رو: روایت‌های یک معلم

مورد استقبال و استفاده قرار گرفته است. وی به نقل از لیونس و لابسکی، داستان‌ها و روایت‌ها را همچون فعالیت‌های فکورانه، التفاتی، اجتماعی و موقعیت مدارم‌معلمان در ارتباط با همکاران خود و دانش‌آموزان می‌داند، فعالیت‌هایی که محققان از طریق آن معنی و تفسیر برخی جنبه‌های کار معلمی را با تولید روایت‌هایی که منجر به فهم کار آنها می‌شود بازیابی می‌کنند. وی همچنین معتقد است که با روایت‌هایی که از طریق کتاب یا وبلاگ منتشر می‌شود و خواندن و بازخوانی آنها، معلمان فرصت تأمل و بازاندیشی می‌یابند بخصوص که در فضای جهانی بسیار کسان در این قصه‌ها با ایشان شریک می‌شوند و تجربه‌های دیگران نیز به آن افزوده می‌شود (همان).

سا^۱ (۲۰۰۲) محقق پرتغالی، معتقد است خاطره نویسی چند فایده دارد:

- فرد از عمل خودش فاصله می‌گیرد و نسبت به آن آگاهی می‌یابد.
- عمل خود را موضوع تحلیل و تأمل قرار می‌دهد.
- الگوها و قواعد آن را مشخص می‌کند.

به نظر سا، دلیل اصلی که خاطره‌نویسی را مدلل می‌کند کاربرد نظریه فراشناخت در تعامل میان اندیشه و نوشتن است. زبان مکتوب فقط ابزار بازنمایی اندیشه نیست بلکه عامل رشد تفکر است مانند مهارت‌های فکری درباره موضوع مشخص و مهارت‌های کشف نامعلوم. خاطره-نویس به رشد مهارت اندیشه درباره واقعیت‌های توصیف شده کمک می‌کند. خاطره‌ها قابلیت-های فراوانی برای تحلیل و فهم فرایند اجتماعی کلاس درس فراهم می‌کنند. با وجود این که ضبط ویدئویی واقعیت را خوب بیان می‌کند، خاطره نویسی این حسن را دارد که ورود بی-واسطه و تجربی در واقعیت‌های مرتبط را فراهم می‌کند. علاوه بر آن خاطره نویسی پس از درس، مستلزم آن است که معلم پژوهشگر نگرش فعالی را در خلال درس به حسب مشاهده و مداخله داشته باشد، تا معانی و نشانه‌های مهم را بیابد. این استلزام فرایند تدریس و یادگیری را هم بهبود می‌بخشد. در خاطره نویسی، مقوله‌ها از قبل تعیین نمی‌شوند، مشاهدات ثبت شده نتیجه انتخاب مشاهده‌گر است و نمونه‌ای از فرایند آموزش و یادگیری را ارائه می‌کنند. خاطره‌ها به زبان روزمره نوشته می‌شوند. هدف آن هم توصیف تفصیلی پدیده مورد مشاهده است.

1. Sá

روایت، معنا سازی از طریق شکل دهی یا نظم بخشی به تجربه است (چیس^۱ ۲۰۱۱ ص ۴۰). پل کینگ هون^۲ (۲۰۰۷ در چیس ۲۰۱۱)، معتقد است که تحقیق روایی درباره فهم مردم از موقعیت، دیگران و خودشان بحث می کند. به نظر راشتون (۲۰۰۴) روایت شکلی از داستان است که در موقعیت های تربیتی به عنوان ابزار تحقیق می توان از آن استفاده کرد.

رویکرد روایی در تحقیق چهار وجه مشترک با انواع دیگر تحقیقات کیفی دارد که عبارتند از: تأکید بر موقعیت طبیعی، علاقه به مفهوم و درک، تحلیل استقرایی، بسط نظریه (بارلت، برتون و پییم^۳، ۲۰۰۲). البته به خلاف آنها که از مصاحبه ها یا محیط میدانی، در کار خود گزیده هایی را منتشر می کنند، محققان روایی، اغلب روایت های طولانی تری از حکایت افراد را می آورند (چیس، ۲۰۱۱).

در تحقیق روایی حاضر روایت یک معلم عشایر کوچرو از یک سال تدریس مورد پژوهش قرار گرفته است. این معلم اولین سال روایت خود از تدریسش را در ۲۰۰ صفحه روایت کرده است. داستان او مانند داستان های همه معلمان اشاره به تجربیاتی دارد که در آموزش و معلمی کسب می شود. در این تحقیق، ابتدا متن به صورت کامل خوانده شده است و در حین خواندن، مفاهیم اصلی کدگذاری شده اند. سپس کدها به حسب دلالت معنایی که داشته اند در مقوله های مختلف با توجه به اشتراک معنا قرار داده شده اند. آن گاه با توجه به قرابت مقوله ها تم های اصلی انتخاب شده اند. پس از آن تم های بنیادین تحقیق برگزیده شده اند و در مرحله آخر پس از مرور تم ها چارچوب نظری برای تفسیر آنها ارائه شده است.

نتایج تحقیق

یادگیری و تنبیه بدنی (دغدغه های اصلی معلم عشایری)

خاطرات معلم عشایر حول چند موضوع مرتبط به یکدیگر که با موقعیت آموزشی او مرتبط است، چرخ می خورد. کانون اصلی این خاطرات، تجربه های یادگیری دانش آموزان است و مفاهیم دیگر بر گرد آن قرار می گیرند. از همان آغاز معلم در تلاش است که به گونه ای به بچه های عشایر درس دهد که دانش آموزانش بهترین یادگیری را داشته باشند ولی دانش آموزان به یادگیری میل چندانی نشان نمی دهند و کلاس او را دچار اختلال می کنند. او روش های مختلف

1. Chase

2. Polkinghorne

3. Bartlett, Burton, & Peim, 2002

فرهنگ یادگیری مدرسه عشایر کوچ‌رو: روایت‌های یک معلم

آموزشی را برای کنترل کلاس به کار می‌برد ولی فایده‌ای ندارد. نصیحت، تنبیه، صحبت با والدین، دادن تکلیف اضافی، کم کردن ساعت زنگ تفریح و امثال این‌ها که هیچ‌یک مؤثر واقع نمی‌شوند. برخی عوامل دیگر هم موجب می‌شود معلم تشویق به استفاده از تنبیه بدنی به عنوان روشی آموزشی شود. انتظارات والدین، اعتقادات بچه‌ها درباره تنبیه بدنی و توصیه‌های مسئولین مجتمع آموزشی از جمله این عواملند. والدین انتظارشان این است که معلم به عنوان ابزار تربیتی از تنبیه در آموزش بچه‌ها استفاده کند. معلم می‌گوید: «البته در طول این مدت همه خانواده‌ها به من می‌گویند اگر دانش‌آموزان را کتک نزنی اصلاً گوش نمی‌کن». این در حالی است که معلم به خانواده‌ها می‌گوید تنبیه بدنی کار درستی نیست، ولی آن‌ها می‌گویند: «این بچه‌ها با رفتار آرام درست بشو نیستند».

بچه‌ها هم معتقدند که آنها با کتک درس می‌خوانند. معصومه یکی از شاگردان معلم به او می‌گوید: «بچه‌های این جا فقط با کتک درس می‌شوند». این تلقی چنان در فرهنگ عشایر جاافتاده است که وقتی معلم از بچه‌ها در زنگ انشا می‌خواهد در مورد شغل آینده‌شان بنویسند، برخی چنین می‌نویسند:

"می‌خواهند معلم شوند". معصومه گفته بود "می‌خواهم معلم شوم و خوب درس بدهم و اگر بچه‌ها دست و صورتشان کثیف باشد آن‌ها را کتک بزنم!" و حامد نوشته بود: "می‌خواهم معلم شوم به آن‌ها خوب درس بدهم اما تغذیه آن‌ها را خودم بخورم (تغذیه جیره‌ای خوراکی که آموزش و پرورش برای دانش‌آموزان روستاها و مناطق عشایری در نظر گرفته است)، اگر شلوغ کنند آن‌ها را خوب کتک بزنم".

آثار تنبیه از نظر والدین و کودکان در بچه‌ها، تربیت خوب، درس خواندن، بازیگوشی نکردن و امثال اینهاست. معلم عشایر معتقد است فرار از مدرسه، به مدرسه نیامدن تا چند روز، گریز از جلوی معلم به هنگام مشاهده او در میان عشایر از آثار تنبیه است. پژوهش‌ها نیز مؤید این امر هستند. نتایج تحقیق بلداجی (۱۳۸۳ به نقل از الهام ۱۳۸۷) با عنوان «عوامل فرهنگی-اجتماعی و آموزشی مؤثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان مدارس راهنمایی عشایر لردگان و اردل» نشان می‌دهد عواملی مانند عدم مشارکت والدین در آموزش فرزندان خود، نبود الگوی موفق از افراد تحصیل کرده، تنبیه بدنی و دوری مدرسه، حضور نامرتب معلمان و کوچ فصلی خانواده‌ها از عوامل ترک تحصیل دانش‌آموزان مدارس راهنمایی عشایر لردگان و اردل است.

معلم عشایر که در آغاز سعی بر آن داشت که از راه استدلال و محبت بچه‌ها را به درس خواندن ترغیب کند عاقبت بر اثر فشار والدین (تلقی از تنبیه به عنوان ابزار اصلاح کودکانشان و القاء بی‌کفایتی به معلم بر اثر عدم استفاده از تنبیه)، تلقی کودکان از معلم مقتدر، فشار مسئولین مجتمع آموزشی برای ارتقاء یادگیری دانش‌آموزان (این طوری می‌ترسند و بهتر درس می‌خوانند، این‌ها اگر نترسند درس نمی‌خوانند) و کنترل بهتر دانش‌آموزان تسلیم وضع موجود می‌شود و به خلاف روزهای اول تدریس خود به این نتیجه می‌رسد:

"نمی‌شود زیاد به دانش‌آموز بها داد و به روی او خندید... الآن در حال رسیدن به این نتیجه‌ام که به جز معصومه و احمد و کلاس اولی‌ها بقیه تا کنک نباشد - البته به صورت فاصله‌ای - از لحاظ رفتاری کنترل کردنشان با حرف خوش سخت است".

در بخش بعدی این مقاله، تفسیر خود از وضعیت پارادوکسیکال معلم را بیان می‌کنیم.

سبک زندگی عشایر و وضعیت معلم عشایری

ریشه‌های وضعیت معلم عشایر که او را علیرغم میل باطنی‌اش مجبور به کاربرد تنبیه بدنی دانش‌آموزانش می‌کند، با توجه به سبک زندگی عشایر و آثار آن بر زندگی‌شان، بهتر درک می‌شود. اریک فریدل^۱ در کتاب کودکان دهکوه (۱۹۹۷ به نقل از فاضلی ۱۳۹۰) درباره ساختار روابط عشایر می‌گوید که بچه‌ها دارایی بزرگ‌ترهایشان محسوب می‌شوند و قواعد و الگوهای سخت ساختار اقتدارگرایانه خانواده بر آنها حاکم است. در این ساختار، خدا در رأس، سپس پدر و بعد طبیعت قرار دارد. اصول سخت تربیتی از بالا به پایین اعمال می‌شود و پدر می‌تواند در صورت لزوم از قدرت و زور استفاده کند اما اطاعت از پایین به بالاست. کودکان باید از اصول و فرامین پدر اطاعت کنند. نظم سلسله مراتبی ساختار اقتدارگرایانه دهکوه مبتنی بر معیارهای سن و جنس است. زنان، پایین مرتبه‌تر از مردان بالای ده سالند و بچه‌ها و دختران پایین‌ترین مرتبه‌اند. مردان در راس خانواده به مثابه حاکمان مطلق هستند. روابط اجتماعی اقتدارگرایانه با تمام اصول اخلاقی و عقلائیتهای آن در دهکوه و ایران به طور کلی فشارها و سخت‌گیری‌های سنگینی بر دوش کودکان تحمیل می‌کند.

اصولا فرهنگ گفت و گو و اقناع در میان عشایر چندان رواج ندارد و دامنه این رفتار در مدرسه هم تأثیر خود را گذاشته است. معلم عشایر می‌گوید: «یکی از چیزهایی که در این مدت

1. Eric Friedel

فرهنگ یادگیری مدرسه عشایر کوچ‌رو: روایت‌های یک معلم

درباره‌ی شرکت در بحث در میان عشایر فهمیدم و یاد گرفتم اینکه آن‌ها نه اهل زیاد توضیح دادن هستند و نه صبر و حوصله یا دقت زیاد برای پی‌گیری مطالب طولانی را دارند."

برنشتاین (۱۹۸۶) معتقد است ساخت گفتار طبقات محروم ساده و گستره واژگانی آن به لحاظ تعداد محدود است (به نقل از جهانگیری، افخمی و کوچک زاده، ۱۳۸۶). به علاوه زبانی که طبقات محروم در ارتباط با کودکانشان به کار می‌گیرند، زبانی تحکمی و غیراقتناعی است. نمونه‌ای از بازنمایی این ایده را می‌توان در فیلم ایرانی «جدایی نادر از سیمین» با مقایسه زبان والدینی که در این فیلم نقش اصلی را ایفا می‌کنند ملاحظه کرد.

جایگاه معلم در میان عشایر

در مدارس عشایر هنگامی که عشایر به قشلاق می‌روند امکانات تهیه غذا توسط معلم وجود ندارد بخصوص آنکه معلم دو نوبت درس می‌دهد. علاوه بر آن به حسب سنت و رسم، غذای معلمان را خانواده دانش‌آموزان تهیه می‌کنند. اگر معلم جهت خوردن غذا به خانه عشایر نرود، آنها آزرده خاطر می‌شوند. این مسأله، ریشه در همان سخاوت و مهمان‌نوازی عشایر دارد، به نحوی که بهمن بیگی در اثر خود «به اجاق قسم» (۱۳۸۸) در مورد اعتراض داشتن خانواده دانش‌آموزانی که معلمی به خانه آنها جهت خوردن غذا نرفته بود، اشاره می‌کند. این روحیه در برخورد با اعضای دیگر عشیره نیز وجود دارد. معلم می‌گوید:

" بین خانواده‌هایی که نزدیک هم هستند مرسوم است که هر کدام که غذایی درست کند اگر متفاوت با غذای دیگران باشد در حد یک کاسه‌ی بزرگ را برای خانواده دیگر می‌فرستد و یا اینکه اگر خانواده‌های دیگر بخواهند خودشان بچه‌ای می‌فرستند تا یک کاسه از آن را بیاورد."

لذا اغلب معلمان عشایر که موطن اصلی‌شان شهر است به خلاف معلمان شهری، احساس خوبی از معلمی دارند. معلم عشایر پشتکوه می‌گوید: "تداوم این برخوردها در هر روز این مدت که با آنها بودم مرا به این نتیجه می‌رساند که هنوز به قرب و عزتی که معلمان در گذشته داشته‌اند و از آن یاد می‌کنند در اینجا هیچ خللی وارد نیامده است و معلم اینجا نقش ارزش و منزلت واقعی خود را دارد". چرا که مانند عضوی از اعضای خانواده با او برخورد می‌شود. او می‌گوید: "به من می‌گفتند اینجا را خانه خودت بدان و ما را مثل خانواده‌ات". این مسئله به

گونه‌ای است که اگر راننده‌ای متوجه شود مسافرش معلم است از او کرایه راه هم نمی‌گیرد و برای ارج گذاشتن به معلم او را در صندلی جلو می‌نشاند. معلم می‌گوید:

"در حین برگشتن چون مسیر برگشت از مجتمع به مدرسه مسیر چندان مناسبی برای رفت و آمد ماشین نمی‌باشد مقداری از مسیر را پیاده طی کردم تا خوشبختانه ماشینی از راه رسید و من را سوار کرد جالب است اشاره کنم هرگاه ماشینی در بین راه من را سوار می‌کند راننده بی‌درنگ می‌پرسد کی هستی؟ و کجا می‌روی؟ تا من می‌گویم معلمم؛ فوری جلوی ماشین برایم جای فراهم می‌کنند (حتی اگر مجبور شوند فرد دیگری را به عقب ماشین بفرستند مگر سن و سالش بالا باشد که خودم هم راضی به این کار نیستم) به هر حال رفتم جلوی ماشین نشستم".

"وقتی به محل زندگی یا خانه یکی از دانش‌آموزانم می‌روم یا برمی‌گردم، همین‌که در جواب سوال اهالی که می‌پرسند چه کاره هستی؟ می‌گویم معلم! رفتارشان با من صمیمی‌تر می‌شود و اغلب راننده‌ها که مرا در بین راه سوار می‌کنند حتی کرایه هم از من نمی‌گیرند و آدرسی را هم که می‌خواهم دقیقاً به من توضیح می‌دهند و گاهی نیز اصرار دارند که مهمانشان شوم".

حرمتی که معلم در بین عشایر دارد موجب می‌شود احساس مسئولیت معلمان عشایر نسبت به بچه‌ها افزایش یابد و گاه عاطفی هم برخورد کند.

"احساس می‌کنم که اگر در امر آموزش بچه‌ها کوتاهی کنم خیلی مدیون می‌شوم شاید دلیل اصلی آن این باشد که من هر روز در غذا خوردن مزاحم خانواده بچه‌ها هستم و هر بار که به خانه دانش‌آموزی که از لحاظ درسی مشکل دارد می‌روم، احساس شرمندگی به من دست می‌دهد که چرا من نتوانسته‌ام وضعیت درسی او را در حد عالی بالا ببرم. و حالا می‌فهمم چرا سرباز معلم سال گذشته به مسلم برادر حامد گفته بود به خاطر خانواده‌ها هم که شده به بچه‌های آن‌ها نمرات خیلی خوب می‌دهد هرچند که این کار او بیشتر شبیه کار دوست نادان بوده، چون با این کارش ضعف تحصیلی بچه‌ها را از خانواده‌ها و بچه‌ها پنهان کرده است؛ به عبارت دیگر بسیار عاطفی رفتار کرده است".

گاهی اوقات انتظار والدین از معلم عشایر از گستره مدرسه نیز فراتر می‌رود و نقش‌های دیگر نیز به معلم واگذار می‌شود. معلم عشایر می‌گوید:

"از آن جا که امروز عید قربان بود مادر بزرگ آرش یک قربانی داشت. با توجه به مفاتیح الجنانی که ساعت قبل راهنما برای من آورده بود (تا صیغه‌ی این قربانی را بخوانم) رفتم و

فرهنگ یادگیری مدرسه عشایر کوچ‌رو: روایت‌های یک معلم

صیغه قربانی را برای ذبح کردن خواندم؛ البته به صرف شام هم دعوت شدم. (قربانی یک بره بود).

لذا در میان عشایر، معلم دارای اقتدار فراوانی است و مرجعیت و تأثیرگذاری او بسیار زیاد است. در نتیجه از او انتظار می‌رود که از اقتدار خود برای تربیت دانش‌آموزان و تنبیه‌بدنی آنها به هنگام ضرورت استفاده کند.

سبک زندگی عشایر و کار آنها

مندرشید^۱ (۲۰۰۱) معتقد است که نوع کار عشایر کوچ‌رو با سایر عشایر متفاوت است. به نظر او اعضای خانواده عشایر کوچ‌رو، وظایف کاری برای تأمین معاش بین اعضای خانواده تقسیم می‌شود. بخش زیادی از وقت خانواده‌های عشایری صرف نگهداری و پرورش حیوانات آنها می‌شود. معلم عشایر می‌گوید:

"زندگی عشایری سخت است چرا که از صبح بلند می‌شوند تا موقع خواب مدام در تکاپو و تلاش هستند بیچاره مردها شب هم باید مدام گوش به صدای سگ‌ها باشند مبادا دزد یا گرگ به گوسفندان حمله کند. البته در این جا زن‌ها پا به پای مردها و گاهی حتی بیشتر از مردها کار می‌کنند وظایف زن‌ها در اینجا علاوه بر کارهای خانه، رسیدگی به بچه‌ها و آب آوردن از سرچشمه که بیش یک کیلومتر و حتی شاید دو کیلومتر تا خانه‌ها فاصله دارد. در کارهای مربوط به گوسفندان مانند کاه و جو دادن به آنها وارد پرچ کردن گوسفندان، جدا کردن بره‌ها و دوشیدن گاو و گوسفندان و همچنین البته زمانی که مردها دنبال کاری می‌روند به بیرون از روستا، زن‌ها باید گوسفندان را برای چرا ببرند".

بچه‌ها هم در این کار کمک کار خانواده هستند. این کار موجب آن می‌شود که بچه‌ها فرصت کافی برای درس خواندن را پیدا نکنند. مطالعه توریمیرو، دیونکو آدتای و اکوری^۲ (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که در عشایر نیجریه بچه‌ها از سن ۴ سالگی تا ۱۴ سالگی در کار پرورش حیوانات عشیره کمک می‌کنند و هرچه سن آنها بالاتر می‌رود علاقه آنها به این کار بیشتر می‌شود. توریمیرو و همکاران (۲۰۰۳) این مسأله را یکی از علل عدم توجه بچه‌های عشایر به درس خواندن می‌داند. معلم عشایر تحقیق ما هم می‌گوید:

1. Manderscheid

2. Torimiro, Dionco-Adetayo & Okorie

"مثل اواخر سال تحصیلی که به روستایشان می‌رفتم اول مسیر جاده آسفالتی و بعد جاده خاکی را طی کردم و بعد به روستایشان رسیدم با رسیدن به روستا متوجه شدم که اینجا هم مثل روستای امین چادر سیاه‌ها را بر پا نکرده‌اند با ورود به روستا، معصومه و احمد را دیدم که در یک مزرعه کنار گاوهایی در حال چرا، ایستاده بودند معصومه کتاب بنویسیم را دستش گرفته بود و مشغول درس خواندن بود ولی احمد در حال بازیگوشی و جست و خیز به این طرف و آن طرف بود. با وجود اینکه دست تکان دادم اما متوجه حضور من نشدند جلوتر رفتم گفتم شاید اشتباه کرده باشم ولی دیدم که نه خودشان هستند، صدایشان کردم و آن‌ها آمدند تا از آن‌ها امتحان بگیرم، معصومه گفت کسی باید کنار این‌ها (گاوها) بایستد، ولی هیچ کس بی کار نیست من مجبورم اینجا باشم، من هم گفتم اشکال ندارد! همین جا امتحان می‌گیرم به احمد گفتم برو و به حامد بگو تا بیاید امتحان بدهد و هم برای خودت و معصومه مداد و کتاب بیاور."

گل‌زاده و صفر نژاد (۱۳۷۸) در پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر زمان کوچ، اسکان و نوع فعالیت بر توسعه آموزش و پرورش عشایری استان اردبیل در نتایج تحقیق خود به این امر اشاره داشته است که فعالیت قالب دامداری و امرار معاش به صورت کوچ نشینی مانعی بزرگ بر سر راه تحصیل فرزندان عشایر است و همچنین در صورت گذر کردن آن‌ها از این مرحله با وجود افراد با استعداد تحصیلی در بین فرزندان عشایر آن‌ها در امر ادامه تحصیل یا زندگی در میان افراد ایل پیوسته ناگزیرند یکی را انتخاب نمایند و حتی اگر موفق به ادامه تحصیل شوند آن‌ها به دلیل عدم تناسب آموخته‌های خود با نیازهای ایلی باید بین ماندن در شهر و رفتن به میان ایل یکی را انتخاب کنند. در نتیجه سبک زندگی عشایر آسیب‌هایی به نحوه تحصیل فرزندان‌شان می‌زند. والدین عشایری، فرصت رسیدگی به فرزندان خود را ندارند و اکثر اوقات خود را برای تامین معاش می‌گذرانند لذا انتظار زیادی از معلم دارند. علاوه بر آن کودکان عشایر کوچک‌رو، زمان محدودی برای انجام تکالیف درسی دارند. در خلال روز باید به والدین خود در نگهداری حیوانات گله کمک کنند و بعد از غروب هم به دلیل فقدان تسهیلاتی مانند برق از عهده انجام تکالیف خود بر نمی‌آیند. توریمپرو و همکاران (۲۰۰۳) معتقدند روش عشایر در پرورش حیوانات، در آنها ویژگی‌های خاص فرهنگی مانند خشونت، پرخاشگری و مقاومت در برابر فرهنگ بیگانه به وجود آورده است.

معلم عشایر می‌گوید:

"حتی داستان دو معلم چند سال قبل را می‌گویند که گویا یکی از آن‌ها، دانش‌آموزان چندان به حرف او توجه نمی‌کردند و چون معلم اصلاً کتک نزده، کار به جایی رسیده که دانش‌آموزان معلم را به تمسخر می‌گرفته‌اند (به گونه‌ای که معصومه حتی در جلو رویش او را زرافه نامیده بود) و در مقابل از یک معلم دیگر یاد می‌کنند که حدود یک ماه اول دانش‌آموزان را بسیار کتک می‌زده است، بعد از یک مدت دانش‌آموزان حتی از اسسش هم می‌ترسیدند. البته نکته جالبش این است که والدین کار معلم دوم را بسیار ستایش می‌کنند."

مندرشید (۲۰۰۱)، ویژگی دیگر سبک زندگی عشایر کوچ‌رو را جابجایی محل اقامت آنها به حسب دسترسی به علف و نیازهای حیواناتشان می‌داند. کوچ‌هایی که حداقل دو بار در سال اتفاق می‌افتد. معلم عشایر می‌گوید به علت اینکه زمان سال تحصیلی مدرسه در مدارس عشایری به دلیل دو کوچ بهار و زمستانه که در طول سال تحصیلی انجام می‌دهند بسیار کوتاه می‌گردد. معلم مجبور می‌شود جهت اینکه بتواند خود را با امتحانات دانش‌آموزان که به صورت هماهنگ در کل کشور اجرا می‌شود هماهنگ کند سرعت ارائه مطالب را بالا ببرد و در نتیجه آن از یکسوی این سرعت در ارائه مطالب باعث می‌شود که دانش‌آموزان نتوانند آنچنان که باید و شاید خود را با روند کلاس هماهنگ کنند از سوی دیگر خانواده‌های دانش‌آموزان به دلایلی مانند بی‌سوادی کمکی در خور به دانش‌آموزان خود نمی‌کنند و حتی معلم را تحت فشار هم قرار می‌دهند تا به دانش‌آموز جهت رسیدن به حد مطلوب یادگیری تحت فشار قرار دهد. معلم نیز ناگزیر برای ترغیب دانش‌آموزان به درس خواندن دست به کتک می‌شود و نتیجه این امر بر طرز دید دانش‌آموزان این خواهد شد که دانش‌آموزان نسبت به مدرسه نظر منفی پیدا کنند.

ویژگی اصلی سبک زندگی عشایر کوچ‌رو همانطور که گفتیم، پرورش حیوانات به عنوان وسیله عمده تأمین معاش آنهاست (مندرشید ۲۰۰۱). کودکان در کار پرورش حیوانات درگیر می‌شوند و در وقت کوچ به دنبال حیوانات برای پیدا کردن علف می‌روند. این کار بین آنها و گله حیوانات رابطه‌ای عاطفی ایجاد می‌کند، علاوه بر آن، وقت آنها صرف نگهداری از حیوانات می‌شود. به نظر گودرزی (۱۳۸۴) عشایر کوچ‌رو بنا به مقتضیات معیشتی خود مجبورند در طول سال دو سفر ییلاقی - قشلاقی انجام دهند و در طول این سفر هر لحظه ممکن است که از

طرف افراد ایل‌های دیگر یا غارت گران مورد حمله قرار بگیرند. در این شرایط افراد ایل با اتحاد و هماهنگی علاوه بر کمک کردن به یکدیگر برای انجام بهتر کارهای مربوط به کوچ، امکان دفاع از افراد ایل در برابر دشمنان را نیز فراهم می‌کنند. البته باید توجه داشت قبیله‌گرایی علاوه بر این فواید زیان‌های را برای افراد ایل در بر دارد که از جمله آن‌ها می‌توان گفت گرایش به خود برتر بینی در فرهنگ خودی و القا آن در مناسبات‌های افراد است گاه باعث مشکلات فراوانی برای افراد می‌شود.

گودرزی (۱۳۸۴) در بیان علل رفتارهای دشمنانه و خصمانه عشایر شرق لرستان می‌نویسد. در فرهنگ قبیله‌ای وجوه تشابه و تمایز اقوام حتی نسب خانوادگی می‌تواند زمینه نزاع قرار گیرد، عشیره در طول ده‌ها پشت شکل گرفته است و نسب شناسی از علوم ضروری و اولیه هر فردی است. به گونه‌ای که پدر فرزندش را از اوان کودکی با نام اجدادش آشنا می‌کند و می‌کوشد سلسله‌وار به حافظه فرزند بسپارد، افتخار به اجداد و نوعی کینه از دشمنان و رقبای آنان و گاه قاتلان احتمالی در قالب داستان‌های ریش سفیدان به نسل جدید منتقل می‌شود. رابطه بین دانش‌آموزان عشایر هم‌کلاسی عموماً بر اساس رقابت‌های منفی و خود برتر بینی همراه با تعصبات قبیله‌ای خانوادگی شکل می‌گیرد و در این روابط هر کدام از آن‌ها سعی دارد به دیگران بقبولاند که از بقیه بهتر و حتی برتر می‌باشد. شایان ذکر است این ویژگی‌ها در اجتماعات کوچک و بسته که تماس افراد با دنیایی خارج بسیار کم می‌باشد، متعارف است (فاضلی، ۱۳۹۰).

این خصوصیت عشایر کوچ‌رو که از سبک زندگی آنها نشأت می‌گیرد، یکی از علل بی- انضباطی در کلاس است که احیاناً گله معلم عشایر را به همراه دارد. معلم عشایر می‌گوید که کودکان خصومت خود را نسبت به یکدیگر به صورت مختلف آشکار می‌کنند:

- در زنگ تفریح یا زنگ ورزش یا هر مناسبتی که دانش‌آموزان به بازی گروهی مشغول باشند هر کدام از آن‌ها فقط سعی دارد برنده باشد حتی اگر این امر با دعوا کردن یا با برهم زدن قوانین بازی بدست آید فقط با این هدف که ثابت کند که او برتر از دیگران می‌باشد.
- هنگامی که بین آن‌ها برخوردی پیش بیاید چه به صورت کلامی چه به صورت فیزیکی فوری به صورت گروهی شروع به دعوا فیزیکی و لفظی می‌کنند به نحوی که اصلاً اهمیت نمی‌دهند که چه کسی مقصر بوده است بلکه آنچه برای آن‌ها اهمیت دارد طرفداری از وابستگان خودشان می‌باشد.

فرهنگ یادگیری مدرسه عشایر کوچ‌رو: روایت‌های یک معلم

- مسخره کردن یکدیگر و کم ارزش نشان دادن ویژگی‌های دیگران و تعریف کردن از ویژگی‌های خودی به نحوی که حتی لهجه‌های یکدیگر را نیز به تمسخر می‌گیرند.
- بیان چیستان برای همدیگر و نگفتن جواب آن‌ها برای طرف مقابل تا از این طریق فقط برتری خودشان را به دیگران اثبات کنند.
- تفاخر به دارایی خانوادگی و افراد خانواده خودشان تا صرفاً نشان دهند آن‌ها از دیگران برتر هستند. اما در کل روابط بین دانش‌آموزان با هم‌کلاسی‌هایشان در مجموع خصمانه است.
- رقابت‌های درسی کورکورانه که در بین کلاس گاه بین پایه‌های متفاوت درسی به وجود می‌آید.

پیش از این گفتیم که پرورش گله، منبع اصلی درآمد عشایر کوچ‌رو ست و همه اعضای خانواده در این کار مشارکت دارند. این نحوه زندگی زمان کافی را برای والدین جهت رسیدگی به تحصیل فرزندانشان نمی‌گذارد. نتیجه این امر انتظار بالای والدین عشایر از معلم است که مسئولیت تربیت بچه‌هایشان را به عهده دارد. در مدارس شهری تدریجاً به دلیل تحصیلات بالای والدین به خصوص مادران که میزان تحصیلاتشان در سال‌های گذشته به شدت افزایش یافته است، والدین علاوه بر آن که به مراقبت از فرزندان خود از نظر تحصیلی می‌پردازند گاه اوقات در وظایف معلم نیز دخالت می‌کنند و درباره رویه معلم، نظر می‌دهند و موافقت و مخالفت خود را اعلام می‌کنند. به خلاف آن در میان عشایر، اشتغال تمام اعضای خانواده حتی فرزندان به کار، موجب آن می‌شود که والدین فرصت رسیدگی به فرزندان را نداشته باشند. به علاوه مادران سواد کافی ندارند تا از عهده نقش مکمل در خانه برآیند لذا همه چیز به معلم واگذار می‌شود. نقش معلم از نظر عشایر فقط انتقال دانش و باسواد بار آوردن بچه نیست. معلم عشایر این تلقی را از زبان یکی از والدین این گونه بیان می‌کند: "امروز که با پدر فرید صحبت می‌کردیم به من گفت حقیقتاً ما از معلم بیشتر از آنکه یاد دادن سواد به دانش‌آموزان را بخواهیم تربیت درست رفتار و گفتار و حرکات دانش‌آموزان را می‌خواهیم".

تا اینجا عواملی چند را که در رفتار کودکان عشایر کوچ‌رو در مدرسه تأثیر می‌گذارد بیان کردیم. شایان ذکر است که اغلب آنهایی که به موفقیتی از طریق آموزش و پرورش رسیده‌اند به عشایر کوچ‌رو تعلق ندارند. این امر سبب شده است تا دانش‌آموزان و به خصوص دختران چندان علاقه‌ای به آمدن به مدرسه نداشته باشند. این وضعیت زمانی وخیم‌تر می‌شود که خانواده

اکثر آن‌ها پیش روی عنوان می‌کنند که فقط می‌خواهیم سواد خواندن و نوشتن را بیاموزند و اگر نه مدرسه آمدنشان هیچ فایده‌ای ندارد. هر چند این سخن خانواده دانش‌آموزان هم چندان بی‌ربط نمی‌باشد همچنان که سهرابی در کتاب آموزش و پرورش در عشایری ایران در مورد ارزش سواد در جامعه عشایری قبل از ایجاد مدرس جدید می‌نویسد: افرادی که با سواد می‌شدند موجب تغییر در نظام معیشتی و اجتماعی ایل نمی‌شدند تأثیری بر عوامل ایجاد کننده ظلم و فقر حاکم بر نظام اجتماعی نداشتند و افراد سواد دار نمی‌توانستند در بهبود نظام تولید و رفع موانع آن اقدام مؤثری انجام دهند، در ضمن سواد داشتن افراد برای آن‌ها فایده‌ای برای بدست آوردن شغل و جایگاه اجتماعی افراد نداشته است همین امر سبب افت انگیزه در سوادآموزی افراد شده است. البته حرف سهرابی هم اکنون نیز چندان به دور از واقعیت‌های حاضر جامعه نیست.

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی ما توصیف و تحلیل فرهنگ یادگیری در مدرسه عشایر کوچ‌رو بود. فرهنگی که معلم مدرسه عشایری را دچار وضعیتی پارادوکسیکال کرده است. به حسب روایت او از یک سال تدریس در مدرسه، کنترل کلاس و تنبیه بدنی چالش‌های اصلی او بودند. ما موقعیت او را با توجه به موقعیت فرهنگی عشایر توصیف کردیم و وضعیت او را با توجه به سبک زندگی عشایر کوچ‌رو که فرهنگ یادگیری ویژه‌ای را در مدرسه ایجاد می‌کرد تحلیل کردیم. این شرایط در عشایر کوچ‌رو سایر کشورها نیز دیده شده است. طاهر، محمد و محمد^۱ (۲۰۰۵)، محدودیت‌های آموزش عشایر کوچ‌رو را در نیجریه شامل کوچ دائم، اشتغال کودکان در پرورش حیوانات، ناسازگاری سبک زندگی عشایر با برنامه‌درسی مدرسه و انزوای عشایر کوچ‌رو از بقیه جامعه می‌داند. برخی دولت‌ها سعی کرده‌اند مسائل آموزشی عشایر کوچ‌رو و سایر مشکلات آنها را با اسکان دائم آنها حل کنند. در هندوستان تا نیمه دهه ۱۹۸۰ دولت عشایر کوچ‌رو را به انتخاب اسکان دامی تشویق می‌کرد (دیر^۲، ۲۰۰۱). در ایران سیاست اسکان ناموفق بوده است و در برخی موارد موجب از بین رفتن مراتع شده است (توکلی و ضیا توانا، ۱۳۸۶).

1. Tahir, Muhammad & Mohammed
2. Dyer

فرهنگ یادگیری مدرسه عشایر کوچ‌رو: روایت‌های یک معلم همانطور که عمر و طاهر^۱ (۲۰۰۳) می‌گویند عشایر کوچ‌رو به نظام آموزشی کارآمد نیازمندند. نظامی که نیازها و فرهنگ آنها را تشخیص دهد و به واقع قصد حل مسائلی را داشته باشد که چالش‌های فراوانی در آموزش و مدیریت کلاس‌های عشایر کوچ‌رو ایجاد می‌کند. برنامه‌درسی عشایر کوچ‌رو باید با سبک زندگی آنها تطابق داشته باشد. برخی کشورها مانند تبت در این مسیر گام برداشته‌اند و به مدارس عشایر اجازه داده شده است که ۲۰ درصد برنامه‌درسی را مطابق نیازهای منطقه خود تدوین کنند (بانگسبو^۲، ۲۰۰۸). این طرح‌ها فرصتی ایجاد می‌کند که برنامه‌درسی طراحی شود که با سبک زندگی مأموس دانش‌آموزان عشایر کوچ‌رو منطبق باشد. نظام برنامه‌درسی در ایران باید از تمرکز شدید خود بکاهد و مواد آموزشی که متناسب با فرهنگ عشایر است و با سبک زندگی آنها همخوان است در برنامه‌درسی بگنجانند و تفاوت مناطق شهری، روستایی و عشایری را مد نظر قرار دهد. علاوه بر آن ساعات مدرسه انعطاف‌پذیر لازمه مدرسه عشایر کوچ‌روست. در زمستان و تابستان، عشایر معمولاً به سمت مراتع و چشمه‌ها و رودخانه‌ها کوچ می‌کند. به جهت این نوع زندگی خاص به نظر می‌رسد که برنامه‌درسی موجود با سبک زندگی عشایر کوچ‌رو ناهمخوان است و یادگیری دانش‌آموزان را در این مناطق دچار مشکل می‌کند. همچنین زمان حضور بچه‌ها در مدرسه باید کاهش یابد. والدین عشایر به کمک فرزندان خود در نگهداری و مراقبت از گله نیازمندند. گاه حتی ممکن است به این خاطر بچه‌هایشان را به مدرسه نفرستند، گرچه به آموزش فرزندان خود اهمیت می‌دهند. با کاهش زمان حضور بچه‌ها، والدین آنها برای فرستادن بچه‌های خود به مدرسه راغب می‌شوند. به خصوص این نکته را اگر در ذهن داشته باشیم که همبستگی میان زمان حضور بچه‌ها در مدرسه و پیشرفت تحصیلی آنها وجود ندارد.

منابع

- اکبری، علی؛ میزبان، مهدی (۱۳۸۳). در آمدی بر شناخت ویژگی‌های جمعیت و جوامع عشایری در ایران. فصلنامه مطالعات ملی. عشایر و هویت ایرانی ۱۷، ۱، سال پنجم شماره ۱، ۱۳۸۳

1. Umar & Tahir
2. Bangsbo

فصلنامه مطالعات برنامه درسی، شماره ۲۵، سال هفتم، تابستان ۱۳۹۱

- الهام، غلامرضا (۱۳۸۷). شناسایی مشکلات آموزش و پرورش دانش‌آموزان دوره ابتدایی عشایر استان خوزستان، مجموعه مقالات همایش آموزش و پرورش عشایری.
- امان‌اللهی، بهاروند سکندر (۱۳۸۳). زوال کوچ نشینی در ایران: یکجانشینی ایلات و عشایر. فصلنامه مطالعات ملی. عشایر و هویت ایرانی ۱، ۱۷، سال پنجم شماره ۱
- بهمن بیگی، محمد (۱۳۸۶). به اجاق قسم، شیراز، انتشارات نوید
- جهانگیری، نادر، افخمی، علی، کوچک زاده، فهیمه (۱۳۸۶). گسترش واژگانی و ساختاری زبان نوشتاری دانش‌آموزان مقطع ابتدایی بر اساس متغیر طبقه اجتماعی در چارچوب نظریه بازیل برنشتاین، پژوهش زبان‌های خارجی؛ - (۳۹): ۲۱-۳۸
- سهرابی، علی (۱۳۷۳). آموزش و پرورش در عشایر ایران، شیراز، انتشارات نوید
- صفرنژاد، اصغر؛ آگلزاده، کریم (۱۳۸۷). بررسی تأثیر زمان کوچ و اسکان و نوع فعالیت بر توسعه آموزش و پرورش عشایری استان اردبیل، مجموعه مقالات همایش آموزش و پرورش عشایری.
- ضیاء توانا، محمد حسین، توکلی، جعفر (۱۳۸۶). اسکان عشایر و تخریب مراتع در استان چهارمحال و بختیاری: مطالعه موردی شهرک‌های عشایری شرمک، چلگرد و لشتر، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰ ش ۲.
- عباسی سروک، لطف‌الله (۱۳۸۷). بررسی کمی و کیفی آموزش و پرورش عشایر ایران، مجموعه مقالات همایش آموزش و پرورش عشایری.
- فاضلی نعمت‌الله (۱۳۹۰). مردم‌نگاری آموزش، ایران، انتشارات علم
- قنبری و قریه‌گیی (۱۳۸۷). بررسی اثر آموزش و پرورش بر نقش اقتصادی عشایر در کشور، مجموعه مقالات همایش آموزش و پرورش عشایری.
- گودرزی، حسین (۱۳۷۴). سیمای عشایر شرق لرستان، انتشارات ترسیم: چاپ اول.
- مرادی مقدم (۱۳۸۵). تاریخ سیاسی و اجتماعی پشتکوه در دوران والیان فیلی. فصلنامه مطالعات ملی. عشایر و هویت ایرانی ۱، ۲۵، سال هفتم شماره ۱، ۱۳۸۵

- Bangsbo, E. (2008). Schooling for knowledge and cultural survival: Tibetan community schools in nomadic herding areas. Educational Review, 60(1), 69-84.
- Bartlett, S., Burton, D. & Peim, N (2001). Introduction to education studies. London: PCP.
- Bruner, J. S. (1997). The culture of education (7th ed.). Cambridge, MA: Harvard University Press.

- Chase, S. (2011). Narrative inquiry: Still a field in the making. In N. Denzin & Y. Lincoln (Eds.), *The SAGE handbook of qualitative research* (4th ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Clandinin, D. J., Pushor, D., & Orr, M. A. (2007). Navigating sites for narrative inquiry. *Journal of Teacher Education*, 58(1), 21-35.
- Clandinin, D.J., & Connelly, F.M. (2000). *Narrative inquiry: Experience and story in qualitative research*. San Francisco: Jossey-Bass. CA
- Dyer, C. (2001). Nomads and education for all: Education for development or domestication? *Comparative Education*, 37, 315-327.
- Joseph, P. B., Bravmann, S. L., Windschitl, M. A., Mikel, E. R., & Green, N. S. (2011). *Cultures of curriculum*. London: Taylor & Francis.
- Litchman, M. (2006). *Qualitative research in Education*. London: Sage.
- Manderscheid, A. (2001). Decline and re-emergence of nomadism: Tibetan pastoralists revive a nomadic way of life and production. *GeoJournal*, 53, 173-182.
- Rushton, S. P. (2004). Using Narrative Inquiry to Understand a Student–Teacher’s Practical Knowledge While Teaching in an Inner-City School. *The Urban Review*, 36(1), pp. 61-79
- Sá, J. (2002) ‘Diary Writing; An Interpretative Research Method of Teaching and Learning’,
- *Educational Research and Evaluation*, 8(2), pp149-168.
- Scheref, L.(2008). Disavowed: The stories of two novice teachers. *Teaching and Teacher Education*. 24(5): 1317-1332.
- Tahir G., Muhammad, N. D., & Mohammed A. M. (2005). Improving the quality of nomadic education in Nigeria: Going beyond access and equity. Association for the Development of Education in Africa, Nigeria. Federal Ministry of Education
- Torimiro, D. O., Dionco-Adetayo, E. A., & Okorie, V. O. (2003). Children and Involvement in Animal Rearing Activities: A Traditional Occupation

for Sustainability of Nomadic Culture?. *Early Child Development and Care* 173, 185 – 192.

- Umar A., & Tahir, G. (2000). Researching nomadic education: a Nigerian perspective, *International Journal of Educational Research*, 33(3), pp. 231-240.
- Webster, L., & Mertova, P. (2007). *Using narrative inquiry as a research method: an introduction to using narrative analysis in learning and teaching*. New York, NY: Routledge.

گیرندگان:

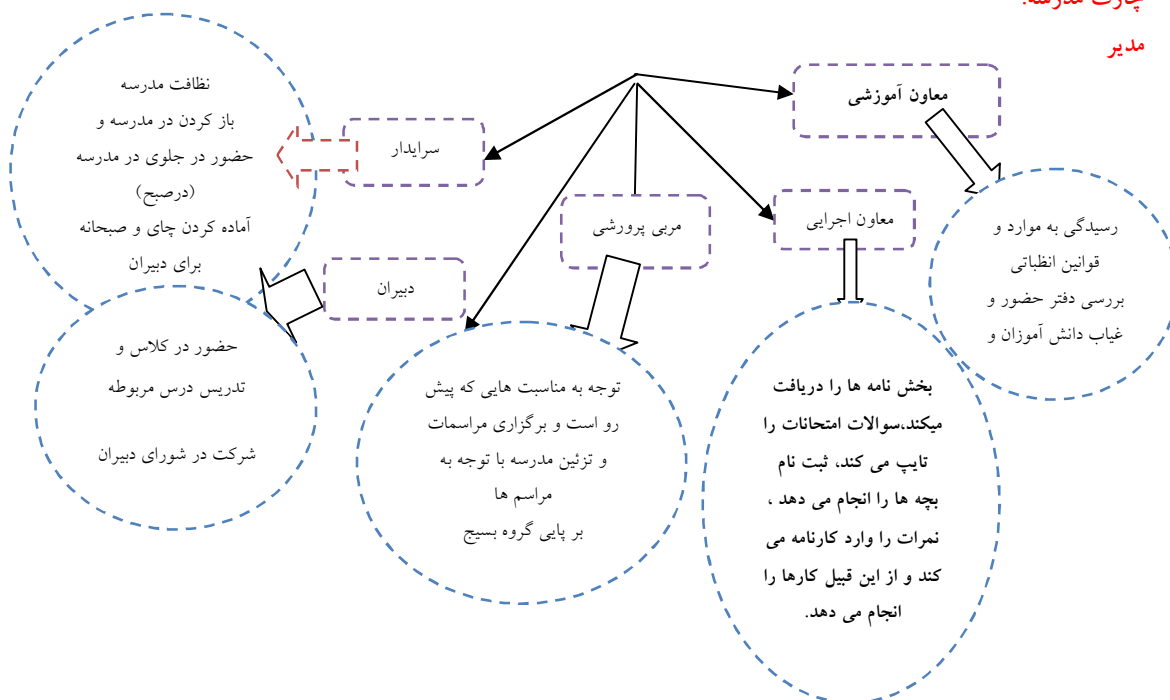
موضوع: ساختار اداری مدرسه

تنظیم کننده:

مدرسه جلوه حق واقع در خیابان هلال احمر ، کوچه یکه تاز می باشد.

چارت مدرسه:

مدیر



مدیر: نظارت بر تمام کارکنان مدرسه از وظایف مدیر می باشد.

این مدرسه دارای ۴۶ نفر دانش آموز که ۵۰ نفر آن تابعیت افغانی دارند که دوره اول ۳ کلاس هستند ۲ کلاس ۲۳ نفری و یک کلاس ۲۰ نفری و دوره دوم ۳ کلاس هستند ۲ کلاس ۲۷ نفری و یک کلاس ۲۶ نفری هستند. این مدرسه با توجه به جمعیت دانش آموزان دارای یک مدیر، یک معاون آموزشی و یک معاون اجرایی می باشد. (لازم به ذکر است معاون اجرایی این مدرسه غیر رسمی می باشد یعنی به علت کم بودن جمعیت به این مدرسه تعلق نمی گیرد اما به علت کمبود نیرو در مدرسه مدیر یکی از مادران دانش آموزی که قبلاً در این مدرسه درس می خوانده است را به عنوان معاون اجرایی قرار می دهد و حقوق ایشان را از درآمد بوفه ی مدرسه می دهد.) باتوجه به تعداد بچه ها به این مدرسه دفتر دار و مشاور تعلق نمی گیرد و خود مدیر کار دفتردار را انجام می دهد.

نیروهایی که در این مدرسه مشغول به کار هستند به همراه ساعت کاری :

مدیر، معاون آموزشی و اجرایی و یک خدمتگزار به صورت تمام وقت

دبیر ادبیات ۱۲ ساعت در هفته

دبیر مطالعات ۲۴ ساعت در هفته

دبیر دینی و قرآن ۲۰ ساعت در هفته

دبیر عربی ۱۲ ساعت در هفته

دبیر زبانه خارجه ۲۰ ساعت در هفته

دبیر ریاضی ۱۸ ساعت

دبیر علوم پایه ی اول ۲۰ ساعت، پایه دوم ۱۵ ساعت

مربی ورزش ۱۲ ساعت

مربی فناوری ۶ ساعت

مربی پرورشی ۲۰ ساعت

کل کارکنان این مدرسه ۱۶ نفر می باشند و تعداد دبیران ۱۳ نفر است.

میزان مدرک تحصیلی دبیران این مدرسه:

۲ نفر فوق دیپلم و ۱۱ نفر لیسانس و مدیر مدرسه فوق لیسانس می باشد. البته دبیران در رشته ای که درس خوانده اند تدریس نمی کنند مثلاً دبیر زبان خارجه مدیریت خوانده است اما زبان درس می دهد.

وظیفه ی کارکنان این مدرسه به صورت تایپ شده برایشان تعریف نشده است زیرا نیرو در این مدرسه محدود است و معاون آموزشی علاوه بر وظیفه ی خود موظف است که کار های اضافه نیز انجام دهد. از جمله وظایفی که معاون آموزشی دارد این است که؛ نظارت بر دانشآموزان و همکاران، اگر چه هریک از آن ها قانون و شرع را رعایت نکنند معاون وظیفه تذکر و برخورد با آنان را دارد.

از جمله وظایف معاون اجرایی؛ بخش نامه ها را دریافت میکند، سوالات امتحانات را تایپ می کند، ثبت نام بچه ها را انجام می دهد، نمرات را وارد کارنامه می کند و از این قبیل کارها را انجام می دهد.

معاون اجرایی که خانم همتی میباشد کمی راجع به این که چگونه بخشنامه ها به دستش می رسد برای من و دوستانم توضیح داد که به شرح زیر است:

اول این که بخش نامه ها به صورت اتوماسیون از طرف اداره به دست من می رسد و بعد این که بخشنامه ها دو نوع هستند. یکی خصوصی و دیگری عمومی یا همگانی

بخشنامه های خصوصی: بخشنامه هایی که برای یک شخص یا یک گروه خاص بیاید مثلاً برای مدیر یا یک معلم آمده باشد و با این که برای معلم هی ریاضی آمده باشد.

که این نوع نامه را اول مدیر شماره می زند و شخصاً خود مدیر مدرسه به آن شخص یا گروه نامه را تحویل می دهد.

بخشنامه ی عمومی: بخشنامه ای که برای همه ی معلم ها و یا دانش آموزان آمده باشد. اگر برای معلم ها باشد در اتاق دبیران روی برد نصب می کنند و اگر برای دانش آموزان باشد در سالن ها و کلاس ها روی برد نصب می کنند.

برای دریافت بخشنامه از طریق اتوماسیون نیاز به دو رمز می باشد؛ رمز اول را اداره خود به ما می دهد و رمز دوم را مدیر تعیین می کند و فقط مدیر و معاون اجرایی می داند و هیچ یک از همکاران از آن اطلاع ندارد.

دو نوع سیستم داریم سند و دانا، سند مخصوص مدیر است که کار ثبت نام بچه ها را انجام دهد و دانا مخصوص معاون اجرایی که در آن لیست دبیران (اطلاعات دبیران) و کارنامه و امتحانات بچه ها وجود دارد.

این مدرسه دارای تقویم اجرایی می باشد که در آن قوانین مدرسه، ساعت حضور دانش آموزان و معلمان در مدرسه، نحوه اطلاع رسانی اوضاع دانش آموزان به والدین، روز های تشکیل شورای دبیران و اعلام برنامه های مشترک هر ماه در این تقویم اجرایی ذکر شده است که یک نسخه از این تقویم را به هریک از دانش آموزان می دهند و همچنین قوانین مدرسه را که دانش آموزان باید رعایت کنند را اول سال به صورت تعهد نامه هم هریک از دانش آموزان و هم والدین آن ها امضاء می کنند.

موارد ذکر شده به شرح زیر می باشد؛

الف) مقررات انضباطی:

رعایت شئون اسلامی

رعایت ادب و احترام نسبت به مدیر و معاون و مربیان و دیگر کارکنان مدرسه

حضور دانش آموز و خروج به موقع در مدرسه

رعایت بهداشت و نظافت فردی و پاکیزه نگه داشتن فضای مدرسه

استفاده از لباس و کفش و جوراب ساده و مناسب و رعایت حجاب اسلامی

مراقبت از وسایل شخصی و اهتمام در حفظ و نگهداری اموال و تجهیزات مدرسه

غیبت غیر موجه و تاخیر ورود دانش آموز در دفتر ثبت و موجب کسر نمره انضباط می شود

در صورتی که دانش آموز نتواند با شرایط و موازین مدرسه هماهنگ شود، موارد زیر در مورد او اعمال خواهد شد.

الف) اخطار شفاهی به دانش آموز و اطلاع به ولی

ب) اخطار کتبی به دانش آموز و اطلاع به ولی، همراه با درج در پرونده و کسر نمره انضباط

ج) خروج موقت از کلاس به مدت ۳ روز همراه با درج در پرونده و اخذ تعهد نامه از ولی

توجه: غیبت دانش آموز باید قبل از ساعت ۹ صبح به مدرسه اطلاع داده شود.

ب) موارد موثر در کسر انضباط

تاخیر ورود به مدرسه

بی توجهی به مراسم صبحگاه

آسیب رساندن به اموال مدرسه

بی نظمی در حیاط و راه روی مدرسه در زنگ تفریح (هل دادن، دویدن، کشیدن مقنعه دیگران، برداشتن مقنعه در ساعت ورزش و زنگ تفریح)

به همراه داشتن وسایل تزیینی و غیر ضروری

آراسته نبودن یونیفرم مدرسه

پوشیدن لباس و کفش نا مناسب (عدم استفاده از فرم مدرسه)

خروج از مدرسه و کلاس بدون اجازه از اولیای مدرسه

پیرایش و آرایش در ابرو و صورت

ورود به کلاس بعد از دبیر

بی توجهی به تذکرات مسئولین مدرسه

عدم توجه به تذکرات نماینده کلاس و مامورین مدرسه

بی احترامی به دیگر دانش آموزان مدرسه

عدم خروج به موقع از حیاط و راهرو ها پس از زنگ تفریح

آوردن وسایل ممنوعه به مدرسه از قبیل تلفن همراه

کوتاهی در گرفتن کارنامه در زمان معین شده

اخراج از کلاس توسط دبیر به علت بی نظمی

نزاع با دیگران

کوتاهی در حضور به موقع اولیا به دعوت مدرسه در جلسات معین شده

عدم توجه به انجام تکالیف درسی

غیبت غیر موجه

عدم رضایت دبیران از نظر آموزشی و اخلاقی و رفتاری در کلاس

اقدام به هر نوع شوخی و حرکات غیر متعارف با شئون مدرسه

عدم رعایت نظافت شخصی و عمومی

باصدای بلند صحبت کردن

اقدام خود سرانه جهت تلافی و توهین

تاخیر و تعجیل در خروج از مدرسه در اتمام ساعت درسی

تردد غیر ضروری در حیاط و راهرو در ساعات درسی

بی نظمی در امور آموزش و عدم همراه داشتن کتاب و غیره

عدم رضایت همسایگان از نظر اخلاقی در محدوده مدرسه در زمان رفت و آمد دانش آموزان

ج) نحوه اطلاع رسانی به اولیا دانش آموزان

تمام اطلاعات مربوط به دانش آموزان مانند نمرات، غیبت دانش آموزان، جلسه اولیا و مربیان و موارد دیگر از طریق سیستم اس ام اس در اختیار اولیای دانش آموزان قرار می گیرد.

د) ساعات ورود و خروج دانش آموزان به مدرسه

درب ورودی مدرسه از ساعت ۷ صبح هر روز باز است و در ساعت ۷:۲۰ بسته خواهد شد.

ساعات کار مدرسه:

مراسم آغازین ۷:۲۵ تا ۷:۴۵

زنگ اول ۷:۴۵ تا ۹:۱۵

تفریح اول ۹:۱۵ تا ۹:۳۰

زنگ دوم ۹:۳۰ تا ۱۱

تفریح دوم ۱۱ تا ۱۱:۱۵

زنگ سوم ۱۱:۱۵ تا ۱۱:۵۵

زنگ نماز ۱۱:۵۵ تا ۱۲:۱۰

ادامه زنگ سوم ۱۲:۱۰ تا ۱۲:۵۰

زنگ چهارم ۱۳:۱۰ تا ۱۴:۲۵

و) زمان تشکیل شورای دبیران

توضیحی کوتاه راجع به شورای دبیران:

در تابستان مدیر برنامه ریزی می کند که طی ۹ ماه تحصیلی در چه تایم و چه تاریخی جلسه تشکیل شود. معلمان باید در این جلسات

شرکت کنند حتی اگر روز تعطیلی آنها باشد.

در این جلسات معلم ها مشکلات بچه ها و انتقادات و پیشنهادات خود را بیان می کنند و مدیر به آنها رسیدگی می کند.

شهریور ۹۳/۶/۲۳

مهر ۹۳/۷/۲۴

آبان ۹۳/۸/۲۴

آذر ۹۳/۹/۲۳

دی ۹۳/۱۰/۲۹

بهمن ۹۳/۱۱/۲۸

اسفند ۹۳/۱۲/۲۷

اوردیبهشت هفته بزرگداشت مقام معلم

دانش آموزان در تاریخ های فوق زود تر تعطیل می شوند یک روز قبل از طریق پیامک به والدین اطلاع داده می شود.

ه) اعلام برنامه های مشترک هر ماه

شورای دبیران

امتحان هماهنگ هر هفته یک درس

ارائه کارنامه ماهانه به دانش آموزان

آموزش خانواده

برگزاری زیارت عاشورا

برگزاری اردوهای آموزشی و تفریحی هر ماه

اعلام برنامه های مدام (اداره مدرسه توسط دانش آموزان)

روز سه شنبه ۹۳/۸/۲۰

روز دوشنبه ۹۳/۱۱/۲۰

روز سه شنبه ۹۳/۱۲/۲۶

روز شنبه ۹۴/۲/۲۰

نحوه شکل گیری انجمن اولیا و مربیان:

این مورد نیز در تابستان برنامه ریزی میشود. مدیر در ۱۰ شهریور ماه به مادرها اطلاع می دهد که به مدرسه تشریف بیاورند. مدیر در آن روز سخنرانی می کند و وظایف افراد انجمن را بیان می کند و راجع به کارهایی که انجمن سال قبل انجام داده اند صحبت می کند و از آنها تشکرو قدر دانی می کند و به آنها هدیه می دهد.

به مادر ها می گوید که چه کسی دوست دارد جزء انجمن باشد و اسم افراد داوطلب را روی تخته می نویسند و مادر های دیگر به آنها رای می دهند و افرادی انتخاب می شوند.

این انجمن دارای یک رئیس، نائب رئیس و منشی می باشد. کل اعضای گروه ۹ نفر می باشند.

در جلسات این انجمن رئیس انجمن دبیران و معاون مدرسه نیز شرکت دارد.

نحوه شکل گیری شورای دانش آموزی:

قبل از ۱۳ آبان به دانش آموزان ابلاغ می شود که برای شورای دانش آموزی شرکت کنند افراد شرکت کننده اول مورد تایید معاون مدرسه قرار می گیرند و بعد کسانی که تایید شدند به بچه ها اعلام می شود و بچه ها شروع به تبلیغ می کنند و یک روز قبل از انتخابات تبلیغات جمع می شود.

بعد از رای گیری تعداد رای ها شمرده میشود و اعلام می کنند چه کسی انتخاب شده است و وظایفی که دارند از طرف اداره می آید.

شهردار مدرسه:

از بین دانش آموزان مدیر کسی را که صلاحیت داشته باشد را به عنوان شهردار مدرسه انتخاب می کند و آن فرد با شهردار ناحیه آن منطقه در ارتباط است و در جلسات مربوطه شرکت می کند.

موضوع : گزارشی از موقعیت فیزیکی مدرسه

تاریخ : روز چهارشنبه ۱۳۹۳/۸/۲۸ اولین جلسه کارورزی

روز قبل از رفتن به مدرسه بسیار نگران بودم و استرس داشتم چون که هفته قبل به مدرسه مکتب قرآن رفتم اما به علت این که درس دینی روز چهارشنبه نداشتند مجبور شدم مدرسه ای که کارورزی باید بروم را عوض کنم اما همه بچه ها به مدرسه رفته بودند و گزارش فیزیکی خود را نوشته اما من از همه عقب تر بودم و یکی دیگر از نگرانی های من این بود که با مسئولین آشنایی نداشتیم و می ترسیدم بد اخلاق باشند. خلاصه صبح روز چهارشنبه ساعت ۷ صبح از خواب بیدار شدم و آماده رفتن به مدرسه شدم و با کلی نگرانی ساعت ۷:۱۵ از خانه بیرون آمدم مدرسه ای که می روم به منزل ما نزدیک است و به خاطر همین پیاده می روم چون روز اول است نگران بودم که دیر نرسم به خاطر همین قدم هایم را بلند بر می داشتم که زود تر برسم ساعت ۷:۳۰ به جلوی کوچه یکه تاز رسیدم.

مدرسه جلوه حق واقع در منطقه ۱۱ تهران ، در خیابان هلال احمر، بعد از خیابان انبار نفت ، کوچه شهید یکه تاز واقع شده است . خیابان هلال احمر معروف به خیابان موتور فروش ها می باشد . در خیابان هلال احمر مغازه های موتور و دوچرخه فروشی قرار دارد و خیابان انبار نفت مغازه های خواروبار فروشی به صورت عمده قرار دارد . در کوچه شهید یکه تاز اول کوچه در قسمت غربی دبیرستان فنی حرفه ای دخترانه فرزائگان می باشد و حدود ۶متر جلو تر در سمت غرب دبیرستان نمونه دولتی بهرامی واقع شده است و در انتهای کوچه در ضلع شرقی مدرسه جلوه حق قرار دارد که دارای دو در نارنجی رنگ می باشد دری که در ابعاد ۱۰وینیم در ۳ است به سمت در سرایداری می رود که فقط سرایدار از آن استفاده می کند و در دیگر که در ابعاد ۳ در ۴ است که بقیه ی کارکنان و دانش آموزان از این در رفت و آمد می کنند سر در همین در ذکر شده تابلویی نصب شده است که روی آن ، دبیرستان دوره ی اول جلوه حق ، سال تاسیس ۱۳۸۷ ، آموزش و پرورش منطقه ۱۱ نوشته شده است .

وقتی وارد کوچه شدم دخترانی که دو به دو یا گروهی راه می رفتند و وارد مدرسه های خود میشدند و من با دقت به آنها نگاه میکردم که ببینم کدام یک از آنها برای مدرسه جلوه حق است جلوتر که رفتم و به جلوی در که رسیدم هیچ دختری نمانده بود که داخل شود و از در که به داخل حیاط سرک کشیدم دانش آموزی ندیدم گویا همه دانش آموزان آمده بودند و داخل کلاس ها شده اند. به داخل ساختمان مدرسه شدم و وارد اتاق معاون شدم و خود را معرفی کردم و اجازه گرفتم که از مدرسه بازدید کنم و گزارش فیزیکی بنویسم. که به شرح زیر می باشد:

از در حیاط که وارد می شویم : با حیاطی در ابعاد تقریباً ۲۰ در ۱۶ مواجه می شویم که حدود یک سوم کل ساختمان می باشد که در ضلع جنوبی و شرقی به دیوار حیاط سکوهایی به پهنای ۳۰ سانتی متر و فاصله ی آن از زمین حدود نیم متر وجود دارد که در ضلع شرقی روی همین سکو ها ۵ گلدان با گل طبیعی قرار گرفته است . در ضلع شمالی حیاط، ساختمان مدرسه قرار گرفته است و در ضلع جنوبی بوفه و سرویس بهداشتی به چشم می خورد . در ضلع شرقی دو تور بسکتبال با فاصله حدود ۳متر به دیوار نصب شده است و در وسط حیاط تور والیبال به عرض حدود ۶ متر به چشم می خورد که میله های تور نیز به عرض حدود ۲ و نیم متر است که دور میله ها با ابر و موکت پوشیده شده است . کف حیاط مدرسه آسفالت است و برای ورزش والیبال خط کشیده شده است .

در انتهای حیاط کوشه ضلع جنوبی باغچه ای در ابعاد نیم در ۲ متر است که در درون آن گلدان های خالی روی هم قرار گرفته است و یک سطل زباله در ابعاد ۱در ۵۰ سانتی متر وجود دارد در ضلع شمالی دو صندلی و یک قفسه کتاب که نصب به دیوار است وجود دارد که این قفسه دارای ۳ طبقه که در ۲ طبقه ی آن کتاب هایی با محتوای حجاب، نماز، تربیت کودک و نوجوان و بک قرآن دیده میشود که این قسمت برای نشستن اولیای دانش آموزان است و انتهای حیاط ۶ وسیله ورزشی آهنی که در پارک ها نیز وجود دارد است . یک سطل زباله با ابعاد ذکر شده در کنار وسایل ورزشی قرار دارد.

بوفه مدرسه که گفته شد در سمت جنوبی است در ابعاد ۳در ۲ است و دارای پنجره ای در ابعاد حدود ۱در ۵۰ سانت است و قسمتی که بچه ها می توانند خرید کنند در عرض ۴۰ سانت و فاصله آن از زمین حدود ۱متر و نیم است . فاصله بین بوفه و سرویس بهداشتی حدود ۲ متر است که سرویس با دو پله با فاصله ۲۰ سانت از زمین جدا می شود از پله ها که بالا برویم در ضلع غربی یک آب سرد کن وجود دارد و در کنار آن ۶ شیر آب به همراه جامایع دستشویی که در آن مایع نیست قرار گرفته است . داخل سرویس بهداشتی که شویم در سمت شمالی ۳ حوض شیر آب به همراه جامایع قرار گرفته است و یک راه روی در ابعاد حدود ۱در ۳ است که در سمت شمال ۳ عدد توالی و در سمت جنوب ۳ عدد توالی قرار گرفته است که در هریک از آن ها یک سطل ، سیفون و شیر آب سرد وجود دارد و در سقف ۳ عدد لامپ است در سرویس دانش آموزان آب گرم وجود ندارد. در صورتی که در سرویس دبیران آب گرم وجود دارد. **شواهد ۱.**

جلوی در سرویس یک سطل زباله قرار گرفته است .

طول دیوارهای حیاط مدرسه حدود ۳ متر میباشد که دور تا دور دیوارها حیاط را با نرده های آهنی به صورت حصار کشیده شده است و در قسمت شرقی و نیمی از دیوار ضلع جنوبی روی نرده ها ایرانیت کشیده شده است . و وسط دیوار ضلع جنوبی حیاط یک نقاشی سنگی که به صورت کنده کاری است عکس پسری که سرش روی پای زنی است و پسری که پرچم الله اکبر به دست دارد و عکس چند کتاب حکاکی شده است .

ساختمان مدرسه که در ضلع شمالی حیاط قرار گرفته است که دیوارهای آن آجر نما می باشد و ساختمان دارای دو طبقه است هم کف ، طبقه اول و دوم که طبقه اول و دوم روی ۶ ستون قرار گرفته است که ستون ها مشرف به حیاط مدرسه که با پرچم های عاشورایی پوشیده شده است و ستون ها در ابعاد ۳ در ۳۰ سانت است که بین هر ستون حدود ۳ متر فاصله است که بین ستون سوم و چهارم یک تریبون سنگی در ابعاد ۱ و ۳۰ در ۶۰ است .

حدود ۱۵ پنجره ساختمان در، حیاط مدرسه باز می شود که پنجره ها در ابعاد ۲ در ۱ متر و ۸۰ سانت می باشد که ۳ عدد پنجره برای همکف می باشد که فاصله پنجره ها از زمین حدود ۲ متر و نیم است .

پنجره ای که در ضلع غربی است برای اتاق معاون است که یک بنر با محتوای ،المیاد ورزشی درون مدرسه ای ، پشت پنجره نصب شده است و زیر پنجره پوستر های نقاشی با محتوای، هوای پاک، چسبانده اند و دو پنجره ای که در ضلع شرقی است یکی برای اتاق معلمان و دیگری برای اتاق سرایداری است .

کل پنجره های همکف نرده زده شده است اما بقیه ی پنجره های ساختمان فقط قسمتی که پنجره باز می شود نرده وصل کرده اند . در ورودی ساختمان : دو پله با فاصله حدود ۲۰ سانت وجود دارد که دو پله را که بالا برویم حدود ۲ متر تا در ورودی ساختمان فاصله وجود دارد در سمت شرقی با فاصله ۱ متر و ۸۰ سانت از زمین صندوق پیشنهادات نصب شده است و در کنار آن چارت مدرسه روی کاشی های آبی رنگ نوشته شده است که به شرح زیر میباشد :

| | |
|-------------------------|--------------------|
| مساحت زمین : ۶۸۲ متر | اتاق اداری : ۷ باب |
| مساحت زیر بنا : ۸۴۰ متر | کتابخانه : ۱ باب |
| تعداد کلاس : ۵ باب | سرایداری : ۱ واحد |
| سالن چند منظوره : ۱ باب | تاسیس : ۱۳۸۷ شمسی |

و در سمت شرقی کنار در یک صندوق صدقات شیشه ای شفاف است که در آن پول قرار دارد . در سمت غربی نیز روی کاشی های آبی نوشته اند : دانش آموزان عزیز :این مدرسه با استفاده از اعتبارات دولتی ساخته شده است ، ضمن تلاش برای کسب فضایل اخلاقی و اقامه نماز و یادگیری علوم و فنون در حفظ و نگهداری مدرسه و وسایل آن کوشا باشید تا آیندگان نیز از آن استفاده نمایند . به سقف آویزی که با قوطی نوشابه ساخته شده نصب است . البته خانم همتی که مسئول اتوماسیون است این آویز را درست کرده است.

در ورودی ساختمان مدرسه در ابعاد ۲ در ۳ است از در که وارد شویم با یک راه رویی در ابعاد ۲ در ۳ روبه رو میشویم که در روبه روی در، با فاصله ۲ متر ، ۱۱ پله قرار گرفته که به پاگرد طبقه اول میرسد در ضلع شرقی پله ، راه رویی در ابعاد ۳ متر در اونیم متر که به سمت زیر پله می رود که در این قسمت حدود ۱۰ گلدان گل طبیعی قرار دارد . در ضلع غربی پله ها راه رویی در ابعاد اونیم در ۲ متر است .

در ضلع شرقی ۳ عدد اتاق قرار دارد یکی اتاق دبیران ، بعدی آبدارخانه و بعدی سرویس بهداشتی دبیران وجود دارد . در ضلع غربی اتاق معاونت قرار دارد یک گلدان گل طبیعی جلوی در قرار دارد. در راه رو ذکر شده که در ضلع غربی قرار دارد اتاق مدیریت در ضلع شمالی راه رو قرار دارد و در انتهای راه رو در آهنی در ابعاد ۲ در ۳ وجود دارد که به اتاق آزمایشگاه و اتاق کامپیوتر منتهی می شود . در روبه روی در اتاق مدیریت یعنی ضلع جنوبی یک کمد شیشه ای که در آن یک سری وسایل مثل : جامدادی های عروسکی و یا کریپس مو و کش مو وجود دارد. در بالای این کمد یک تلویزیون است که تصویر های دوربین های مدار بسته در مدرسه را نشان می دهد که یک دوربین در نماز خانه ، یکی در کوچه جاوی در حیاط ، یکی در حیاط مدرسه و در راه رو طبقات وجود دارد . در کنار کمد ۲ گلدان گل طبیعی قرار دارد و در کنار آن ها یک آب سرد کن پلاستیکی خالی از آب قرار دارد و در ضلع شمالی کنار در یک کمد در ابعاد ۳ در ۱ و نیم است که برای دبیران است .

محتوای اتاق های طبقه همکف

اتاق دبیران : این اتاق در ابعاد ۳ در ۴ می باشد که در ضلع جنوبی پنجره مشرف به حیاط مدرسه است که در زیر پنجره یک شوفاز قرار دارد. در وسط اتاق یک میز در ابعاد ۲ در ۱ اونیم به چشم می خورد به طوری که از سمت شرق به دیوار چسبیده است و ۵ صندلی گرد آن وجود دارد در سمت شمالی یک بُرد دیده می شود و در بالای آن ساعت دیواری قرار دارد. به دیوار شرقی یک پرچم یا حسین نصب شده است و در کنار آن یک تابلو ولن یکاد و عکس امام خمینی (ره) و رهبر عزیز وجود دارد . در قسمت غربی کنار در یک میز در ابعاد ۱ در نیم متر است که دفتر حضور غیاب دبیران روی آن قرار دارد و در کنار آن یک کمد در ابعاد ۲ در ۱ اونیم است که وسایل دبیران در آن قرار دارد .

آبدارخانه : حدود ۵ متر است مربعی شکل است . که در ضلع شمالی یک یخچال و در کنار آن یک کابینت دو در فلزی است که روی آن یک سماور قرار دارد. در ضلع شرقی یک اجاق گاز و شیر آب به چشم می خورد و بالای شیر به دیوار کابینت برای ظروف نصب شده است .

اتاق معاونت : این اتاق در ابعاد ۳ در ۴ است دارای دو پنجره که یکی در غرب اتاق که مشرف به اتاق کامپیوتر و یکی سمت جنوب که مشرف به حیاط مدرسه است .

در ضلع شمالی یک بُرد به دیوار است که روی آن تعداد کلاسها، جمعیت کلاسها و برنامه هفتگی بچه ها زده شده است زیر بُرد یک میز در ابعاد اونیم در ۱ قرار دارد که روی آن یک تلفن است زیر پنجره غربی یک میز به ابعاد ذکر شده است که روی آن یک کامپیوتر قرار دارد

و در کنار آن یک کمد در ابعاد ۵ در ۳ است که در آن وسایل میکروفون قرار دارد در کنا پنجره ی جنوبی کمدی در ابعاد ۲ در ۱ است که در آن بسته است .

اتاق مدیریت : در ابعاد ۵ در ۳ است که دارای دو پنجره یکی در غرب مشرف به اتاق آزمایشگاه و یکی در شمال مشرف به ساختمان های اطراف است . در زیر این پنجره صندلی و میز مدیر در ابعاد ۱ در ۲ است قرارداد در ضلع غربی یک گاو صندوق که روی آن یک گلدان است و در ضلع جنوبی یک کمد که دارای ۳ کشو است قرارداد و در کنار پنجره به دیوار عکس امام و رهبر عزیز قرار دارد . زیر پنجره ضلع غربی یک میز در ابعاد نیم در ۱ قرار دارد که روی آن تلفن تلگراف است و در ضلع شمالی ۴ صندلی است و به دیوار یک پرچم با ابالفضل نصب شده است . در ضلع شرقی طوری که پشت در قرار میگیرد یک میز ادر اونیم است روی آن یک کامپیوتر متعلق به معاون اجرایی است و در کنار آن میزی در ابعاد نیم در نیم که روی آن یک مانیتور است که تصویر های دوربین ها را نشان می دهد .

آزمایشگاه و اتاق کامپیوتر : از در که وارد شویم یک حالت شیب یا سرازیری حدود یک متر وجود دارد آن را که پایین برویم با یک راه رو در ابعاد ۵ در ۲ روبه رو میشویم دیوارهایی که در این قسمت وجود دارد از جنس فیبر هستند در ضلع شمالی راه رو در آزمایشگاه قرار دارد و در ضلع جنوبی راه رو یک سری وسایل از جمله : موکت تا شده و میز تیس جمع شده به چشم می خورد . همانطور که گفتیم دیوارها فیبری و ام دی اف هستند و در ضلع غربی از طرف راه رو کمد هایی که در های آن قفل دارد وجود دارد که برای معلم ها می باشد و در کنار این کمد ها در اتاق کامپیوتر قرار دارد از در اتاق آزمایشگاه که داخل می شویم دور تا دور اتاق کمد و کشو قرار دارد که درون آن ها وسایل آزمایشگاه چیده شده است و در غرب این اتاق حدود ۱۰ قفسه است که زیر قفسه ها ۱۰ کشو وجود دارد در ضلع شمالی میزی در ابعاد ۱ در ۲ قرار دارد . در ضلع شرقی ۳ کمد در ابعاد اونیم در ۲ و نیم است که در آنها بسته است . در ضلع شرقی کمدی دارای ۳ کشو است که در آن ها پوشه هایی است . در کنار آن نیز ۷ چمدان پلاستیکی به رنگ قرمز وجود دارد .

اتاق کامپیوتر : این اتاق در ابعاد ۹ در ۳ است در ضلع شمالی اتاق ۷ میز کنار هم چیده شده است گویا روی میز ها یک سری کامپیوتر است که روی آنها با پارچه پوشانده شده است و روی پارچه ها خاک نشسته است و تعداد آنها نامعلوم است و اتاق سایت هنوز راه اندازی نشده است . در ضلع غربی که انتهای اتاق میشود تعداد نامعلوم صندلی آهنی تا شده قرارداد که روی آنها خاک نشسته است . در ضلع جنوبی ۵ میز است که روی یکی از میز ها یک مانیتور و روی دیگری یک قابلمه روی بزرگ است و یک سری کارتون خوراکی مثل کیک و بیسکویت که گویا برای بوفه است قرار دارد و در کنار این میز ها یک سطل زباله است .

در این مکان وسایل گرمایشی و سرمایشی به چشم نمیخورد گویا قسمتی از حیاط را با فیبر دیوار گرفته اند و اتاق کامپیوتر و آزمایشگاه درست کرده اند . وقتی من در این قسمت حضور داشتم و گزارش می نوشتم بسیار سرد شد . وقتی از خانم همتی راجع به سایت پرسیدم گفت: " اینجا قبلا پارکینگ بوده و ما به علت کمبود جا آن را به این صورت درآوردیم و اتاق سایت هنوز راه اندازی نشده است . وقتی می خواستم طبقه اول را ببینم زنگ تفریح خورد و صدای بچه ها آمد من در طبقه هم کف کنار دیوار ایستادم امروز ساندویچ پنیر و سبزی به بچه ها دادم و بچه ها از پله ها که پایین می آمدند ساندویچ می گرفتند و به حیاط می رفتند . وقتی جویای علت شدم گفتند: هر روز به خاطر محرم و صفر به بچه ها نظری می دهند و این نظری را اصولا خود مدیر و معاون و معلم ها هزینه اش را پرداخت می کنند و مادرانی از بچه ها را دیدم که برای کمک و درست کردن ساندویچ ها به مدرسه آمده بودند .

داخل حیاط رفتم و بچه ها را مشاهده می کردم که بعضی ها روی سکو های دیوار نشسته و مشغول صحبت بودند و بچه هایی دیدم که دستان خود را در جایی که دست ها را می شویند دست های خود را می شستند و فورا در جیب های خود می گذاشتند و یا با بخار دهان خود دستهایشان را گرم می کردند(شواهد ۱). وقتی راجع به سرد بودن آب از بچه ها پرسیدم، گفتند: "آره خیلی بده که آب گرم نداره واسه زمستان خیلی سرد هست و واسه وضو گرفتن خیلی مشکل داریم (شواهد ۱)." وقتی زنگ کلاس خورد بچه ها به داخل کلاس ها رفتند. من بعد از زنگ تفریح به مشاهده طبقه اول و دوم پرداختم که به شرح زیر است.

طبقه اول : همانطور که گفته شد ۱۱ پله با فاصله ۲۰ سانت از همکف که بالا برویم به پاگردی در ابعاد ۲ در ۱ میرسیم که دارای یک پنجره دوجہ دار مشرف به شمال و ساختمان های اطراف است . و در سمت غرب یک بُرد است با محتوای یکسری حدیث و جمله های روانشناسی روی کاغذ های رنگی چاپ شده است مثل : آنکس که اراده و پشت کار دارد روی شکست را نمیبیند . و روی برد است . از پاگرد تا طبقه اول ۱۰ پله با فاصله ۲۰ سانت است . طبقه اول دارای راه رویی در ابعاد اونیم در ۱۰ است که دارای ۶ اتاق است درارای یک پنجره در ضلع جنوبی است و زیر پنجره یک شوفاز است .

۳ اتاق که کلاس در است در ضلع شرقی و در ضلع غربی دو اتاق که یکی کلاس درس و دیگری اتاق تکثیر که در آن قفل است و در ضلع شمالی اتاق مربی پرورشی است که در آن نیز قفل است . در این راه رو یک جعبه حریق به دیوار است که درش بسته است و بین فاصله در های اتاق ها بُرد است با محتوای ذکر شده .

طبقه دوم : پله ها مانند طبقه اول است . در این سالن که همانند طبقه اول است اما دارای ۵ اتاق ، ۲ کلاس ، یک نمازخانه ، یک انبار و یک اتاق ورزش که در آن بسته است . در ضلع جنوبی نمازخانه است و در ضلع شمالی انبار و در ضلع غربی ۳ کلاس قرار گرفته است .

نمازخانه: جلوی در نمازخانه ۴ جاکفشی های فلزی در ابعاد ۱ در ۲ متر دارای ۶ طبقه قرار دارد در آن در ابعاد ۲ در ۳ است وارد نمازخانه که شویم در ابعاد ۵ در ۱۰ است دارای ۸ پنجره با پرده های سبز رنگ ۲ مشرف به حیاط ، دو تا مشرف به کوچه و ۴ تا مشرف به ساختمان های اطراف است .

در ضلع غربی این فضا ۶ کمد ۵ طبقه ای قرار دارد که در این قفسه ها کتابهایی برای مطالع دانش آموزان گذاشته اند در واقع کتابخانه است اطلاعاتی بر روی کمد ها نیست تا مشخص شود چه کتابهایی با چه محتوایی در کدام طبقه قرار دارد . در روبه روی این کمد ها یک میز در ابعاد ۱ در ۳ است و گرد آن ۸ صندلی است و در کنار آن ۳ میز مطالعه کنار هم چیده شده است و در کنار آن میزی دیگر در ابعاد ۱ در ۲ که اطراف آن صندلی است .

به دیوارها پرچم های یاحسین زده شده است . در ضلع غربی یک چوب لباسی ایستاده به چشم می خورد و در کنار آن یک جامه‌ری است که مهرها در آن چیده شده است و کمدهای دو در است که در آن قرآن هایی وجود دارد و سه قفسه سبز رنگ که در آن چادر نماز قرار دارد .

در ضلع جنوبی یک تلویزیون و در کنار آن یک پرده نمایش است و در کنار آن یک صندلی و یک میز که روی آن یک کپیوتر است . کلاس ها به علت حضور دانش آموزان مشاهده نشده است . (همه پنجره ها دارای نرده محافظ هستند). حدود ساعت ۱۱:۳۰ با معاون مدرسه خداحافظی کردم و از مدرسه خارج شدم امروز دیگر قرار نبود به دانشگاه برویم به خاطر همین به سمت خانه حرکت کردم.

توصیف شواهد: در تاریخ ۹۳/۸/۲۸ به مدرسه جلوه حق مراجعه کردم و به مشاهده پرداختم و با یک مورد که به نظر من مسئله است برخورد کردم:

سرد بود آب سرویس بهداشتی که دانش آموزان استفاده می کنند.

شواهد:

در سرویس دانش آموزان آب گرم وجود ندارد. شواهد ۱.

و بچه هایی دیدم که دستان خود را در جایی که دست ها را می شویند دست های خود را می شستند و فوراً در جیب های خود می گذاشتند و یا با بخار دهان خود دستهایشان را گرم می کردند. (شواهد ۱).

وقتی راجع به سرد بودن آب از بچه ها پرسیدم، گفتند: "آره خیلی بده که آب گرم نداره واسه زمستان خیلی سرد هست و واسه وضو گرفتن خیلی مشکل داریم. (شواهد ۱)

تشریح: سرد بودن آب سرویس بهداشتی دانش آموزان

بازنگری: از خانم همتی راجع به این موضوع سوال کردم که آیا این مسئله پی گیری شده یا نه؟ ایشان فرمودند: سرویس ها از موتور خانه فاصله دارد و نیاز به لوله کشی دارد و لوله کشی آن هزینه زیادی دارد اما خانم مدیر به فکر هستند.

از خانم یزدی معاون مدرسه به صورت جداگانه نیز پرسیدم: ایشان فرمودند: به علت فاصله از موتور خانه به ما مجوز ندادند که لوله کشی کنیم و گفتند خطرناک است (با تندی و عصبانیت) ما اقدام کردیم اما به ما مجوز ندادند.

نقطه کانونی: با توجه به شواهد موجود سرد بودن آب در سرویس مدارس یک مشکل می باشد و از نظر سلامت و بهداشت خطرناک است.

با توجه به بازنگری صحبت های افراد مدرسه یکی نیست (یکی می گوید هزینه بالاست و دیگری می گوید مجوز نمی دهند) پس می توان نتیجه گرفت که توجهی به این مسئله از سوی مسئولین مدرسه نمی شود.

تبیین مسئله:

اهمیت ندادن یا بی توجهی به سرد بودن آب سرویس بهداشتی دانش آموزان مدرسه جلوه حق.

گیرنده :

تنظیم کننده :

موضوع : تعاملات عاطفی

جلسه دوم کارورزی تاریخ ۹۳/۹/۱۲ (درواقع جلسه اولی که من به این مدرسه رفتم.)

آن روز وقتی به مدرسه رفتم. من به سمت اتاق مدیر رفتم و داخل اتاق مدیر شدم هنوز مدیر نیامده بود اما یک خانم دیگر در آنجا بود که مسئول کارهای اتوماسیون بود.

خانمی وارد اتاق شد و رفت که پشت میز مدیر بنشیند در حال نشستن بود دیدم با کسی که داخل راه رو است سلام می کند در حالی که می خندد و می گوید: "جای مدیریت را گرفتم چه حس خوبی دارد."

آن فرد داخل شد و سلام کرد متوجه شدم مدیر است.

آن خانم معلم ریاضی است و مشغول وارد کردن نمرات دانش آموزان است خانم ریاضی به مدیر گفت: "اگه می خواهی بنشینی بلند شوم."

مدیر گفت: "نه راحت باش من کار دارم و به یک جلسه می خواهم بروم." در همین حین هریک از همکاران از جلوی در اتاق سلام می کردند و می رفتند وسایل خود را از کمد های دبیران که در جلوی آزمایشگاه قرار دارد بر می داشتند. وسایل آنها شامل کتاب درسی مربوطه و دفتر کلاسی می باشد.

خانمی که مسئول کار اتوماسیون است به معلم ریاضی گفت: "چادر مشکی نمی خواهی."

معلم گفت: "نه قیمتش گران است."

مدیر گفت: "همه ی همکاران از این چادر خریده اند."

معلم گفت: "به نظر تو گران نیست."

مدیر گفت: "نمی دانم"

در همین حین خانمی وارد اتاق شد که بعد فهمیدم معلم ریاضی کلاسی دیگر است به خانمی که پشت میز نشسته بود گفت: "نمرات بچه ها چطور بود."

آن خانم گفت: "افتضاح خیلی هاشون تک شدند هرچه به آنها می گویم گوش نمی کنند دیگر خسته شده ام نمرات بچه های تو چطور بود."

معلم گفت: "تعریفی نداشتند."

معلم ریاضی دو به یک گفت: "چرا ماشینت را بد پارک کردی آن را جابه جا کن تا من هم ماشینم را پارک کنم." بعد راجع به تصادف شوهرش تعریف کرد و گفت: "او پشت یک پراید زده و ماشینش را داغون کرده است." (به علت کمبود فضا پارکینگ مدرسه را دیوار گرفته اند و اتاق آزمایشگاه و سایت و کمد دبیران درست کرده ان و به همین علت معلم ها ماشین های خود را در کوچه جلوی در حیاط پارک می کنند.)

بعد از اتمام حرفهای معلم ریاضی مدیر گفت: "من دیروز اداره بودم و گفتند: تا آخر آذر باید بیمه ها را عوض کنی شما هم بروید." (به یکی از معلم ها اشاره کرد) و گفت: "به خصوص تو که از جایی دیگر تازه آمده ای حتما برو."

و بعد مدیر گفت: "من می روم به جلسه"، معلم ریاضی یک گفت: "صبر کن من با ماشین تو را برسانم" (مدیر رفت و معلم ریاضی به دنبال او که او را برساند.) (آن روز بچه ها حدود نیم ساعت اول صبح را امتحان میان ترم همگانی داشتند و به خاطر همین معلم ریاضی یک که بیکار بود رفت که مدیر را برساند.)

حدود ۲۰ دقیقه گذشت معلم ریاضی یک وارد اتاق مدیر شد.

خانم همتی گفت: "چه به موقع آمدی الان باید برید سر کلاس."

آن روز به بچه ها نون، پنیر سبزی دادند وقتی زنگ تفریح خورد معاون خانم یزدی گفت: "دخترای بیاید پایین ساندویچ بگیرید."

اما کسی پایین نیامد دوباره فریاد زد و گفت: "با شما نمیشه مثل آدم صحبت کرد گفتم بیاید پایین ببینم." **شواهد ۱**

ما که در اتاق مدیر بودیم صدایش را شنیدیم و بعد از سخنان ایشان خانم همتی یک لبخنی زد و سری تکان داد.

ساعت تفریح خانم معاون را دیدم که به داخل حیاط رفت و به بچه ها نگاه میکرد. گویی برای نظارت روی بچه ها رفت تا بچه ها از او حساب ببرند و کار خلافی نکنند.

جلسه ۴ ۹۳/۹/۲۹

چهارشنبه ۹۳/۹/۲۹ ساعت ۷ صبح از منزل بیرون آمدم و به سمت مدرسه جلوه حق واقع در خیابان هلال احمر در کوچه شهید یکه تاز حرکت کردم حدود ۷:۳۰ به جلو مدرسه ذکر شده رسیدم مردی با مو و ریش های سفید جلوی مدرسه ایستاده بود و به دانش آموزان که داخل مدرسه می رفتند سلام می کرد و من بعدا متوجه شدم که سرایدار مدرسه است. (سرایدار مدرسه همیشه صبح ها جلوی در حیاط می

ایستند و حواسش هست که بچه ها با چه کسانی به مدرسه می آیند و همچنین اجازه خروج از مدرسه به آنها نمی دهد). به او سلام کردم و گفتم که برای کارورزی آمده ام.

بعد داخل حیاط رفتم در حیاط دانش آموزان بودند و به صورت گروهی بر روی سکو ها نشسته و کتاب های درسی در دستشان و برای یک دیگر درس را توضیح می دادند. من از دیدن بچه ها بسیار تعجب کردم چون هر وقت می آمدم کسی در حیاط نبود و همه سر کلاس هستند.

من در گوشه ای از حیاط جلوی پنجره معاونت ایستاده بودم (در زیر پنجره معاونت یک بنر زده اند که روی آن نوشته است خانم محبی زیارتان قبول و آمدن ایشان از کربلا را خوش آمد گفته بودند و در انتهای آن نوشته از طرف مدرسه جلوه حق) و به دانش آموزان نگاه می کردم که یکی از بچه های کلاس دینی که قبلا سر کلاس آنها رفته بودم جلو آمد و سلام کرد و من نیز به او سلام کردم در همین حین دیدم گروهی از بچه ها جلوی در حیاط تجمع کرده و هیاهو میکنند.

سرایدار که در جلوی در ایستاده با صدای بلند می گوید: "برید داخل چه خبر است."

من به در حیاط خیره شده ام و منتظرم ببینم چه شده است یک دفعه صدای بلند صلوات را شنیدم وقتی با دقت نگاه کردم دیدم خانم محبی(دبیر دینی و پرورشی و فناوری بعضی از کلاس ها می باشند). که تازه از کربلا آمده اند وارد حیاط شدند و بچه ها گرد او را گرفتند به طوری که خانم محبی دیده نمی شد حدود ۱۰ دقیقه بچه ها به تعداد حدود ۳۰ نفر گرد او بودند و با او صحبت می کردند.

من در کنار دیواری ایستاده بودم که دیدم خانم همتی وارد خیاط شدند سلام کردم و ایشان به داخل ساختمان رفتند. حدود ساعت ۷:۴۵ زنگ خورد و یکی از دانش آموزان گفت: "بچه ها برید سر صف"

اما صدایی از بلند گو آمد و گفت: "بچه ها امروز هوا سرد است برید داخل کلاس ها، برنامه صبح گاهی نداریم." (گویی خانم همتی بودند. بعدا خانم یزدی معاون مدرسه امروز مرخصی گرفته و به مدرسه نمی آید).و بچه ها بدون صف به سمت در ساختمان حرکت کردند. من هم به دنبال بچه ها داخل سالن شدم و رفتم به اتاق دبیران و سلام کردم بعد خانم محبی داخل شد. معلمی که آنجا بود خانم محبی را بغل کرد و بوسید و با او احوال پرسى کرد و به خانم محبی گفت: "چقدر بی خبر رفتید. سخت نبود."

خانم محبی گفت: "آخه معلوم نبود که بریم یا نه. خیلی خوب بود خیلی راحت بود."

شروع کرد به تعریف کردن از راه رفتن به کربلا. من منتظر بودم حرفشان تمام شود و با ایشان احوال پرسى کنم دیدم حرف هایشان تمامی ندارد و صدا زدم خانم محبی به من نگاه کرد و با من دست داد و دست من را فشرد و من از ایشان اجازه گرفتم که زود تر سر کلاس بروم.

گفت: "موردی ندارد"(غیر از آن خانم کسی دیگر در آن زمان در اتاق دبیران نبود و من چون سر کلاس رفتم رفتار دیگر دبیران را با ایشان ندیدم).

من رفتم سر کلاس هفتم، جلوی در که بودم صدای بچه ها به بیرون می آمد وارد کلاس شدم و یکی از بچه ها گفت: "برپا" بچه ها از روی نیمکت بلند شدند من گفتم بفرمایید و خود را معرفی کردم و رفتم میز آخر که خالی بود نشستم و یکی از من پرسید: "خانم محبی امتحان میگیره؟" اولش بچه ها ساکت شدند و گاهی به من و گاهی به یک دیگر نگاه می کردند و در گوشی با هم صحبت می کردند. یکی از بچه ها گفت: "خانم محبی که آمد صلوات بفرستید ضایع نکنید" دختری جلوی تخته ایستاده بود گویی نماینده کلاس بود و اسم بچه هایی که سروصدا می کردند را می نوشت.

بچه ها مشغول درس خواندن بودند و یکی از بچه ها صدا زد، در صورتی که ابرو هایش در هم بود گفت: "مختاری ساکت باش" مختاری گفت: "من که صحبت نکردم"

بچه ها جواب سوال هایی که نمی دانستند را از یک دیگر می پرسیدند. دختری که روی میز اول نشسته بود به سمت میز دوم برگشته و کتاب دختری که روی میز دوم نشسته بود را درحالی که می خندید روی زمین انداخت و دختری که روی میز دوم نشسته بود نیز با خنده تلاش کرد کتابش را به زمین بیاندازد اما موفق نشد.

خانم محبی وارد کلاس شد و بچه ها بلند شدند و صلوات فرستادند. و معلم سلام کرد و یکی از بچه ها گفت: "خانم امتحان می گیرید."

"

دیگری گفت: "خانم چون کربلا رفتید اتفاق کنید."

معلم گفت: "امتحان می گیرم یک ربع بیشتر وقت ندارید." برگه ها رو سریع پخش کرد و به بچه ها گفت: "کیف ها را وسط خود بزارید."

بچه ها گفتند: "خانم!!!!!!" و در همین حین کیف ها را روی میز وسط خود می گذاشتند.

من به عنوان مراقب بالای سر آن ها بودم و خانم محبی بیرون رفتند و ۵ دقیقه قبل از این که امتحان تمام شود خانم محبی به داخل کلاس آمد و گفت: "برگه ها را بدهید به خانم حقوقی و بعد به داخل نماز خانه بیایید." (امتحان حدود ۲۰ دقیقه طول کشید).

بعد از امتحان من برگه ها را بردم و به ایشان دادم و آمدم در اتاق مدیر دوستانم نیز آنجا بودند و مدیر نیز آمده بود بعد از سلام و احوال پرسى متوجه شدم که خانم یزدی معاون مدرسه امروز نیامده اند و علت حضور صبح بچه ها در حیاط را متوجه شدم بچه ها یک ترس

خاصی ازخانم یزدی دارند و از ایشان حساب می برند زیرا هیکل ایشان درشت است و سر بچه ها فریاد می زند به گونه ای که تن من می لرزد چه برسد به بچه ها. آن روز که ایشان نبودند بچه ها حسابی آزاد بودند. **شواهد ۱**

ساعت تفریح که خورد من به همراه دوستانم به داخل اتاق دبیران رفتم و یکی از مادر ها را در راه رو دیدم که با دبیر ادبیات راجع به دخترش صحبت می کرد و معلم در صورتی که به چهره مادر نگاه می کرد گفت: "دختر خوبی است درسش هم خوب است." و خانم معاون را دیدم که به داخل حیاط رفت و به بچه ها نگاه میکرد.

معلم ها یکی یکی وارد اتاق دبیران شدند و با لبخند سلام کردند خانم محبی گفت: سوپ امروز به خاطر این است که از کربلا آمده ام (قابلمه ای در راه رو هم کف است که در آن چندتن از مادر بعضی از بچه ها که جزء اولیا و مربیان هستند و خانم همتی مشغول پختن سوپ هستند). و معلم ها گفتند: "دست درد نکنه."

یکی از معلم ها گفت: "تاریخ امتحانات عقب افتاده است خیلی خوب شد این طوری فرصت دوره کردن با بچه ها را داریم . باید از مدیر بپرسیم که تاریخ دقیقش کی هست."

۵ دقیقه بعد خانم قشقایی مدیر مدرسه وارد اتاق شد و سلام کرد و گفت: "تاریخ امتحانات ۱۳هفتم افتاده است ساعت بعد برنامه را به شما می دهم ."

معلم ریاضی گفت: "امتحان ریاضی را اول بنذازید."

مدیر گفت: "نه ترتیبش همان برنامه قبلی است."

وقتی در اتاق نشسته بودم صدای خدمتکار مدرسه را شنیدم که به یکی از دانش آموزان گفت: خاله دکمه هات و ببند سرما می خوری، بعد از چند ثانیه گفت: حالا شد آفرین"

وقتی زنگ خورد معلم ها سر کلاس خود رفتند.

زنگ تفریح دوم به بچه ها تو کاسه های یک بار مصرف سوپ دادند. و بچه ها در حیاط مشغول خوردن سوپ شدند.

خانم همتی به من و دوستانم نیز سوپ داد و ما در حیاط مشغول خوردن شدیم چند نفر از بچه ها به ما گفتند: "خاله میشه سر کلاس ما هم بیاید." زنگ کلاس خورد اما بچه ها در حیاط بودند و خانم همتی صداداد: "بچه ها برید سر کلاس وگرنه می گم خانم یزدی بیاد."

یکی گفت: "فکر کرده ما نمیدونیم اون امروز نیست می خواد ما رو بترسونه." **شواهد ۱**

ساعت ۱۱:۳۰ فرم حضور غیاب را نزد مدیر بردیم و خانم مدیر در دفتر نبود کمی منتظر ماندیم اما نیامد رفتیم داخل اتاق دبیران به ایشان گفتم که بیاید امضا کند.

گفت: "برو فرم ها و مهر من که در کشو میزم هست را بیاور."

آوردیم و امضا زد و به من گفت: "هر ساعتی که دانشگاه برایتان تعیین کرده بگو بنویسم برای من فرقی نمیکند فقط برای شما مشکلی پیش نیاید." ما از ایشان تشکر کردیم و از مدرسه خارج شدیم.

جلسه ۵ کارورزی روز ۹۳/۱۰/۵

آن روز که من به مدرسه رفتم، با خانم یزدی معاون مدرسه رفتم که من را سر کلاس ببرد و به معلم معرفی کند به طبقه دوم که رسیدیم به داخل کلاس رفت و باصدایی بلند و ترسناک که من واقعا با شنیدن صدایش می ترسیدم گفت: "کی غایب هست." گویا داشت حضور غیاب می کرد و بعد با صدای بلند گفت: "چقدر آشغال می ریزید و کلاس را کثیف می کنید اگر بیایم و ببینم کلاس کثیف است خودتون میدونید و پدرتونو در میارم." **شواهد ۱**

(و وارد هر کلاس که می شد همینگونه رفتار می کرد. از آنجایی که بچه ها از ایشان می ترسند هیچی نمی گفتند و هیچ کدام از کلاس ها جوابی نمی دادند).

ایشان به من گفت: "هفته ای یک بار حضور غیاب را خودم انجام میدهم که بچه ها فکر نکنند همه چی الکی هست."

ساعت تفریح که خورد: معاون پشت میکروفون گفت: "دخترای گلم بدون پالتو توی حیاط نیاین هوا سرد هست." من نیز به همراه بچه ها به حیاط رفتم جلوی بوفه بچه ها صف بسته بودند و به نوبت خرید می کردند معاون پشت بلندگو گفت: "۶ نفر داوطلب می خواهم که بیاید پرچم های محرم را خانه ببرد و بشوید البته باید با دست بشویید چون با ماشین خراب می شوند." در همین حین چند تن از بچه ها را دیدم که به سمت سالن حرکت کردند گویا داوطلب این کار بودند. وقتی زنگ کلاس خورد من هم به همراه بچه ها وارد کلاس شدم و دیدم که دو نفر از بچه ها مشغول جارو کردن کلاس هستند وقتی از آنها پرسیدم مگه خدمت کار این کار را نمیکند: جواب داد: "نه ما باید خودمان تمیز کنیم و الان یک هفته است که تمیز نکردیم این همه آشغال جمع شده است." و من اسم آن دانش آموز را پرسیدم، گفت: "سعیده" و بعد با نگرانی گفت: "می خوای اسم من را به خام ایزدی بدهی" من گفتم نه بابا **شواهد ۱**

شنبه ۹۳/۱۰/۱۲

امروز برای تکمیل گزارشات به مدرسه رفتم ساعت ۹ به مدرسه رسیدم بچه ها سر کلاس بودند و درسی که امروز امتحان داشتند را تمرین می کنند و ساعت دوم امتحان می دهند.

مدرسه امروز به خاطر امامت امام مهدی آتش رشته می پخت و برخی از افراد انجمن اولیا آمده اند که غذا را آماده کنند.

در اتاق دبیران که نشسته بودیم خانم همتی گفت: "سرایدار امروز از حج می آید. آیا فردا می آید مدرسه؟"

مدیر: "نمی دانم حالا بزار بیاید."

همتی: "ساعت ۱۲ ظهر ایران می رسد."

(چون امروز آقای سرایدار نیست خانم همتی دستمال آوردند و میز صبحانه را تمیز کردند و صبحانه دبیران را آماده کردند.)

یکی از بچه ها آمد در اتاق دبیران و کج می خواست. خانم همتی گفت: "از هرکدام یکی بردار."

دختر گچ برداشت و رفت. دختر خانم همتی که آنجا بود گفت: "چرا تخته وایت برد نمی گیری؟"

مدیر: "خوشم نمی آید."

یکی از انجمن اولیا. "خوب نیست زود کثیف می شود."

خانم یزدی هنوز نیامده بود از آنجا که من و دوستانم احساس می کنیم خانم یزدی بد اخلاق هست از خانم همتی که با ما رابطه خوبی دارد پرسیدیم ایشان گفتند: "آره خانم یزدی خیلی تند برخورد می کند بعضی افراد را به اوج می رساند و بعضی ها را خیلی تحقیر می کند و حتی سال قبل دو نفر از بچه ها به خاطر خانم یزدی از این مدرسه رفتند."

زنگ تفریح خورد و بچه ها به داخل حیاط آمدند. من و دوستم در گوشه ای از حیاط نشستیم. دو نفر از بچه ها که ما را می شناختند جلو آمدند و سلام کردند. یکی از بچه هایی که در کنار ما نشسته بود

گفت: "وای بچه ها من استرس دارم."

دیگری گفت: "من دیروز از ساعت ۱۲ تا ۳ شب درس می خوندم."

و چون امروز امتحان ریاضی داشتند حفظیات ریاضی را برای یک دیگر بیان می کردند.

ساعت ۹:۳۰ زنگ کلاس خورد و صدای هیاهوی وای به گوش آمد.

خانم همتی پشت میکروفون گفت: "بچه ها کیف هاتون تو حیاط باشه یک خودکار با پوشه هاتون همراهتون باشه. حالا به صف بشید و شماره هایی که میخونم برن داخل."

شروع به خواندن شماره ها کرد و بچه ها به داخل سالن می رفتند.

حدود یک ربع از امتحان گذشت که خانم یزدی به مدرسه آمدند.

ساعت ۱۰:۳۰ یکی از بچه ها امتحانش را تحویل داده و آمد به طبقه اول که به حیاط برود.

همتی: "چرا آنقدر زود امتحان دادی؟"

یزدی: با صدای بلند "چرا آنقدر زود دادی" صدایش را بلند تر کرد و گفت: "اگر از ۱۸ کمتر بشی پوستت و می کنم." **شواهد ۱**

یکی از مادران زیر لب گفت: "خوب مراقب می خواست نگیره این بیچاره چیکار کنه."

دختر به حیاط رفت و من به دنبال او رفتم از او پرسیدم امتحان چطور بود: "آسون خیلی آسون"

با یک دیگر مشغول صحبت شدیم در بین حرفهایش گفت: "خانم یزدی خیلی بد اخلاق هست من ازش می ترسم تازه بین بچه ها فرق میذاره مثلاً یک روز من مقنعه ام یکم عقب آمده بود به من گفت: می خوای در بیارش. در صورتی که یکی دیگه موهاشو کاملاً بیرون ریخت و بهش چبزی نگفت."

تبیین مسئله:

توصیف شواهد:

۱- آن روز به بچه ها نون ، پنیر سبزی دادند وقتی زنگ تفریح خورد معاون خانم یزدی گفت: "دخترای بیاید پایین ساندویچ بگیرید."

اما کسی پایین نیامد دوباره فریاد زد و گفت: "با شما همیشه مثل آدم صحبت کرد گفتم بیاید پایین ببینم." **شواهد ۱**

۲- خانم یزدی معاون مدرسه امروز نیامده اند و علت حضور صبح بچه ها در حیاط را متوجه شدم بچه ها یک ترس خاصی از خانم یزدی دارند و از ایشان حساب می برند زیرا هیکل ایشان درشت است و سر بچه ها فریاد می زند به گونه ای که تن من می لرزد چه برسد به بچه ها. آن روز که ایشان نبودند بچه ها حسابی آزاد بودند. **شواهد ۱**

۳- "زنگ کلاس خورد اما بچه ها در حیاط بودند و خانم همتی صدازد: "بچه ها برید سر کلاس و گرنه می گم خانم یزدی بیاد."

یکی گفت: "فکر کرده ما نمیدونیم اون امروز نیست می خواد ما رو بترسونه." **شواهد ۱**

۴- آن روز که من به مدرسه رفتم، با خانم یزدی معاون مدرسه رفتم که من را سر کلاس ببرد و به معلم معرفی کند به طبقه دوم که رسیدیم به داخل کلاس رفت و با صدایی بلند و ترسناک که من واقعا با شنیدن صدایش می ترسیدم گفت: "کی غایب هست." گویا داشت حضور غیاب می کرد و بعد با صدای بلند گفت: "چقدر آشغال می ریزید و کلاس را کثیف می کنید اگر بیایم و ببینم کلاس کثیف است خودتون میدونید و پدرتونو در میارم." **شواهد ۱**

۵- "و من اسم آن دانش آموز را پرسیدم، گفت: "سعیده" و بعد با نگرانی گفت: "می خوام اسم من را به خام ایزدی بدهی"

من گفتم نه بابا(شواهد ۱)

۶- یزدی. با صدای بلند "چرا آنقدر زود دادی" صدایش را بلند تر کرد و گفت: "اگر از ۱۸ کمتر بشی پوست و می کنم." شواهد ۱

تشریح:

اخلاق بد معاون آموزشی و ترس دانش آموزان از ایشان

بازنگری:

با یک دیگر مشغول صحبت شدیم در بین حرفهایش گفت: "خانم یزدی خیلی بد اخلاق هست من ازش می ترسم تازه بین بچه ها فرق میذاره مثلاً یک روز من مقنعه ام یکم عقب آمده بود به من گفت: می خوام در بیارش. در صورتی که یکی دیگه موهاشو کاملاً بیرون ریخت و بهش چیزی نگفت."

خانم یزدی هنوز نیامده بود از آنجا که من و دوستانم احساس می کنیم خانم یزدی بد اخلاق هست از خانم همتی که با ما رابطه خوبی دارد پرسیدیم ایشان گفتند: "آره خانم یزدی خیلی تند برخورد می کند بعضی افراد را به اوج می رساند و بعضی ها را خیلی تحقیر می کند و حتی سال قبل دو نفر از بچه ها به خاطر خانم یزدی از این مدرسه رفتند."

نقطه کانونی:

با توجه به شواهد و بازنگری اخلاق معاون آموزشی این مدرسه مناسب نیست و باعث ترس دانش آموزان می شود. با این که مسئولین مدرسه چنین چیزی را می دانند در برابر این مسئله این بهانه را می آورند که اگر اخلاق ایشان این گونه نباش بچه ها حرف گوش نمی کنند.

تبیین مسئله:

بی اهمیتی نسبت به اخلاق بد و نا مناسب معاون آموزشی.

گیرنده:

تنظیم کننده:

موضوع: فرایند کلاس

روز چهارشنبه ۹۳/۹/۲۶ مثل همیشه ساعت ۷:۱۵ از خانه بیرون آمدم و به سمت مدرسه جلوه حق واقع در خیابان هلال احمر کوچه یکه تاز حرکت کردم و ساعت ۷:۳۰ به جلوی در مدرسه رسیدم و آقای سرایدار جلوی درب مدرسه ایستاده و به او سلام کردم و به داخل حیاط رفتم بچه ها داخل حیاط ایستاده بودند و هر یک مشغول کاری هستند.

خانم محبی که دبیر دینی و معلم راهنمای من و دوستانم است هفته گذشته به کربلا رفته بود و امروز قرار بود که به مدرسه بیاید حدود ساعت ۷:۴۵ زنگ خورد و چون هوا سرد است برنامه صبحگاهی برگزار نشد و بچه ها به کلاس های خود رفتند من هم از خانم همتی اجازه گرفتم که زود تر سرکلاس بروم چون قرار بود فرایند کلاس بنویسم.

موقعیت فیزیکی کلاس: این کلاس در اندازه ۴در ۵ است دارای ۳ پنجره، دو پنجره در ضلع غربی مشرف به ساختمان ها و نور گیر و یک پنجره در ضلع جنوبی مشرف به حیاط مدرسه و نور گیر در ابعاد ۲در ۵:۱۰ دو جبهه داره هستند. در کنار این پنجره برد است که روی آن برگه ای است که لغات عربی نوشته است. پنجره ها دارای پرده هایی به رنگ صورتی است.

دو ردیف نیمکت های نسبتاً نو در هر ردیف ۵ نیمکت و روی هر نیمکت ۲ دانش آموز می نشینند دو ردیف نیمکت حدود ۱:۵۰ فاصله و فضای خالی است.

تخته در ضلع شمالی قرار دارد و در شمال غربی تخته یک مقوایی در ابعاد نیم در نیم نصب شده که روی آن لغات عربی نوشته شده است و بالای آن یک ساعت دیواری است. در کنار مقوا کمدی کوچک (۱در ۲) است که روی آن لباس گرم های بچه ها روی هم به طور نامرتب قرار گرفته است. در جلوی تخته میز (ابعاد ۵۰:۸۰) و صندلی معلم وجود دارد.

در ضلع شرقی یک کمد دیواری در ابعاد ۳در ۲ است که در آن موکت تا شده و جارو طی قرار دارد. وارد کلاس شدم یکی گفت: "برپا" بچه ها از جای خود بلند شدند و من به آنها سلام کردم و اسم بچه ها را پرسیدم تا برای نوشتن به مشکل بر نخورم. بچه ها مشغول صحبت با یک دیگر بودند و یکی از بچه ها گفت: "خانم محبی که آمدصلاوات بفرستید و بگید زیارت قبول"

تا اینکه بعد از گذشت ۱۰ دقیقه معلم از در کلاس با چهره ای معمولی یعنی نه می خندید و نه عصی و ناراحت بود، وارد شد. بچه ها از جای خود بلند شدند و گفتند: "سلام علیکم خسته نباشید بفرمایید بشینید" و بعد صلاوات فرستادند اما گویی یادشان رفت بگویند زیارت قبول.

معلم فقط سلام کرد و از بچه ها راجع به این که هفته گذشته نبوده و بچه ها چیکار کردن هیچی نپرسید.
م. گفت: "خوب، عربی و انگلیسی ها رو از روی میز ها جمع کنید."
مینا گفت: "خانم ما امروز به خاطر شما درس نخوندیم" (بچه ها خندیدند).
م. (خندید و کمی مکث کرد) گفت: "آهان، (چند ثانیه مکث) بچه های کلاس دیگر را قبل از رفتن (کربلا) امتحان گرفتم امروز هم می خواهم برایشان تاریخ امتحان تعیین کنم."

ساحل پرسید: "خانم کربلا شلوغ بود؟ چند تا چمدون بردید."
م. "آره خیلی شلوغ بود. چمدون! نه بابا آنقدر شلوغ بود که نمیشد چمدون برد من یک کوله کوچیک داشتم و سبک بود."
معلم کوله مرضیه که میز اول بود و گرفت و گفت: "اوه چقدر سنگینه نه این نه، خیلی سنگینه"
محمدی (درحالی که کیفش دستش بود) گفت: "خانم این چی؟"
م. (کیف و گرفت) "اوه اوه! اینم سنگینه چی تو کیفتون میزاید یکم سبکش کنید."

(در ادامه درمورد توشه آخرت گفت) "بچه ها برای آخرت هم همینطور هست هرچه بار آدم سبک تر باشه آدم راحت تر میتونه حرکت کنه عمر آدم دکمه برگشت نداره مثل کامپیوتر نیست که بزنی برگرده مثل اینکه امروز ریاضی نخوندی و نمره ات کم میشه امروز دیگه بر نمیگرده که تو جبران کنی. گذشته که رفته، آینده ام که نیومده اما الان دردت توست تو باید بتونی حال، الانت و مدیریت کنی."
م. "خوب درس گذشته اسوه فداکاری بود الان مرور می کنیم و بعد درس جدیدو می دهم و آخر ساعت مشخص می کنم کی امتحان می گیرم."

(بچه ها کتاب های خود را باز کردند).
ساحل. "خانم، خانم آشوری جلسه قبل برای نشان دادن گرسنه و فقیر یک آدم چاق و یکی لاغر پای تخته کشید."
م. "خوب منم شمارو به دو تا گروه تقسیم کردم (درحالی که به گروه ها اشاره می کرد) یک گروه چاق یکی لاغر (خندیدو گفت) اما انگار لاغرا رشد کردن و چاق شدن." (بچه ها خندیدند).

(معلم از اولی که وارد کلاس شد کلا ایستاده در پایین کلاس بود و در حین درس دادن و صحبت کردن راه می رفت و دست های خود را تکان می داد).

(معلم شروع کرد به مرور درس گذشته در بین درس بچه های میز اول می خندیدند و معلم به آنها چند ثانیه نگاه کرد) و گفت: "ساکت میشد یا جاتونو عوض کنم."

(بچه ها ساکت شدند) معلم جنگ احد را شروع کرد به توضیح دادن و بعد به بچه ها گفت: "احد اسم یک کوه است کنار این قسمت یک کوه بکشید تا یادتون نره. (معلم به کتاب مبینا نگاه کرد در حالی که لبخند میزد) گفت: "گفتم کوه بکشید نه دره یه جوری بکشید مشخص باشه کوه هست."

بعد تیترا بعدی را تو ضیح داد و گفت: "کنار آن یک مرد سیبیلو بکشید بچه ها می خندیدند و نقاشی می کردند."

ساحل که میز سوم نشسته بود کتاب خود را بالا گرفت و گفت: "خانم خوب گشیدیم."

معلم چند ثانیه روی کتاب او خیره شد و نگاه کرد و گفت: "آره"

م. "بچه ها دیگه بسه من را نگاه کنید. به من گوش کنید."

(یکی از بچه ها سرش پایین بود و گویی نقاشی می کرد معلم به او نگاه کرد و با خنده گفت: "اخوی به من نگاه کن"

در ادامه معلم گفت: "کریلا رفتیم عربیمون خوب شده به همه چیز ال اضافه می کردیم ال غذا ال بیا" (بچه ها به آرامی می خندیدند)

(لازم به ذکر است من که در انتهای کلاس نشسته بودم صدای معلم را به خوبی می شنیدم و برایم سخنانش واضح بود.)

(معلم به مرور درس قبل ادامه داد. به قسمتی از درس که رسید.) گفت: "بچه ها این قسمت درس خیلی مهم هست با دقت گوش کنید."

فتانه گفت: "خانم اجازه ما یه سوال داریم."

م. "این جنگ ها تمام شود بعدا سوالت را بپرس." (بعد از اتمام فتانه ویا دیگر بچه ها سوال خود را تکرار نمی کردند و معلم هم هیچ

اشاره ای نمی کرد.) **شواهد ۱**

(معلم وقتی به تیترا جدید می رسید به کتاب دانش آموزی که میز اول نشسته مراجعه می کرد و حدود چند ثانیه به کتاب نگاه میکرد.)

(معلم به مبحث شکستن در خیبر توسط امام علی (ع) رسید) و گفت: "در این قسمت یک در بکشید."

(بچه ها مشغول کشیدن در شدند و معلم به کتاب آنها نگاه می کرد) و به فتانه گفت: "این که مثلث است در های جدید این شکلی

هستند." (در حالی که لبخند می زد)

(معلم کمی راجع به داعش و کارهایی که انجام می دهند صحبت کرد و راجع به فیلمی که از اسرائیل دیده است و فیلم کوتاه را برای

بچه ها تعریف کرد. این که اسرائیل بچه هایشان را از همان کودکی آموزش می دهند و طوری به آنها می گویند که بچه ها از همان کودکی

مسلمانان را دشمن خود می دانند و این که دوست دارند مسلمانان را بکشند و ترسی از جنگ ندارند.

بعد از حرف هایی که زد دستش را بر پشت وحدتی زد و با خنده گفت: "حالا این بچه جرات داره بره با داعش بجنگه." (بچه ها نیز می

خندیدند)

(یکی از بچه ها با دهان خود صدایی در آورد و بچه ها خندیدند اما معلم به او اصلا نگاه نکرد و بی تفاوت به درس خود ادامه داد.)

(یک قسمت درس یک حدیث بود که معلم به بچه ها گفت: "با صدای بلند این حدیث را بخوانیدو این یک سوال مهم و اساسی برای

امتحان است."

(و دو یا ۳ بار ردیف راست و ۳ بار ردیف چپ با صدای بلند خواندند.)

(پایان درس یک متن با عنوان الهی بود که صداقتی آن را خواند.)

(حدود نیم ساعت مرور درس گذشته طول کشید و بعد از اتمام درس گذشته) معلم گفت: "قسمتی از درس جدید را می توانم بگویم.

نوبت کیست از روی درس بخواند."

(محمدی شروع کرد به خواندن از روی درس جدید.)

ساحل پرسید: "خانم آیا پیامبر فقط یه دختر داشت."

وحدتی گفت: "خانم آره دیگه"

م. "خوب برای هفته دیگه یک تحقیق راجع به همین موضوع بیارید یک نمره دارد." **شواهد ۱**

ساحل پرسید: "خانم آیا پیامبر فقط یه دختر داشت."

در ادامه محمدی فعالیت کلاس را خواند: "چرا خدا از خشم فاطمه خشمگین و از شادی او شاد می شد؟"

ساحل. "خانم چون مقام فاطمه بالا بوده."

فتانه. "چون پیامبر اون رو خیلی دوست داشت."

آذرشب. "برای این که نماز می خواند و سرور زنان عالم است."

م. "چون فاطمه همه کارش برای خدا بوده انجام واجبات و ترک محرمات که جلسه های قبل خواندید. صرفا این که دختر پیامبر بوده که

نیست. حتی یک ذره اشتباه نمیکرده. کارنامه فاطمه(س) را که ببینیم یک ۱۹ هم ندارد. مثلا یک شاگرد زرنگ معلم میگه هرکس اینو ناراحت

کنه من و ناراحت کرده است. انقدر که پیامبر رو دوست داشته پیامبر هنگام مرگش برای این که فاطمه زیاد ناراحت نشه میگه اولین کسی که

از خانواده ما من را آن دنیا ملاقات میکنه تو هستی."

نداگفت: "خانم میگه میمیره خوش حال میشه."

م. "معلم آره برا این که اونا میدونن که میرن تو بهشت"

ساحل. "خانم اگه حضرت زهرا اولین زن بهشتی بوده پس حضرت مریم که قبل اون بوده چی؟"

م. "حضرت فاطمه در زمان خودش اولین بوده هر زن خوبی مثل آسیه در زمان خودش خوب بوده."

ساحل. "حضرت فاطمه پس فقط تو زمان خودش خوبه؟"

م. "نه دیگه خدا میگه بعد از فاطمه کسی نیست که برترین باشد یا همانند او باشد."

ساحل. "خانم یک سوال دیگه بپرسم."

م. "نه بزار درس تموم بشه بعدا هی سوال می پرسى نمیرسم درس بدم." **شواهد ۱**

م. "بعدی از روی درس بخونه"

(همینطور که هریک از بچه ها از روی درس می خواند معلم در بین درس سوال های هر قسمت را می گفت و در بعضی قسمت ها) می گفت: "این قسمت مهم است زیرش را خط بکشید."

(گاهی اوقات معلم به دانش آموزان اشاره و یا اسم او را صدا می زد و) می گفت: "تو از روی درس بخوان."

(احمدی و محمدی با یک دیگر صحبت می کردند) معلم گفت: "احمدی ساکت باش گوش کن."

(وقتی بچه ها قسمتی از درس را میخواندند معلم بعد از اتمام خواندن آن قسمت را توضیح می داد در بین توضیحاتش بود که ساحل دستش را بنا به اجازه گرفتن برای سوال پرسیدن بالا برد اما معلم به او توجهی نکرد حدود یک دقیقه دستش بالا بود و وقتی پاسخی نیافت دستش را پایین انداخت.

این جریان حدود ۳ بار تکرار شد. (شواهد ۱)

(ساعت ۱۱ زنگ خورد من و دوستانم نیز خسته شده بودیم و معلم تا قسمتی که درس داده بود را گفت.)

م. "تا صفحه ۵۰ درس دادم و جلسه آینده دو درس آخر رو امتحان میگیرم موفق باشید، یک صلوات بفرستید."

(معلم وسایلش را از روی میز برداشت و به بیرون کلاس رفت.)

برای اثبات مسئله ای که در فرایند تدریس یافتیم لازم است گزارش حضور در همین کلاس در تاریخ ۹۳/۱۰/۵ را بیان کنم. به شرح زیر می باشد:

(در روز چهار شنبه که سر کلاس رفتیم معلم هنوز نیامده بود و بچه ها هم با ما دیگر آشنا شده بودند و مشغول صحبت با آنها شدیم تا این که فتنه وارد کلاس شد) و گفت: "بچه ها خانم گفته بیاید داخل نماز خانه"

(بچه ها وسایل خود را برداشتند و یکی یکی به سمت نمازخانه رفتند. من و دوستانم نیز به دنبال آنها رفتیم.

وارد که شدیم دیدیم بچه ها در دو ردیف رو به پرده نمایش و خانم محبی نشسته اند بعد از سلام ما هم نشستیم خانم محبی قصد داشتند که چون جلسه قبل گفته بودند امتحان می گیرند اول ساعت امتحان بگیرن اما به خاطر با قرار شد آخر ساعت بگیرد.)

م. "خوب طبق حروف دفتر حضور غیاب می کنم."

(بعد از اتمام حضور غیاب)

م. "کتابچه ها که قرار بود بیاورد رو آوردید."

بچه ها. "نه"

سعیده. "خانم برم از پایین (کلاس) بیارم."

م. "نه گوش کن."

م. "از این به بعد کتابچه ها رو بیاورید. (کمی مکث) سوره بقره را که همه حفظ هستید."

بچه ها. "حفظیم؟ خانم نیستیم"

م. "نوار آیات ۱ تا ۵ سوره بقره را می گذارم گوش کنید." (معلم نور را گذاشت و نوار شروع به خواندن کرد. بچه ها زمزمه می کردند.)

م. "بار اول گوش کنید و برای بار دوم بخوانید."

(حدود ۱۵ دقیقه آیات و معنی آن خوانده شد و بعد معلم شروع کرد به درس دادن.)

م. "تا کجا درس دادم."

مینا. "تا صفحه ۵۰"

م. "تیر آن را بگو"

ساحل. "علاقه شدید به پیامبر"

م. "امینی شروع کن به خواندن"

(روش تدریس معلم مثل جلسه قبل است که در بالا ذکر کردم با این تفاوت که در این جلسه مرور درس قبل را نداشتیم به این علت که وقتش کم است و می خواهد از بچه ها امتحان بگیرد.)

(هر یک از بچه ها که قسمتی را می خواندند) معلم می گفت: "بعدی بخواند."

(در بین درس نیز یک سری توضیحات می داد. و گفت:)

م. "ما هر کاری که می‌کنیم برای خدا باید باشد و باید انفاق کنیم."

ساحل. هرچی تو خونه داریم باید انفاق کنیم."

م. "نه! مگه من گفتم هر چی داری انفاق کن."

محمدی. "خانم یه سوال."

م. "بچه ها و قتمون کمه سوال نپرسید."

(معلم به ادامه درس پرداخت و در بین درس بچه ها دست خود را بنا بر پرسیدن سوال بالا می بردند اما از سوی معلم هیچ توجهی و یا

پاسخی دیده نمی شد.) **شواهد ۱**

(حدود نیم ساعت درس دادند و بعد از درس) گفت: "آماده باشید می خواهیم امتحان بگیرم"

(ما بعد از اتمام درس تشکر کردیم و از کلاس خارج شدیم.)

تبیین مسئله:

شواهد:

فتانه گفت: "خانم اجازه ما یه سوال داریم." **۱۰**

م. "این جنگ ها تمام شود بعدا سوالت را بپرس." (بعد از اتمام فتانه ویا دیگر بچه ها سوال خود را تکرار نمی کردند و معلم هم

هیچ اشاره ای نمی کرد.) **شواهد ۱**

ساحل پرسید: "خانم آیا پیامبر فقط یه دختر داشت." **۲۰**

وحدتی گفت: "خانم آره دیگه"

م. "خوب برای هفته دیگه یک تحقیق راجع به همین موضوع بیارید یک نمره دارد." **شواهد ۱**

ساحل. "خانم یک سوال دیگه بیرسم." **۳۰**

م. "نه بزار درسم تموم بشه بعدا هی سوال می پرسی نمیرسم درس بدم." **شواهد ۱**

۴. (وقتی بچه ها قسمتی از درس را میخواندند معلم بعد از اتمام خواندن آن قسمت را توضیح می داد در بین توضیحاتش بود که

ساحل دستش را بنا به اجازه گرفتن برای سوال پرسیدن بالا برد اما معلم به او توجهی نکرد حدود یک دقیقه دستش بالا بود و وقتی

پاسخی نیافت دستش را پایین انداخت.

این جریان حدود ۳ بار تکرار شد.) **شواهد ۱**

۵. محمدی. "خانم یه سوال."

م. "بچه ها و قتمون کمه سوال نپرسید." محمدی. "خانم یه سوال."

(معلم به ادامه درس پرداخت و در بین درس بچه ها دست خود را بنا بر پرسیدن سوال بالا می بردند اما از سوی معلم هیچ توجهی

و یا پاسخی دیده نمی شد.) **شواهد ۱**

تشریح:

پاسخ ندادن به سوالات بچه ها

بازنگری:

با توجه به مسئله مورد نظر امکان پرسش وجود ندارد و من به همین دلیل به صورت مکرر در کلاس های این معلم شرکت کردم

که نمونه ای از آن را در بالا بیان نموده ام.

نقطه کانونی:

با توجه به مشاهدات و بازنگری های موجود می توان نتیجه گرفت که این معلم در فرایند تدریس خود نسبت به سوالات بچه ها

بی اهمیت و بی توجه می باشد.

تبیین مسئله:

بی اهمیتی معلم نسبت به سوالات دانش آموزان

گزارش روزانه

نام معلم:..... مشاهده گر:..... مدرسه: امام حسین دخترانه (غیرانتفاعی - دوره دوم)

پایه: پنجم کلاس: پنجم سوسن تاریخ: ۹۳/۷/۲۶ کلاس کارورز: ۳۱۰

امروز روز اول کارورزی من در ترم چهارم بود. که به همراه استاد و دوستان کارورزی ام به مدرسه امام حسین رفتیم.

به دلیل اینکه نتوانستیم به موقع به مدرسه برویم زنگ اول در کلاس حضور پیدا کنیم و در زمانیکه دانش آموزان در کلاس درس بودند ما به دفتر آموزشگاه مراجعه کردیم و سرکارخانم حمیدی از روی لیست اسامی که استاد در اختیار ایشان قرار دادند ما را به طور تصادفی به صورت گروه های دو نفره به سه پایه (چهارم، پنجم و ششم) فرستادند.

در زمانیکه در حیاط منتظر زنگ تفریح و پس از آن شروع زنگ دوم و رفتن به کلاس بودم تاحدودی به محیط فیزیکی مدرسه نظری انداختم و در این بین تعداد آبخوری ها (۱۳) و سطل زباله ها (۲) و اندازه حیاط را متوجه شدم و به نظر اینجانب تعداد آبخوری ها و محیط مدرسه برای جمعیت کافی بود ولی وجود فقط دو سطل زباله در محوطه ی بزرگ مدرسه دبستان آن هم تنها نزدیک آبخوری کافی نبود. و قابل به ذکر است که ساختمان مدرسه دو طبقه و چسبیده به ساختمان دوره ی اول بود. در این بین استاد و مدیر مدرسه نماز خانه مدرسه را به ما نشان دادند تا برای استراحت در زمان بین کلاس ها از آن استفاده کنیم.

حال به شرح وقایع اتفاق افتاده بعد از شروع زنگ دوم می پردازم:

زنگ اول: (ریاضی) که ما در کلاس حضور نداشتیم.

زنگ دوم: (خوانداری)

وقتی که زنگ کلاس خورد و معلم به کلاس رفت مدیر محترم ما را به کلاس مربوطه راهنمایی کردند. بعد از اینکه به کلاس وارد شدیم؛ دانش آموزان به نشانه ی احترام بلند شدند و صلواتی ختم نمودند. پس از آنکه به معلم و دانش آموزان سلام کردیم در گوشه ای از جلوی کلاس ایستادیم و معلم یکی از دانش آموزان را فرستاد تا دو صندلی برای ما بیاورد و او هم اینکار را کرد و ما روی صندلی نشستیم. (در کلاس علاوه بر معلم پشتیبان هم حضور داشت که برنامه ی کلاسی را از او گرفتیم). معلم کار خود را شروع کرده بود و یکی از دانش آموزان در حال خواندن درس بود (سرودی برای پاکی) بود؛ او درس را می خواند و معلم پس از اعلام اینکه کافی است چند سوال از دانش آموز می پرسید. سوال ها گهگاه از خود همان درس و گاهها از دروس قبلی بود. همین طور به کار خود ادامه دادند و دانش آموزان مختلف درس را خواندند و معلم از آن ها سوال می کرد. و در این بین خود او هم توضیحاتی را اضافه میکرد. این زنگ به همین منوال ادامه یافت. و در پایان معلم از دانش آموزان خواست تا برای زنگ بعد به صورت گروهی بنشینند و وسایلی که از قبل به آنها گفته بود را آماده کنند.

زنگ تفریح:

در این زنگ تفریح ما به نماز خانه رفتیم و جمعی از بقیه ی دانشجو معلمان هم به آنجا آمدند و یک سینی چای که آنجا بود و ما شروع به خوردن چای کردیم و کمی صحبت کردیم و بعد چادر و کیفمان را گذاشتیم و به کلاس رفتیم.

زنگ سوم: علوم

در این زنگ دانش آموزان به صورت گروهی نشسته و برای انجام آزمایش آماده شده بودند. معلم پس از ورو گروه ها را چک کرد و به آنها توضیح داد که قرار است آزمایش هایی درباره ی تغییرات فیزیکی و شیمیایی مواد انجام دهیم و شما باید از تمام آزمایش ها گزارش بنویسید و در آن تمام مراحل آزمایش را توضیح دهید و نام گروه، اعضای گروه و زنگ کلاس، ساعت و تاریخ را قید کنید.

بعد از آن آزمایش اول (خرد کردن کاغذ) را شخصا انجام داد و سپس از دانش آموزان خواست که در گروه های خود این کار را انجام دهند و نتیجه گیری کنند. و به تمام گروه ها مراجعه میکرد و توضیحات لازم را ارائه میداد و اگر دانش آموزان سوالی داشتند به آن پاسخ میداد. من و هم گروهی ام از معلم خواستیم که در کنار گروه ها باشیم و ایشان موافقت کردند و هر یک از ما به یک گروه رفتیم البته به تمام چهار گروه سر میزدیم اما من بیشتر در کنار یک گروه مادم تا روند تقریبا کامل کارشان را ببینم. البته یکی از گروه ها فضای کافی برای نشستن نداشتند و معلم از آنها خواست تا از نیمکت های خالی در طرف دیگر کلاس استفاده کنند و آنها اینکار را انجام دادند و مشکل رفع شد. در این زنگ سه آزمایش مختلف انجام شد و دانش آموزان با راهنمایی معلم نتیجه گیری میکردند و معلم اطلاعات اضافه اما مرتبط با موضوع به دانش آموزان میداد تا آنها را علاقه مند تر کند؛ و در کار خود موفق هم بود چون بچه ها بسیار مشتاق و هیجان زده بودند و هر آزمایش را بارها انجام میدادند. البته گزارش های خواسته شده را هم تکمیل میکردند و گروهی که من بیشتر همراهشان بودم در انتخاب نام برای گروهشان به توافق نمی رسیدند ولی در نهایت با کمک من که چند اسم پیشنهاد دادم آنها اسمی بر همان وزن ها (نه اسامی بیان شده توسط من) برای گروهشان انتخاب کردند و ان هم این بود: دانشمندان کوچک* و همه به تفاهم رسیدند.

بعد از اینکه آزمایش ها تمام شد معلم از دانش آموزان خواست که دست های خود را بشویند و وسایل را جمع و مرتب کنند. پس از اینکه اینکارها انجام شد و همه نیمکت ها را به حالت اول برگرداندند (البته من و هم گروهی ام به آنها کمک کردیم) معلم شروع به جمع بندی و پرسیدن سوال از دانش آموزان کرد مثلاً چون موضوع در باره ی تغییرات مواد بود او واکنش های مختلفی را نام می برد و از دانش آموزان می خواست تا نوع ان را مشخص کنند. و کلاس به پایان رسید.

زنگ تفریح:

این زنگ تفریح به داخل حیاط رفتن و کمی در محوطه قدم زدن و به دانش آموزان دقت کردم که در گروه های ۴ تا ۵ نفره بازی میکردند و عده ای هم در سکو های کنار دیوار میشستند. در حیاط با دو تا از دانش آموزان کلاس صحبت کردم و اسم آن ها را پرسیدم (نگار و مینا). من سری هم به سرویس بهداشتی ها زدم و وضعیت به نظر مطلوبی داشت بعد زنگ کلاس خورد و به کلاس برگشتم.

زنگ چهارم: تاریخ

در این زنگ معلم ابتدا شروع به مرور درس قبل کرد و در همین حین یکی از دانش آموزان از معلم خواست درس را بطور کامل دوباره تدریس کند چون این دانش آموز جلسه ی قبل بدلیل رفتن به مسافرت در کلاس حضور نداشته است. و معلم قبول کرد ابتدا خلاصه ی درس را بطور کتبی و نموداری روی تخته سیاه نوشت و از دانش آموزان هم با سوال کردن کمک میگرفت. این درس راجع به پیامبر اکرم و هجرت ایشان بود. معلم پس از اتمام مرور و تدریس تقریباً مجدداً از دانش آموزی خواست تا درس را از رو بخواند و پس از خواندن چند خط از او سوال میکرد و به همین ترتیب نقرات بعدی....

معلم اطلاعات اطلاعات تکمیل کننده ای را در اختیار بچه ها قرار میداد و هنگامی که از مکه صحبت میکرد یکی از دانش آموزان گفت که به مکه رفته است (امیر آبادی زاده) و معلم از او خواست تا به جلوی کلاس بیاید و مطالبی را برای بقیه توضیح دهد و یکی دیگر از دانش آموزان هم به مکه رفته بود و مطالبی را به بقیه ارائه داد. در این زنگ کتاب کارهایی هم برای دانش آموزان آوردند و من در تقسیم کتاب ها به معلم کمک کردم. در این زنگ تنها خانم پروینی از ما پرسید که سال چندیم و اهل کجا هستیم.

زنگ تفریح:

این زنگ تفریح ما لیست اسامی را که از معلم گرفته بودیم برای خود یادداشت کردیم. و یک جای دیگر خوردیم.

زنگ پنجم: انشاء

در این زنگ فقط دانش آموزان به خواندن اشا هایشان پرداختند و موضوع انشا این بود: علم بهتر است یا ثروت. تمام دانش آموزان نوشته بودند ثروت با این تفاوت که بعضی ها ذکر کرده بودند که ثروت هم در کنار علم خوب است. و معلم که این روند را دید شروع به ارائه مطالب در مدح ثروت کرد و مطالب زیبایی ارائه داد که نیاز و اهمیت ثروت را بیان میکرد تا دانش آموزان تک بعدی به این مسئله فکر نکنند. بعضی از دانش آموزان در جلسه قبل انشاء هایشان را خوانده بودند پس آنهایی که نخوانده بودند این جلسه اینکار را کردند و معلم تکلیفشان را امضا کرد. بعضی از بچه ها خیلی کوتاه نویسی کرده بودند و معلم به آنها تذکر میداد تا اینکار را نکنند و آنرا اصلاح کنند. در این بین دانش آموزی که قید کردم جلسه ی قبل حضور نداشته در همین زنگ انشاء خود را مینوشت. در پایان معلم برای جلسه بعد موضوع جدیدی را مطرح کرد. و در لحظات آخر کلاس تکلیف شب و تکالیف ریاضی را به صورت شفاهی اعلام کرد و روی تخته هم بصورت کتبی نوشت تا همه ببینند.

در تمام زنگ ها معلم از یکی از دانش آموزان سوال میکرد و معلوم بود که او دانش آموز ضعیف تری است چون معلم لفظاً هم کلماتی را به زبان می آورد که حاکی از این مسئله بود. این دانش آموز برنجی بود. باید قید کنم که معلم تمام دانش آموزان را به فامیل صدا میکرد فقط یکبار گفت خانم نیلوفر!!!

من و هم گروهی ام لیست دانش آموزان را از معلم گرفتیم و یادداشت نمودیم اما بدلیل اینکه جلسه اول بود به شناخت کامل نرسیدم و نتوانستم در این گزارش نام دانش آموزان را قید کنم. شماره همراه خانم پروینی را هم از ایشان گرفتیم و شماره خود را به ایشان دادیم.*

در پایان از خانم پروینی تشکر کردیم و ایشان برایمان آرزوی موفقیت کردند و ما با خداحافظی از دانش آموزان از کلاس خارج شدیم و پس از برداشتن چادر و کیفمان از نماز خانه پیاده به دانشگاه برگشتیم.

برنامه روز شنبه:

ریاضی خوانداری علوم انشاء مطالعات اجتماعی

در این روز معلم جای کلاس انشاء و مطالعات اجتماعی (تاریخ) را با هم عوض کرد.

اسامی دانش آموزان:

مینا ابراهیم زاده
 مائده امیر آبادی زاد
 نگین برفی شوکت آباد
 راضیه برنجی شوکت آباد
 آیدا تهوری
 سیده آیدا حسینی
 غزل خسروی
 نیلوفر خسروی
 فاطمه خسروی هندوالان
 نازنین دزگی
 نگار دوستی
 مهدیه راستی
 نازنین زیوری
 مهلا شاخنی
 کوثر شهریاری زاده
 فائزه سادات علوی
 مهدیس مهرانفر
 نگار سادات نطقی مقدم
 مژده هادیان

از این به بعد در گزارش های روزانه خود بجای استفاده کردن نام دانش آموز از شماره هایی که در لیست به آن ها اختصاص داده شده است ،استفاده میکنم تا کسی بجز من و شما و کسی که این کدها را داد، نتواند برداشتی از این گزارشات به عمل آورد.

پایان
 با تشکر

نمونه بازخوردهای استاد راهنما

توصیه های گزارش ۱

گزارش ۱ در واقع روایت اولین روز کارورزی است لطفا از لحظه ورود به دانشگاه تا خروج از مدرسه را کامل گزارش دهید.
 عنوان گزارش ۱: روایت اولین روز کارورزی یا مشاهده آزاد
 لطفا از خط نازنین یا زر ۱۴ استفاده کنید.

بالای گزارش یا روی یک برگ عنوان مشخصات را کامل بنویسید
 نقل قولهای معلم و بچه ها را با علائم مخصوص نقل قول نویسی مشخص کنید.
 لطفا ابتدای گزارش هر ساعت عنوان درس را بنویسید.
 لطفا فقط از داخل کلاس گزارش بنویسید.
 سعی کنید از علائم نگارشی بطور مناسب استفاده نمایید .
 لطفا متن را پاراگراف بندی نمایید .
 بخشهای مختلف گزارش را جهت تسهیل مطالعه عنوان بندی نمایید.

(صفحه عنوان کجاست؟)

به نام خدا

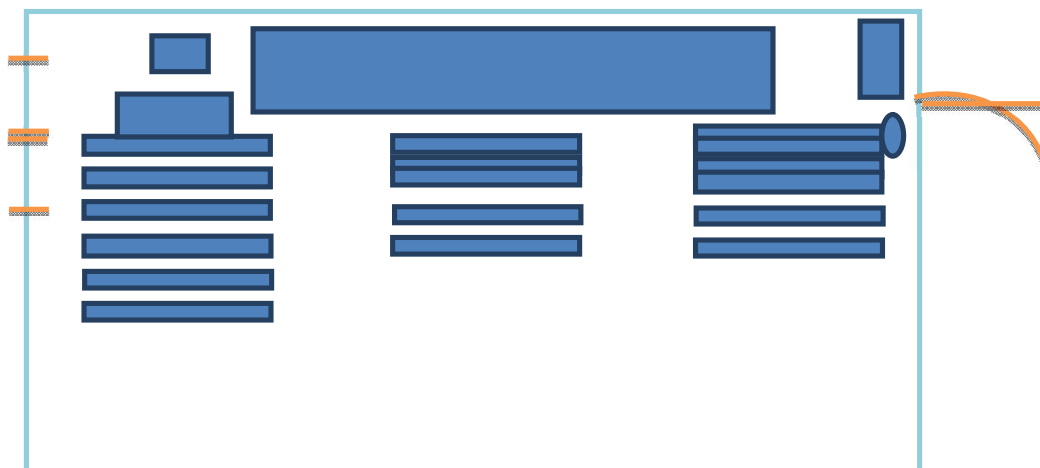
مطالعه موقعیت

مشاهده گر:تاریخ: ۱۳۹۳/۹/۲

ابتدا توضیحی در مورد فضای فیزیکی کلاس ارائه می دهیم سپس به نوشتن مراحل بعدی گزارش می پردازیم.

فضای فیزیکی کلاس:

اگر زاویه دید را ته کلاس در نظر بگیریم یعنی در نظر بگیریم که من در ته کلاس ایستاده ام شرح محیط فیزیکی به قرار زیر است. در پشت سر من یک تابلوی بزرگ که مربوط به امتیازات دانش آموزان است قرار داشت و روی آن عکس تمام دانش آموزان و امتیازات آنان قرار داشت. بالای این شومیز یک ساعت نصب شده بود. در دیوار سمت چپ من دو پنجره نسبتاً بزرگ قرار داشت که روی آن پنجره که به جلوی کلاس نزدیک تر بود یک چادر مشکی نصب شده بود. در جلوی کلاس و سمت چپ، میز و صندلی معلم قرار داشت که روی آن هم وسایلی که معلم برای تدریس استفاده کرد مثل: (چراغ مطالعه، توپ، کره زمین، چراغ قوه و...) بود. در وسط و جلوی کلاس هم یک تخته سیاه قرار داشت و در سمت راست یک کمد وجود داشت که در داخل آن یک سری مقوا و کاغذ و کارپوشه وجود داشت. در کنار آن در کلاس قرار داشت و کنار در یک سطل زباله قرار داده شده بود. نیمکت های بچه ها در سه ستون که دو ستون کناری شش نیمکت و ستون وسط پنج نیمکت قرار داشت و روی هر نیمکت هم دو دانش آموز نشسته بود پس تعداد کل دانش آموزان ۳۴ ن بود. شمای کلی کلاس بصورت زیر است.

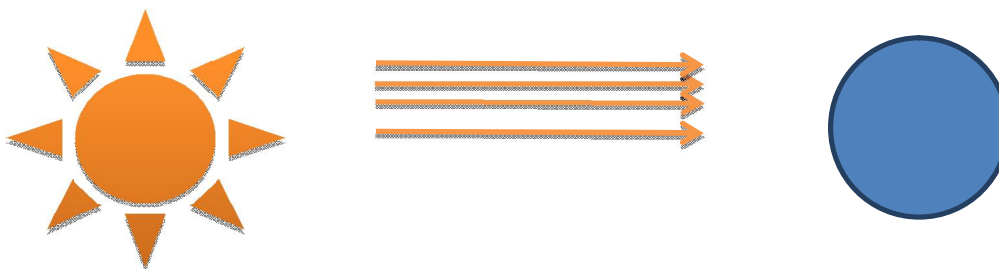


شرح فیلم:

ابتدا کلاس را با نام خدا آغاز کرد و گفت امروز زنگ اول روز یکشنبه و علوم داریم. سر حال و قیفاق نشستیم و می خواهیم درسمان را شروع کنیم. او گفت: بچه ها بگویید ببینم درس قبل درباره چه بود؟ بچه ها همه با هم و بلند گفتند "هوا" بعد معلم پرسید که چه چیزهایی هوا را آلوده می کرد؟ دانش آموزان پاسخ هایی دادند که شنیدن آن برای من پس از حتی چندین بار گوش دادن به فیلم امکان پذیر نبود؛ زیرا صدا واضح نبود. اما معلم در پایان سخنان آنان گفت بله زیاله هایی که بیرون می ریزیم. سوال بعدی او این بود که پرسید برای تمیز موندن محیط زیستی که در آن زندگی می کنیم باید چه کارهایی انجام دهیم؟ بعد گفت دست بلند کنید بچه ها دست بلند کردند و معلم گفت زینب تو بگو. زینب هم به معلم پاسخ داد ولی شنیدن یکی از پاسخ های او برای من میسر نبود ولی دومین پاسخ زینب این بود که گفت زیاله ها را بیرون نریزیم. بعد معلم او را با گفتن کلمه آفرین تشویق کرد و افزود این ها درباره درس قبل بود، حالا که فک می کنیم درس را یاد گرفته اید می خواهیم درس جدید را شروع کنیم.

معلم گفت حالا بچه ها من می خوام یک آزمایش انجام بدم که مثل یک بازی هست. خوب نگاه کنید و بعد نتیجه رو بهم بگید. معلم به پشت میز خود رفت تا آزمایش را شروع کند. در این هنگام کمد کلاس که کنار در بود نشان داده شد و خانمی که در طول زمان کلاس کنار در ایستاده بود برای چند لحظه بیرون رفت و وقتی که آمدن ایشان به کلاس نشان داده شد؛ من متوجه شدم که یکی از دانش آموزان تازه وارد کلاس شده بود چون کوله پشتی اش هنوز بردوشش بود و می خواست روی نیمکت خود بنشیند. معلم آزمایش را این گونه آغاز کرد: ایشان گفت بچه ها این جا یک چراغ مطالعه می بینید؛ من یک توپ رو با یک کش بستم و جلوی چراغ مطالعه می گیرم. خب بچه ها نگاه کنید و جواب بدهید. چه مقدار از توپ روشنه؟ بچه ها گفتند نصف بعد معلم گفت آفرین نصف توپ روشنه و نصف دیگر تاریکه بچه ها هم بلند گفتند تاریکه چند تا از بچه ها گفتند خاموشه و معلم گفت بله نصف دیگر تاریکه و بقول شما خاموشه. معلم پرسید بچه ها چرا نصفی از توپ که به سمت چراغ است روشنه؟ بچه ها پاسخ دادند که چون نور چراغ مطالعه به آن می خورد. بلافاصله معلم گفت خب بچه ها به نقاشی که پای تابلو کشیدم نگاه کنید. چه چیزی می بینید؟ البته معلم با دست به هر قسمت نقاشی اشاره می کرد و بچه ها اسم آن را می گفتند مثلاً معلم یک خورشید و زمین پای تابلو کشیده بود و بچه ها گفتند خورشید و زمین.

زمین



خورشید

معلم توضیحات خود را آغاز کرد و گفت: زمین مثل توپ است گرد گرد. زمینی که ما در آن زندگی می کنیم گرد است و به آرامی حرکت می کند و ثابت نیست ولی ما احساس نمی کنیم همه این ها قدرت چه کسی را نشان می دهد؟ بچه ها بلند گفتند خدا و معلم هم گفت بله همه این ها قدرت خدا را نشان می دهد. خب معلم توضیح می داد که این خورشید (منظور خورشید کشیده شده پای تابلو) تمام نورش را به زمین می تابد. وقتی کره زمین نور خورشید به او می تابد..... (معلم مکثی کرد و جمله اش را تغییر داد). معلم گفت وقتی خورشید نورش را به زمین می تابد فقط نیمی از زمین روشن و نصف دیگر تاریکه و شبه همون شبی که ما توش استراحت می کنیم، می خوابیم. همه این ها رو خدا آفریده. پس نیمی از زمین که نور به آن می تابد روشن و روز و نصف دیگر تاریک شبه. دوباره پس از چندین بار توضیح مکرر توسط خود معلم ایشان دوباره سراغ وسایل روی میز رفت و کره زمین و چراغ قوه را برداشت و شروع به توضیح دوباره کرد در تمام طول مدت تدریس معلم، دانش آموزان شنونده محض بودند و فقط به سوالات معلم که آن هم بخشی از روش تدریس سخنرانی او بود جواب می دادند. معلم آزمایش با چراغ قوه و کره زمین را این گونه انجام داد: بچه ها همه توی خونه چراغ قوه دارید؟ بچه ها گفتند بله. خب همه هر چیز گردی مثل توپ، نارنگی، هندونه رو توی خونه جلوی نور چراغ

قوه می گیرید روی هندونه، یا توپ یا هر چیز گردی. این کار را باید در خانه انجام بدید و جوابو برام بیارید. یک قسمت از پرتقال که روشن می خواهیم ببینیم اون قسمتی که روشن رو می تونیم زیاد یا کم کنیم. او هم چنین گفت که چون الان انجام ندادید نمی تونید جواب بدید باید این کار رو انجام بدید؛ یک کار در منزله. امروز که رفتید خونه انجامش بدید با یک توپ، هندونه، نارنگی یا هر چیز گردی.

الان نگاه کنید. بچه ها الان این چراغ قوه مثل خورشیده درسته؟ بچه ها گفتند بله. خب حالا کره زمین رو جلوش می گیرم؛ خب نور خورشید به نصف زمین که می تابه روشن و روزه و نصف دیگر تاریکه و شبه. البته از بچه ها پرسید که آیا از این فاصله نور چراغ قوه را می بیند و بچه ها گفتند بله. خب بچه ها این کار رو توی خونه انجام بدید و جوابشو برام بیارید ببینم می شه قسمت تاریک و روشن ایجاد کرد؟ (سوال این بود آیا می شه ناحیه روشن رو کوچک و بزرگ کرد؟)

بعد معلم از پنج تا از دانش آموزان خواست تا برای اجرای یک بازی به جلوی کلاس بیایند او زینب، محدثه، نرگس، یگانه و نفر پنجم که اسم او را با تلاش فراوان هم نتوانستم بشنوم. این افراد از پیش انتخاب شده بودند زیرا معلم بدون اینکه روند بازی را توضیح دهد آن ها توانستند بازی را اجرا کنند. این دانش آموزان به جلوی کلاس آمدند و معلم از یگانه خواست تا نقش خورشید را اجرا کند و نقابی از مقوا که به شکل خورشید درست کرده بود به او داد تا جلوی صورت خود بگیرد. ۴ نفر دیگر هم نقش زمین را داشتند و معلم خواست تا دست های یکدیگر را بگیرند و بصورت دایره وار بایستند و بعد گفت منظم تر و گرد تر چون زمین گرد است. بعد معلم گفت اسم این بازی "شب و روز" و از این پنج نفر خواست تا بازی را شروع کنند. ۴ نفری که دست هم دیگر را گرفته بودند شروع به چرخیدن آهسته کردند و هر کدام که رو به روی خورشید قرار می گرفت می ایستادند و می گفت من روز هستم و شخصی که دقیقا پشت به خورشید بود می گفت من شب هستم و به همین طریق بازی را ادامه دادند. معلم از دانش آموزی که گفت من روز هستم پرسید چرا روزی؟ چرا روز هستی؟ او پاسخ داد چون جلوی خورشید هستم. بعد معلم گفت این ۴ نفر که نقش زمین را داشتند مثل زمین در حال چرخش بودند و آن دانش آموزی که نقش خورشید را داشت، هر کس که جلوی او بود، روز بود و کسی که پشت به خورشید بود شب بود. معلم افزود که این بازی رو توی خونه با داداش، خواهرت و یا دوستان بازی کنی. بعد معلم گفت بچه ها خوشتون اومد از بازی امروز؟ بچه ها گفتند بله. دوباره معلم گفت پس زمین می چرخد و از چرخش زمین به دور خودش روز و شب به وجود میاد. خب حالا که درس رو متوجه شدید کتاب های علومتون رو باز کنید.

تشریح: (اینجا باید روی اصل تدریس متمرکز می شدید و دایره مشاهده رو محدود می کردین)

معلم از همان ابتدای تدریس شروع به سخنرانی کرد و متکلم وحده بود ایشان فقط گهگاهی از دانش آموزان سوالاتی می پرسید تا دانش آموزان مشارکت کنند که این هم بخشی از همان روش سخنرانی است. یعنی عملا معلم از روش معلم محور استفاده کرد که برای درس علوم و بچه های کلاس دوم دبستان که علاقه و توانایی نشستن و گوش دادن مداوم به مطالب تکراری ندارند، مناسب نبود. حتی در اجرای بازی بچه ها فعالیت خاصی انجام ندادند و حتی نتیجه گیری و توضیح دوباره توسط معلم ارائه شد؛ یعنی تکرار پشت تکرار. من در روند توصیف علاوه بر فضای فیزیکی و موارد دیگر به طور کامل تدریس معلم را توضیح دادم. (در این بخش نقد انجام نمی شود. توضیح تدریس باید به این بخش منتقل شود.)

بازنگری:

تکنیک شش کلاه:

کلاه سیاه: به نظرم معلم تجربه کافی نداشت. چون نتوانست درس را به خوبی ارائه دهد. او در تدریس خیلی عجله داشت و موضوع ها را پشت سرهم ارائه می داد. (مگه غیر از شب و روز موضوع دیگری هم مطرح شد؟) فکر کنم استرس داشت و نمی توانست احساسات خود را کنترل کند. (بر چه اساسی چنین نتیجه گرفتید؟) خیلی معلم محور کارکرد و اصلا در تدریس موفق نبود (از کجا متوجه شدین؟) یعنی هر چند بچه ها ابراز داشتند که درس را فهمیده اند اما معلم با اینکه سعی داشت روش تدریس جالبی داشته باشد اما نتوانست بچه ها را درگیر کند.

کلاه سبز: بهتر بود معلم به جای این که آزمایش توسط بچه ها را بعنوان تمرین در خانه در نظر بگیرد؛ چند عدد نارنگی یا وسیله گرد و چراغ قوه به کلاس بیاورد یا از دانش آموزان بخواهد که این وسایل را به کلاس بیاورند تا خودشان بصورت گروه های ۲ یا ۴ نفره این آزمایش را همان موقع در کلاس انجام دهند و مطلب را بهتر بفهمند و هر وقت بچه ها کاری را بصورت عملی انجام دهند ثبات مطلب در ذهنشان بیشتر می شود. بهتر بود معلم بجای روش تدریس سخنرانی محض از این روش تدریس همراه با روش تدریس نمایش

علمی استفاده می کرد. یعنی همان طور که آزمایش را انجام می داد و مراحل آن را توضیح می داد وسایل لازم را در اختیار گروه ها قرار می داد تا آن ها هم آزمایش را مرحله به مرحله انجام می دادند و دیگر نیاز نبود معلم این همه درس را تکرار کند. تکنیک اسکمپر:

جایگزینی: معلم می توانست به جای این که تنها خودش آزمایش را انجام دهد از بچه ها بخواهد که این کار را انجام دهند. کوچک سازی و حذف: نیاز نبود پس از انجام آزمایش توسط معلم با توپ و چراغ مطالعه ایشان این کار را دوباره با چراغ قوه و کره انجام دهد. چون واقعا درس را چندین بار تکرار کرد و کسل آور بود. ترکیب: می توانست برای جذابیت کلاس روش تدریس سخنرانی را به همراه روش نمایش علمی استفاده کند. (روش تدریس معلم ، نمایش و ایفای نقش بود .نه سخنرانی) نقطه کانونی:

من موضوع اصلی و کانون مشاهداتم را روش تدریس معلم و نحوه اجرای روش تدریس معلم و نحوه اجرای روش تدریس او انتخاب کردم زیرا پس از چندین بار مشاهده فیلم متوجه شدم که روش تدریس از عوامل دیگر مهمتر است. وقتی دقیق تر به این موضوع توجه کردم متوجه شدم که معلم از روش تدریس سخنرانی استفاده می کرد و وسایل کمک آموزشی هم برای تثبیت مطلب استفاده کرد. اما (این مطالب اضافی است) روش او مناسب نبود زیرا بسیار معلم محور بود و دانش آموزان در روند مسئله مشارکت نداشتند. فقط چند سوال که آن هم جزء روش تدریس سخنرانی است از دانش آموزان پرسید و بچه ها هم جواب دادند. البته یک بازی هم توسط بچه ها اجرا شد که در آن هم معلم بیشتر دخالت داشت یعنی توضیح و نتیجه گیری به عهده ی او بود. می توانست از روش نمایش علمی استفاده کند. روش تدریس معلم محور برای درس علوم و بچه های کلاس دوم که سن کمی دارند مناسب نیست و معلم می توانست از روش نمایش علمی استفاده کند؛ زیرا این درس قابلیت اجرا به این روش را داشت. استفاده از روش های کودک محور باعث ایجاد انگیزه و یادگیری بهتر می شود . به نظر من معلم توانایی انتخاب روش تدریس مناسب را ندارد.

تبیین مسئله:

استدلال استقرایی:

با توجه به مشاهداتی که در طول گزارش ذکر کردم و چند نمونه که دوباره قید می کنم؛ به این نتیجه رسیدم که معلم روش تدریس معلم محور(سخنرانی) استفاده کرد که مناسب این درس و بچه های این گروه سنی نبود. آزمایش را خودش انجام داد.

درس را چندین بار تکرار کرد و توضیح داد.

بچه ها را در تدریس مشارکت نداد.

بازی را خیلی سریع و کوتاه انجام دادندولی باز توضیح معلم ارائه شد.

کار عملی به انجام در خانه موکول شد.

و این که می گویم این روش مناسب نبود از این جهت است که؛ کودکان کلاس دوم ابتدایی علاقه زیادی به گوش دادن طولانی ندارند بخصوص اگر مطالب تکراری باشد. آن ها به کار عملی علاقه زیادی دارند. پس باز هم تاکید و تکرار می کنم که بهتر بود معلم از روش بهتری مثل نمایش علمی در کنار سخنرانی استفاده می کرد.(فقط شواهد ذکر شود)

بازخورد

مشاهدات خیلی دقیق گزارش شده سپاسگزارم.

گزارش باید صفحه عنوان داشته باشد.

عناوین را با فونت تیترو اندازه ۱۶ یا ۱۸ تایپ کنید.به زمان تدریس اشاره نشده است .

درسته در کلاه سیاه بدبینانه اظهار نظر می کنیم اما باید قضاوت ما منبایی داشته باشد

در توصیف و تشریح گزارش مشاهدات ارائه شود.نه نقد

مدت زمان تدریس گزارش نشده بود.

در روش تدریس نمایشی معلم به ارائه توضیح همزمان با نمایش می پردازد این بخشی از روش تدریس نمایشی است .نه روش سخنرانی)

بهتر بود در مقابل کلاه سیاه دیدگاه کلاه زرد هم نوشته می شد.

در بخش تبیین مسئله یا استدلال بهتر بود شواهد بیشتری ذکر می شد.

بازخورد کلی گزارش ۲

باسلام و تشکر از دقت نظر دانشجویان عزیز

در گزارش مشاهدات کلاسی موارد ذیل رعایت گردد:

نظم، ترتیب و زیبایی ظاهری (فونت مناسب، پاراگراف بندی، عنوان نویسی)

نگارش ادبی و ویراستاری

گزارش نویسی بصورت تفصیلی

مسئله شناسی فرایند آموزش و تعاملات کلاسی (یافتن مشکلات آموزشی یا تعاملی)

نقد و بررسی موقعیتهای: برای افزایش دقت در مشاهدات و نقد موقعیتهای می توانید بر اساس فرمهای مشاهدات و گویه های هر فرم عمل کنید. مثلاً در عنوان نقد سازماندهی، گویه های فرم شماره ۱ را بررسی کنید. یا در نقد محتوی به گویه های فرم شماره ۴ مراجعه کنید یا می توانید براساس فعالیتهای قبل از تدریس (آمادگی، بررسی تکالیف، سنجش آغازین، ایجاد انگیزه) زمان تدریس (روش تدریس، چگونگی تدریس از نظر وضوح، محتوی، تعامل، تسلط و....، ارزشیابی تکوینی) و فعالیتهای پس از تدریس (ارزشیابی پایانی و تکلیف، معرفی منابع بیشتر مطالعه و معرفی درس جدید) نقد و بررسی انجام دهید. در بخش ارزشیابی به نقد نوع سوالات از نظر همخوانی با اهداف و سطح هدف، نحوه انجام ارزشیابی (کتبی یا شفاهی، فردی یا گروهی، تستی یا تشریحی یا.... و نحوه بازخورد و تشویق یا....) پردازید. و در بخش تعاملی به بررسی نحوه برخورد معلم با دانش آموزان پردازید. ارائه پیشنهاد براساس متون علمی: با مراجعه به منابع معتبر از قبیل کتب مختلف روانشناسی تربیتی، روانشناسی یادگیری، روشها و فنون تدریس و تغییر رفتار یا پژوهشهای قبلی، راه حل پیشنهاد دهید. تمام نقدها باید بر اساس مستندات و شواهد موجود در گزارش باشد.

بازخورد کلی تمرین

همه مشخصات گزارش در صفحه عنوان بصورت وسط چین نوشته شود. (صفحه عنوان در گزارش تمرین خانم ذوالفقاری را ملاحظه کنید)

لطفاً به نظم و زیبایی گزارش و پاراگراف بندی توجه نمایید.

از خط نازنین یا زر با اندازه ۱۴ استفاده کنید.

هر پاراگراف را Justify کنید. تا پاراگرافها منظم باشد.

در توصیف به نقد پردازید.

مدت زمان تدریس را گزارش دهید.

در تشریح موقعیت، دامنه مشاهده را به موضوع اصلی محدود نمایید.

در بازنگری (شش کلاه یا اسکمپر) همان موضوع اصلی که در تشریح (مرحله ۲) بیان شده مورد بازنگری قرار گیرد نه مسائل جانبی.

در تبیین باید از شیوه قیاسی یا استقرایی به استدلال برای وجود مسئله پردازید. بنابراین شواهد باید ارائه شود.

شیوه تدریس نمایشی بود نه سخنرانی همانطور که می دانید در شیوه نمایشی معلم به ارائه توضیح نیز می پردازد. که این توضیحات بخشی از همان شیوه نمایشی است.

با توجه به زمان کوتاه تدریس میزان تعامل خوب بود.

شما می توانستید مسئله را منفعل بودن بچه ها، مشارکت عملی در حدکم، عدم استفاده از شیوه های اکتشافی یا میزان پایین فعالیت گروهی یا روش تدریس معلم محور در نظر بگیرید.

در تبیین مسئله باید شواهدی مبنی بر وجود مسئله ارائه دهید و هرچه شواهد بیشتر باشد استدلال شما محکم تر است.

در مشاهدات جهت حرکت بچه ها در مقابل خورشید (برخلاف جهت عقربه های ساعت) ذکر شود.

لازم بذکر است در نقاشی روی تابلو از دور (موضع بچه ها) بنظر می رسید سمت رو به خورشید تاریک و سمت دیگر روشن است.

بهتر بود سمت رو به خورشید با رنگ زرد یا سفید رنگی می شد و سمت دیگر سیاه می بود.

در ضمن سایه با تاریک بودن متفاوت است نمی توانید بگویید سمت پشت به نور، سایه است.

همچنین این یک نمونه تدریس خرد است که کل زمان آن ده دقیقه است. موفق باشید.

بازخورد گزارش ساختار مدرسه

بهتر بود در مورد وظایف و نحوه عمل پشتیبان ، مشاور مذهبی و مشاور اختلالات یادگیری که در سایر مدارس نیستند، توضیحات بیشتری ارائه می شد.

بهتر بود با سوالات بیشتر در مورد وظایف هیئت امناء و شورای مدرسه و انجمن اولیاو مربیان نیز توضیحات کاملتری دریافت می کردید زیرا در این رابطه درس خاصی ندارید و چنانچه مسئولیت مدیریت را بپذیرید، این توضیحات کمک بزرگی به شما می نماید.

در مسئله شناسی باید بزرگترین و مهمترین مسئله ساختار مدرسه را از طریق مشاهده و مصاحبه پیدا کنید.

باید توضیح دهید تعداد افراد انجمن اولیا و مربیان بر چه اساسی ۸ نفر تعیین شده است؟

نوشته بودید تقسیم بندی بچه ها در کلاسها بر اساس شغل والدین انجام می شود اما نحوه انجام آنرا توضیح نداده اید. و از مدیر توضیح نخواسته اید که چرا بر اساس شغل؟

با کلاه سبز باید یک راهکار جدید و خلاقانه ارائه دهید نه تکراری

در مورد پشتیبان اکثر شما نوشته بودید که پشتیبان برای کارورزی و مهارت آموزی در مدرسه حضور دارد در حالیکه پشتیبان جهت کمک به معلم در رفع مشکلات دانش آموزان در کلاس حضور دارد.. بعید است مدرسه غیر انتفاعی حقوق بپردازد تا افراد بیایند و کسب تجربه نمایند.

برخی از شما نوشته بودید که پشتیبانها برای ۱۲ ساعت حقوق می گیرند اما داوطلبانه ۲۰ ساعت در مدرسه حضور دارند تا کار یاد بگیرند از طرف دیگر نوشته بودید چون یکی از پشتیبانها یکروز جهت تحصیل به مدرسه نمی آید مدیر بقیه را هم یکروز برای عدالت تعطیل کرده است. آیا این دو مطلب با هم منافات ندارد؟

بازخورد کلی گزارش جو عاطفی

بخش توصیف را عنوان بندی نمایید.

ارتباط معلم و اولیا مقوله مهمی است نباید نادیده گرفته شود.

توصیف روابط باید مفصل و با ارائه نمونه هایی از مشاهدات انجام شود نه بصورت کلی

در بخش تبیین شواهدی متقن و قابل اطمینان که نشاندهنده وجود مسئله باشد ارائه نمایید.

بازخورد کلی فضای فیزیکی

در گزارش فضای فیزیکی مدرسه موارد زیر مهم است ، که متأسفانه در اکثر گزارشها به آن پرداخته نشده بود.

گزارش مساحت کل

مساحت حیاط ، تعداد دانش آموزان و تناسب فضا با تعداد دانش آموز

مساحت فضای آموزش

بررسی امنیت مدرسه ، از نظرووجود خطر سقوط یا زمین خوردن برای بچه ها

بررسی امنیت از نظر جلوگیری از ورود افراد غریبه و نصب دوربین و دزدگیر

در مورد اتاق مشاوره مذهبی هم بهتر بود اظهار نظر می شد.

بررسی فضا از نظر زیبایی ، تمیزی و جذابیت و شاد بودن

در قضاوت با ۶ کلاه در هر گزارش حداقل یک اشتباه وجود داشت. لطفاً تکنیک ۶ کلاه را مجدداً مطالعه کنید.

در اکثر گزارشها بخش تبیین مسئله با استدلال استقرایی اشکال داشت.

مدرسه کناری ، **مدرسه دوره سه ساله اول** خوانده می شود نه سه پایه اول

فرم مشاهده کلاس

معلم راهنما: سرکارخانم..... مشاهده گر: تاریخ: ۱۳۹۳/۸/۳
 مدرسه: امام حسین غیر انتفاعی (دخترانه دوره دوم) پایه: پنجم کلاس: پنجم سوسن

امروز شنبه ۳/۸/۹۳ جلسه دوم کارورزی من بود که صبح ساعت ۶:۳۰ دقیقه از خواب بیدار شدم و شروع به آماده شدن کردم و برای ساعت هفت آماده بوم و از اتاق بیرون رفتم دم در دانشگاه تعدادی از دوستانم را دیدم و از آن هاپرسیدم که باید خودمان به مدرسه برویم یا آقای سبزه کار ما را به آنجا میبرد؟ آنها هم تردید داشتند که سرانجام خانم معینی از راه رسیدند و قضیه را به آن ها توضیح دادیم و در این هنگام آقای اکبری گفتند که آقای امیر آبادی گفته اند که مدرسه ی ما باید شخصا به مدرسه بروند اما مدارس دورتر را با سرویس دانشگاه به محل کارورزیشان می برند. و ما دیگر راهی مدرسه شدیم در راه با دوستان خود صحبت میکردیم تا به مدرسه رسیدیم. وقتی به آنجا رسیدیم دانش آموزان سر صف بودند و ما همگی از اینکه باید حین صف به مدرسه وارد شویم و باعث اختلال میشدیم بسیار ناراحت شدیم اما نمی توانستیم بیرون مدرسه منتظر بمانیم و وارد شدیم و سپس چند تن از دوستانم که از گروه کارورزی خانم میری بودند به دبستان دوره ی اول خودشان رفتند و من و دو تا دیگر از دوستان هم بعد از سلام کوتاه به معاونی که کنار صف ها ایستاده بود به سالن وارد شدیم . ابتدا به نماز خانه رفتم و چادر و کیفم را آنجا گذاشتم سپس وارد کلاس خودم شدم. کسی در کلاس نبود و من تعداد میزها را شمردم (سه ردیف نیمکت دو نفره و دو عدد صندلی تک نفره هم چنین یک صندلی که کنار کلاس و در جلو برای ما گذاشته شده بود) بعد از آن پیام هایی که روی دیوار نوشته شده بود را خواندم و کارپوشه های بچه ها را که در قفسه های آهنی کنار صندلی خودم قرار داشت را نگاهی انداختم و بررسی کردم؛ البته تکلیفی داخل آن ها قرار نداشت (باید با کسب اجازه از معلم کارپوشه ها بررسی شود). و من تنها توانستم بیشتر با نام دانش آموزان آشنا شوم چون تنها یک جلسه بود که با آن ها روبه رو شده بوم. و عکسی که روی بعضی از کارپوشه ها بود بسیار به آشنایی من کمک میکرد. همینطور که مشغول بوم دوست دیگرم که با من در همین کلاس مشغول کارورزی هستند (خانم بنیاد) وارد کلاس شدو با هم احوالپرسی کردیم و بعد به نماز خانه رفتیم و برای ایشان هم یک صندلی به کلاس آوردیم. هنوز صدای بچه ها که قرآن میخواندند و بعد از آن صدای آهنگ ورزش به گوش میرسید و ما بیشتر و بیشتر درباره ی نام دانش آموزان با هم صحبت میکردیم تا هم برای صدا کردن آن ها مشکلی نداشته باشیم و هم برای نوشتن گزارش. کم کم دانش آموزان وارد کلاس شدند و به ما سلام میکردند ما هم جواب آن ها را میدادیم و به آن ها صبح بخیر میگفتیم، اما برخی از آن ها سلام نمی کردند با این وجود هر کس از کنار من رد میشد من به او سلام میکردم . بچه ها سر جا های خود می نشستند.

زنگ اول: (ریاضی)

بعد از چند دقیقه معلم وارد کلاس شد و شروع کرد به مرور درس قبل که همان بخش پذیری اعداد بود او از دانش آموزان سوال میکرد و دوباره خودش بلند توضیح میداد سپس شروع کردند به حل تمرین های جلسه قبل معلم از دانش آموزان میخواست که یکی یکی و به ترتیب پای تابلو بیایند و یکی از تمرین ها (کدام درس ؟ بخش پذیری یا کسرها ؟) را حل کنند و مراحل حل تمرین را توضیح بدهند. آنها هم همین کار را انجام میدادند در این بین معلم نوبت را به هم زد و از دانش آموز شماره ی ۴ خواست که تمرین بعدی را او حل کند و او پای تابلو آمد ولی نتوانست تمرین را درست حل کند این دانش آموز جدول ضرب را به درستی حفظ نکرده بود و از آنجا که حل تمرین های کسرها نیازمند انجام چندین ضرب است او نتوانست تمرین را انجام دهد و معلم جلوی تمام دانش آموزان به او گفت که اگر جدول ضرب را تا جلسه بعد یاد نگیرد باید به کلاس چهارم یا سوم برود و جای او در کلاس پنجم نیست! دانش آموز شماره ۲ در توضیح راه حل اشتباه لفظی کرد و گفت کسر مخرج دوم بجای اینکه بگوید مخرج دوم و معلم به تندی گفت کسر مخرج دوم؟! و دانش آموزان دیگر به او خندیدند. او کمی خجالت کشید و ناراحت شد اما توضیح خود را اصلاح کرد و تمرین را بدرستی حل کرد. یکی دیگر از دانش آموزانی که اشتباه کرد شماره ۱ بود او کسر ها را جا به جا در هم ضرب کرد، معلم به او گفت که به همان ترتیب حل کند تا ایراد کارش را به صورت عملی و عینی ببیند. او خواست تا اصلاح کند اما معلم اصرار داشت تا او به همان روش ادامه دهد و او اینکار را انجام داد سپس معلم نتیجه گیری را به صورت بلند برای همه گفت: (که انجام این روش برای جمع کسر ها مانعی ندارد اما برای تفریق کسر ها با مشکل مواجه میشوید و توصیه کرد برای حل هر دو مورد از یک روش استفاده کنند تا اشتباهی در حل تمرین ها نکنند). بعد معلم پشت میز خود نشست و دانش آموز شماره ۶ سوالی از ایشان پرسید ولی خانم پروینی جواب او را ندادند. و او رفت سر جایش نشست. در این هنگام خانمی از دفتر به کلاس آمد و غایبین را از خانم پروینی پرسید و ایشان گفتند که دانش آموز شماره ۱۶ غایب است اما خانواده او زنگ زده اند و هماهنگ کرده اند. معلم بعد از پرسش از همه دانش آموزان باز

هم شماره ۴ را پای تابلو خواند و تمرین دیگری را به او داد تا حل کند ولی باز هم نتوانست ضرب ها را حل کند، معلم یک ضرب به او داد تا حل **مند** ولی او نتوانست و معلم **با اطمینان** و جدی به او گفت که باید که جدول ضرب را یاد بگیرد و گر نه دیگر به کلاس نیاید. او ناراحت شد و سرجایش نشست و پشتیبان که در کلاس حضور داشت شروع به صحبت با او کرد ولی من صدای آن ها را به وضوح **نمیشنیدم** ولی متوجه شدم که ایشان جدول ضرب را نوشته بود و به دانش آموز ۴ داد تا تمرین کند و زیاد ناراحت نباشد. در همین حین زنگ تفریح به صدا در آمد و بچه ها کم کم از کلاس خارج شدند و من و دوستم به نماز خانه رفتیم و در آنجا استادکارورزی خود سرکار خانم جلیلی را دیدم و با ایشان صحبتی پیرامون کارورزی و روند آن و هم چنین مشکلات خود در کلاس ها داشتیم. با هم صحبت **میکردیم** که زنگ کلاس خورد ولی ما هم چنان به صحبت های خود ادامه **میدادیم** و با تاخیر وارد کلاس شدیم.

زنگ دوم: (خوانداری)

در این زنگ درس خوانداری داشتند و معلم به مرور درس قبل پرداخت و از دانش آموزان سؤالاتی میپرسید و از بعضی دانش آموزان **میخواست** تا از روی درس بخوانند. در همین هنگام **خانمی** کلاس آمد و برگه های امتحان علوم را به کلاس آورد و از خانم پروینی خواست **کا**ها امتحان زنگ سوم را در این هنگام انجام دهند تا در زنگ سوم بچه ها بتوانند در جلسه **رای ریزی** برای شورای دانش آموزی شرکت کنند؛ و ایشان هم قبول کردند و به دانش آموزان گفتند که کتاب های فارسی خود را ببندند و کمی روی علوم تمرکز کنند و سپس از یکی از دانش آموزان و من خواستند تا برگه **هایامتحانی** را بین دانش آموزان پخش کنیم، ما هم اینکار را انجام دادیم سپس من و دوستم بر دانش آموزان نظارت **میکردیم** و بعد من نزدیک میز معلم رفتم و یکی از برگه های اضافه را برداشتم و با خودم مشغول حل سؤالات شدم که معلم هم مرا راهنمایی **میکردند** و توضیحات لازم را به من **میدادند** علاوه بر این کتابهایی در کمد کلاس بود که ایشان به من دادند تا مطالبی که برای حل سؤالات تشریحی لازم بود را مطالعه کنم چون **نمیتوانستند** مثل سؤالات تستی آنها را هم به ما بگویند. و من از ایشان بسیار تشکر کردم و رفتم کنار دوستم نشستم تا او هم از کتاب ها استفاده کند. با هم مشغول مطالعه بودیم وقتی کارمان تمام شد دوباره به امتحان نظارتی کردیم در همین هنگام خانمی که سؤالات را ببه کلاس آورده بودند دوباره به کلاس آمدند و دو تا از سؤالات تستی را اصلاح کردند. و معلم به طور واضح و بلند برای همه توضیح داد. (طراح سؤالات هم دبستان پسرانه امام حسین بودند). بعد از اینکه وقت امتحان تمام شد ما از معلم خواستیم که اگر مایل است در تصحیح سؤالات تستی به ایشان کمک کنیم ایشان هم پذیرفتند و من و دوستم برگه ها را نصف کردیم و آن ها را تصحیح کردیم و تعداد اشتباهات را بالای صفحه نوشتیم. معلم در این حین دوباره از دانش آموزان خواسته بود تا از روی درس خوانداری بخوانند. **(بلند یا نه برای خودشان؟ توضیح دهید.)** و کلاس تمام شد. من در کلاس ماندم و با تعدادی از بچه ها صحبتی داشتم. **(راجع به چه چیزی؟)**

زنگ سوم: (علوم)

در این زنگ باید بچه ها علوم **میداشتند** اما چون روز انتخابات شورای دانش آموزی بود ما در کلاس منتظر بودیم تا خانم معاون بیاید و بچه ها را صدا کند تا برای **رای ریزی** به نماز خانه بروند البته تا موقعی که منتظر بودیم معلم در باره ی درس جدید خوانداری مطالب ارائه داد **(چه مطالبی؟)** و گفت علوم نداریم چون زنگ پیش امتحان علوم داشتند. که خانم معاون به کلاس آمد و خواست که دانش آموزان با صف به نماز خانه بروند و رای بدهند آن ها هم اینکار را انجام دادند من هم با آنها به نمازخانه رفتم در آنجا دانش آموزان یکی یکی اسم خود را به منشی ها **میگفتند** و برگه ی رای **میگرفتند** (دو تا از دانش آموزان کلاس ما هم منشی بودند شماره ۱۵ و ۸) یکی از کارکنان مدرسه از بچه ها **میخواست** تا بعد از دادن رای به کلاس بروند و من هم با آن ها به کلاس رفتم تا در کلاس تنها نباشند چون معلم و دوستم در نمازخانه بودند. در حین اینکه بچه ها کم کم به کلاس وارد **میشدند** آن هایی که در کلاس بودند از من سوال **میکردند** که چرا باید پای برگه های رای را انگشت **میزدند** و من هم به آن ها توضیحاتی دادم و معلم که وارد شده **بو** حرف هایم را تایید نمودند. بعد از اینکه همه به کلاس آمدند معلم درس جدید خوانداری (شجاعت) را شروع به تدریس کرد. ایشان از دانش آموزان خواست تا از روی درس بخوانند و لابه لای درس از آن ها سوال **میکرد** و **اطلاعات تکمیلی و واقعی و محسوسی به آن ها میداد** تا درس را بهتر بفهمند و از تجربه های خود دانش آموزان هم استفاده **میکرد** (مواردی از اطلاعات تکمیلی را ذکر کنید. چگونه ایشان از تجارب بچه ها استفاده می کرد؟). البته دانش آموز شماره ۴ از تجربه های ترس خود گفت اما معلم گفت که او توهم زده یا در مورد جن ها حرف میزند و با لحن تمسخر آمیزی با او صحبت کرد و بقیه به او خندیدند. همین طور از روی درس خواندند و معلم از **چه ها** سوال **میکرد** تا زنگ خورد و قرار شد بعنوان مشق شب از روی صفحه اول درس بنویسند. زنگ که خورد من به حیاط مدرسه رفتم و به سرویس بهداشتی رفتم و در حیاط به بچه ها نگاه گذرایی انداختم عده ای در گروه های ۳ تا ۴ نفره بازی **میکردند** ولی عده ای در گوشه کنار حیاط نشسته بودند و غذا **میخوردند** یا با هم صحبت **میکردند**. بعد از اینکه از سرویس بهداشتی برگشتم با

دوستان دیگر کارورزی که در حیاط بودند صحبتی داشتم و به نماز خانه رفتم و لیوانم را برداشتم و دوباره پایین رفتم و آب خوردم و به کلاس رفتم. (ذکر این موارد ضرورتی ندارد)

زنگ چهارم: (مطالعات اجتماعی = تاریخ)

معلم باز هم به مرور درس جلسه قبل پرداخت و از تمام دانش آموزان سوال پرسید اغلب دانش آموزان سریع پاسخ میدادند و اگر کسی چند لحظه مکث میکرد بقیه داوطلب پاسخ دادن میشدند. معلم به ترتیب سوال میکرد اما ناگهان از شماره ۴ سوال کرد و او مثلاً از پنج سوال دو تا را درست پاسخ داد. و معلم باز هم به او گفت که درس نخوانده است. معلم به جملات دانش آموزان حساس بود و به تمام لغات کتاب تاکید داشت. و علاوه بر شماره ۴ به شماره های ۶ و ۱۱ تذکر داد که بیشتر درس بخوانند و شماره ۱۱ گفت که مریض بوده است و گواهی داشته است اما باز هم به کلاس آمده است. دو نفری که منشی برای برگزاری جلسه رای گیری بودند هنوز به کلاس برگشته بودند ولی معلم ابتدا توضیح مختصری (منظور چیست؟ همان پیش سازمان دهنده ...) از درس جدید (جامعه اسلامی بعد از پیامبر) داد و بعد شروع به تدریس کرد. طبق معمول از دانش آموزان خواست که از روی درس بخوانند و در همان حین سؤالاتی از آنان میپرسید و توضیحات تکمیلی ارائه میداد. و در پایان دلایل انتخاب علی (ع) بعنوان خلیفه چهارم را به یکی از دانش آموزان گفت تا روی تابلو بنویسد و همه آن را یادداشت کنند. زنگ که خورد من در کلاس ماندم و با دانش آموزانی که در کلاس مانده بودند صحبت میکردم و بچه ها خوراکی هایشان را به من تعارف میکردند ولی من قبول نمیکردم اما در نهایت یک شکلات از یکی از دانش آموزان گرفتم و راجع به ترس هایشان با هم صحبت کردیم و شماره ۴ گفت که حرف هایی که در درس شجاعت گفته بود حقیقت دارد اما من نمیدانستم به او چه بگویم بطور مثال او میگفت که دو با تا کتون در حیاط خانه جدیدشان یک چیز سیا و یا سفید رنگی بطور ناگهانی و سریع از جلوی او رد شده است! (اظهار نظر شما؟) و در صحبت با او فهمیدم که گلدوزی هم میکند و تا همین کلاس پنجم در مدرسه دیگری بوده است و بعد از گذشت ۱۵ روز از ماه مهر به این مدرسه آمده است. در حال صحبت بودیم که دوستانم از داخل سالن صدایم کرد تا به نمازخانه بروم و حضوری ام را در لیست ثبت کنم. من هم این کار را کردم و یک چای خوردم سپس مسئول شدم تا آن هایی را که لیست را امضا نکرده اند پیدا کنم و حضورشان را ثبت کنند و من هم اینکار را انجام دادم و لیست کامل شده را به خانم حمیدی مدیر مدرسه تحویل دادم و ایشان از من تشکر کردند. من به کلاس رفتم و کلاس شروع شده بود.

زنگ پنجم: (انشاء)

از همان ابتدا معلم از دانش آموزان خواست که انشاء هایشان را با موضوع اهمیت کتاب و کتابخوانی بخوانند. ابتدا ابراهیم زاده (چرا شماره نوشتی؟) انشاء خود را خواند در حین خواندن بود که معلم به دانش آموز شماره ۴ تذکر داد که چیزی ننویسد. بع به ترتیب برفی، خسروی غزل، امیرآبادی انشاء هایشان را خواندند و معلم از آن ها سؤالاتی میپرسید و آن ها جواب میدادند اما معلم از شماره ۲ سوال کرد که کلمات هم معنی درس خوانداری را پرسید او نتوانست جواب دهد آنگاه شماره ۱۱ جواب صحیح را داد اما معلم متوجه نشد و گفت نه و از کس دیگری (۱۲) سوال کرد او منظور سوال را متوجه نشده بود و جواب اشتباه داد و بعد از او از شماره ۵ همان جواب شماره ۱۱ را داد و معلم او را بسیار تشویق کرد و شماره ۱۱ ناراحت شد که ابتدا او جواب درست را گفته است! ۱۲، ۱۵، ۹ به ترتیب خواندند و معلم از شماره ۹ و ۱۳ سوال کرد ولی آن ها جواب صحیح ندادند و شماره ۱ جواب داد و بعد از آن ها ۱۴، ۵، ۱۸ انشاء هایشان را خواندند و در این حین متوجه شدم که شماره ۴ دارد انشا مینویسد و آن را با خودش می خواند و معلم این بار هم به او تذکر داد که تکالیفش را در خانه انجام دهد.

سر انجام معلم تمرین های ریاضی را که باید دانش آموزان انجام میدادند مشخص کرد. در این زنگ و زنگ اول پشتیبان در کلاس حضور داشت. و کلاس به پایان رسید. من و دوستانم پیاده به دانشگاه برگشتیم.

انتقادات:

رفتار معلم با دانش آموز شماره ۴ بسیار تند است و مهم تر اینکه جلوی بقیه به او ایراد میگیرد و عزت نفس بچه کاهش می یابد. به نظر من بهتر است زمانی را برای صحبت با او اختصاص دهد و در خفا و تنهایی با او صحبت کند. (پیشنهاد خوبی است) ایراد دیگر اینست که ایشان فقط از روش تدریس سخنرانی استفاده میکند و سپس از روی درس میخوانند و سوال میپرسد به نظر من میتواند برای درس تاریخ پاورپونتی نیز طراحی کند و یا در آموزش از تکنولوژی استفاده کند. (استفاده از تکنولوژی، روش تدریس نیست، روش بهتری برای تدریس پیشنهاد کنید؟)

بازخورد

از دقت نظر و گزارش مفصلتان سپاسگزارم. بهتر بود زمان بیشتری به نقد اختصاص می دادید.

در پایان هر جلسه کلاسی فعالیتهای قبل از تدریس (سنجش آغازین ، آمادگی و ایجاد انگیزه) روش تدریس و ارزشیابی تکوینی و فعالیتهای پس از تدریس (ارزشیابی پایانی و تکلیف) را نقد و بررسی نمایید .
در مورد بررسی تکالیف ، نحوه پرسش، ارزیابی ، بازخوردها و تشویقها اظهار نظر نمایید.
بهتر بود برگه های تستی را زنگ تفریح تصحیح می کردید تا از دقت مشاهده تان کاسته نشود.

مشاهده جلسه سوم

معلم راهنما: سرکارخانم پروینی مشاهده گر: زهرا قیاسی سنگانی مدرسه: امام حسین
مقطع: چهارم کلاس: چهارم سوسن تاریخ: ۱۳۹۳/۷/۱۷
امروز ۸/۱۷ بدلیل در خواست استاد قرار شد ما گزارش دو زنگ را بطور کامل نوشته و به ایشان تحویل دهیم به همین دلیل من زنگ دوم و زنگ چهارم را برای نوشتن انتخاب کردم.

زنگ دوم: (علوم)

وقتی به کلاس وارد شدم بچه ها سر جای خود نشسته بودند و به احترام ما بلند شدند؛ صلواتی ختم نمودند و سلام کردند. من هم جواب آن ها را دادم و روی صندلی خودم که در جلوی کلاس و کنار کمد کتاب ها و کارپوشه هاست نشستم. سپس معلم وارد کلاس شد و طبق برنامه باید این زنگ علوم **میداشتیم**، اما به دلیل برگزاری آزمون هماهنگ بین کلاس پنجم این زنگ را به گرفتن آزمون تاریخ و اجتماعی اختصاص دادند. خانم با اطمینان

معاون مدرسه در کلاس را باز کردند و تعدادی برگه ی امتحانی به معلم دادند تا آن ها را بین دانش آموزان تقسیم کنند. معلم برگه ها را تحویل گرفت و آن ها را به خانم پشتیبان که این زنگ را در کلاس بود دادند و ایشان برگه ها را توزیع نمودند و یک برگه را هم بعنوان نمونه به من دادند. دانش آموزان هم شروع به حل امتحان کردند. در حین توزیع برگه ها من متوجه دانش آموز ۴ شدم که **میگفت** من ۳ رکن اصلی را نخواندم و باید بخوانم او با عجله کتابش را باز کرد و نگاهی به این مطلب انداخت اما معلوم بود که نتوانسته آنها را یاد بگیرد از آنجا که حالت های استرس و اضطراب در او نمایان بود و لب خود را به دندان **میگرفت**. او کتابش را جمع کرد و در کیفش گذاشت و بعد از اینکه برگه را به او دادند شروع به حل کردن نمود. در حین امتحان بعضی از دانش آموزان از پشتیبان و خانم پروینی سوال می پرسیدند و **میتوانم** به جرات بگویم این اولین دفعه ای بود که اگر کسی از معلم سوال می کرد او بلافاصله جواب **میداد**. من کمی رروی صندلی نشستم ولی بعد بلند شدم و کنار میز دانش آموزان **میرفتم** و به برگه آن ها نگاهی می انداختم . تمام دانش آموزان به تعداد کمی از سوالات جواب داده بودند و روی سوالات دیگر تمرکز می کردند. اما **به** کم کم تعدادی از آن ها امتحان خود را تمام کردند و به معلم تحویل دادند. من هم کنار میز معلم ایستاده بودم و به تصحیح ایشان توجه می کردم . ایشان جواب سوالات را به من می گفتند تا بتوانم در تصحیح برگه ها به ایشان کمک کنم . من هم با کمال میل پذیرفتم و برگه ها را تصحیح **میکردم** برخی از برگه ها جای تامل داشت و من از خانم پروینی کمک **میگرفتم**. در کارورزی قبل که آزمون علوم داشتند من فقط سوالات تستی را صحیح کردم اما در این امتحان هم سوالات تستی هم تشریحی را صحیح کردم و برای نمره نهایی آن ها را به معلم **میدادم**. از آن جا که نمره دهی بصورت کیفی است من از معلم خواستم تا این شیوه را به ما توضیح دهد که برای هر چند غلط چه سطح کیفی را باید در نظر گرفت و از چه کلماتی برای بازخورد دادن به دانش آموز استفاده کرد. ایشان ضمن توضیح، گفتند که هنوز نمره برای ایشان ملاک است و مثلاً برای امتیاز دادن به کسی که نمره کامل گرفته بین ۱۹.۷۵ و ۲۰ تفاوت قائل می شوند. و ازبندی های روش کیفی توضیح مختصری ارائه نمودند. ما هر برگه ای را که دانش آموز تحویل می داد بلا فاصله صحیح می کردیم و به خود دانش آموز تحویل می دادیم. معلم هم قبل از شروع امتحان خاطر نشان کرد که این امتحان را باید یکی از والدین دانش آموز امضاء کند و فردا به مدرسه بیاورند. وی همچنین گفت که بعد از چندین روز تعطیلی باید درس خود را خوب خوانده باشند و هرکس نمره ۲۰ بگیرد یک امتیاز برای او در نظر گرفته می شود و به او جایزه خواهد داد. تا چند دقیقه مانده به پایان زنگ هنوز دست بعضی از دانش آموزان برگه بود و معلم از آنان خواست تا برگه هایشان را تحویل دهند آن ها هم با اندکی تاخیر این کار را انجام دادند. پس از تصحیح تمام برگه ها زنگ کلاس **بهصدا** در آمد و دانش آموزان کلاس را ترک کردند من و دوستم هم به نماز خانه رفتیم.

زنگ سوم: (خوانداری)

باید در این زنگ خوانداری **میداشتیم** اما به دلیل اینکه زنگ علوم برای امتحان گرفته شد خانم پروینی سه درس علوم، خوانداری و مروری بر ریاضی را در این زنگ انجام دادند.

ریاضی: ابتدا خانم پروینی مروری بر درس ریاضی (مقایسه کسرها و عدد مخلوط) داشتند و خود ایشان مثال هایی در این باره حل نمودند سپس دانش آموز ۹ را صدا زدند و خواستند که چند مثال دیگر را پای تابلو حل نماید. او این کار را به درستی انجام داد و معلم خواست که اگر کسی سوالی دارد بپرسد؛ اما بچه ها گفتند که بحث را متوجه شده اند فقط دانش آموز شماره ۴ گفت که جمع کسر ها را متوجه نشده است. خانم پروینی در هنگام توضیح فقط اشاره کوتاهی به این مسئله داشتند که برای جمع سه کسر فقط باید بین کسرها علامت + گذاشت و از این مورد مثالی حل نکردند. اما معلم صدای دانش آموز را نشنید یا طبق معمول همیشه جواب سوال او را نداد. ایشان در پاسخگویی به سوالات دانش آموزان کم کاری میکنند زیرا در این سه جلسه کارورزی که من رفتم، بچه ها زیاد سوال می کنند اما معلم فقط به (۱ یا ۲ سوال جواب می دهد و اغلب پاسخگو نیست). پس از اتمام مرور، به درس خوانداری پرداختند. (آیا همه سوالات را باید پاسخ داد؟)

خوانداری: درس این جلسه، درس آزاد با موضوع بهداشت بود و دانش آموزان به گروه های ۴ نفره تقسیم شده بودند و در این باره مطلب نوشته بودند و برای درسی که معلم برایشان مشخص کرده بود سوال طرح کرده بودند. معلم از سر گروه ها میخواست که مطلب نوشته شده را بلند بخوانند. سپس اعضای دیگر گروه سوالاتی که آماده کرده بودند را میخواندند و خودشان هم جواب می دادند. تمام گروه ها به همین منوال ادامه دادند و مطالب زیبایی را هم ارائه دادند که شنیدن آن ها برای دانش آموزان خالی از لطف نبود (اطلاعات جالبی برای رعایت بهداشت فردی). اما در آخر معلم از دانش آموزان در درس های قبلی خوانداری سوال کرد اما دانش آموزان ۴ و ۱۱ نتوانستند به سوال پاسخ دهند و معلم خواست که دانش آموزان دیگر پاسخ صحیح را بگویند.

علوم: معلم ابتدا مروری بر درس اهرم ها داشت و توضیحاتی در مورد کاربرد اهرم، تعریف اهرم ارائه داد سپس به تدریس انواع اهرم ها پرداخت و مثال هایی برای آن ها می زد. معلم همیشه بحث را بطور دسته بندی شده روی تخته می نویسد. این دفعه هم این کار را انجام داد و شکل اهرم ها را رسم و مثال هر نوع را کنار آن نوشت. سپس برای تسهیل یادگیری و ماندگاری مطلب در ذهن دانش آموزان رمزی را به آن ها آموزش داد. به این صورت که

اهرم نوع اول: تکیه گاه بین جسم و نیرو

اهرم نوع دوم: جسم بین تکیه گاه و نیرو

حروف اول، وسط دو مورد دیگر است

تجن

اهرم نوع سوم: نیرو بین تکیه گاه و جسم (توضیح کافی نبود من متوجه نشدم)

سپس معلم از دانش آموز ۴ خواست تا سوالاتی که در درس بود را بخواند و به آن ها پاسخ دهد. او این کار را به درستی انجام داد. سوال هم در ارتباط با این موضوع بود که اگر هنگام بلند کردن یک جسم مثلاً سطل سنگین اگر دست و جسم را به تکیه گاه نزدیک یا از آن دور کنیم هر کدام چه تاثیری دارند و در هر مورد به چه میزان صرف انرژی نیاز است. بعد از آن زنگ کلاس خورد و دانش آموزان کلاس را ترک کردند.

البته قابل به ذکر است که دانش آموز ۳ بدلیل غیبت در روز برگزاری امتحان ریاضی در این زنگ امتحان داد. یعنی او در روی یک صندلی تک جلوی کلاس نشست و امتحان ریاضی را حل کرد. او تا پایان زنگ مشغول پاسخ دادن بود اما در ؟ آخر هم به بعضی از سوالات جواب نداده بود. من در حین کار او به برگه ی امتحانی توجه کردم و سوالی را دیدم که خودم به روش حل دستگاه توانستم به آن پاسخ دهم اما برایم جای سوال بود که دانش آموز کلاس پنجم چگونه باید به این سوال پاسخ دهد به همین دلیل از خانم پروینی خواستم برایم توضیح دهند. ایشان هم این کار را انجام دادند و روش مرا تایید نمودند اما روش دبستانی را هم به من توضیح دادند و این سوال را با آن فرمول حل نمودند. من هم از ایشان تشکر کردم.

نقد و بررسی:

نقد و بررسی روش تدریس

روش تدریس معلم روش سخنرانی است اما اگر بخواهیم مراحل انجام این روش را نقد کنیم نتیجه بصورت ذیل است. (دکتر حسن شعبانی، ۱۳۹۰)

آمادگی برای سخنرانی:

- از نظر تجهیزات: از آن جا که خانم پروینی در تدریس از وسایل کمک آموزشی مثل عکس، فیلم، پاور پونت و... استفاده نمی کنند؛ می توان گفت از این نظر آمادگی برای سخنرانی ندارند.

در اینجا پیشنهاد مناوین است که معلم از تجهیزات آموزشی برای تقویت سخنرانی خود استفاده کند. حال بدلیل اینکه در کلاس پرژکتور وجود ندارد ایشان از عکس، یا نمونه های موضوع استفاده کند بطور مثال در تدریس انواع اهرمها میتواند چند نمونه اهرم

ساده مثل قیچی، دروازکن، موچین، بیلچه و... را به کلاس بیاورد تا دانش آموزان بهتر متوجه شوند و به طور عینی با انواع اهرمها آشنا شوند همچنین میتواندست از دانش آموزان بخواهد تا این وسایل را به کلاس بیاورند.

– از نظر عاطفی: در این مورد ایشان به اندازه کافی آمادگی دارند زیرا ترس، اضطراب و عجله در کار ایشان مشاهده نمی شود.
– از نظر زمان: ایشان مطالب ارائه شده را در زمان کلاس به طور دسته بندی شده ارائه می دهند و زمان کافی را در اختیار دارند. زیرا ایشان همیشه در پایان کلاس مطلب را تمام کرده و دانش آموزان را بیشتر در کلاس نگه نمی دارند.
مقدمه سخنرانی:

با توجه به کتاب دکتر شعبانی این مرحله شامل چند زیر شاخه است اما ایشان فقط به چند شاخه **توجه دارند** و برخی دیگر را رعایت نمی کنند.

– به ایجاد رابطه بین معلم و دانش آموز و شناخت علاقه ها و سر نخهای انگیزشی توجه نمی شود اما با روش ایشان که پرسش مداوم در طول زمان کلاس **(اسم علمی این پرسشها چیست؟)** (حین تدریس و بعد از تدریس) است بچه ها توجه کافی به سخنرانی معلم دارند. گاهی اوقات به بیان صریح هدف ها توجه می کنند مثلا در جلسه قبل هدف از آزمایش علوم را آشنایی با تغییرات شیمیایی و فیزیکی دانستند. تا حدودی از پیش سازمان دهنده استفاده می کند. مثلا در مقایسه سه کسر ارتباط و شباهت آن با مقایسه دو کسر را بیان می کند. **پیش آزمون (به کتب تربیتی خود فصل ۳ مراجعه کنید ببینید فرق پیش آزمون و سنجش آغازین چیست؟)** را استفاده می کند و این کار را اغلب بصورت شفاهی انجام می دهد.

متن و محتوای سخنرانی:

محتوا جامع و بصورت سازمان دهی شده ارائه می شود. در مورد استمرار توجه دانش آموزان در طول سخنرانی تاکید ایشان بر پرسش و پاسخ است.

جمع بندی و نتیجه گیری:

ایشان اغلب در پایان درس را مرور می کنند و در باره آن از دانش آموزان سوال می کنند تا مطلب در ذهن آنان تثبیت شود. **آموزان پاسخ دهد** تا ذهن دانش آموزان را با جواب دادن به سوالات آن ها و شرح بیشتر بعضی از مطالب روشن تر نماید و با تاکید بر آن ها یادگیری را تقویت نماید. و تا الان که من در **کلاس حضور** داشتم متوجه این مورد شدم که معلم نسبت به پاسخ گویی به سوالات کم کاری می کند. به نظر من ایشان باید به دلایل ذکر شده و همچنین تقویت روحیه پرسشگری و کنجکاوی دانش آموزان زمانی را برای پاسخ دادن به سوالات اختصاص دهد.

نقد و بررسی از نظر سازماندهی:

زمان شروع و پایان کلاس دقیق است یعنی معلم نه زودتر به کلاس می آید نه دانش آموزان را بیشتر نگه می دارد. مواد آموزشی خاصی را استفاده نمی کند تا بخواهد آن را از قبل آماده کند. اهداف کلی را فقط به صورت عنوان درس مثلا آشنایی با انواع اهرم ها بیان می کند. نکات مهم را در پایان درس خلاصه می کند و تکالیف مشخصی به دانش آموزان می دهد. در اجرا انعطاف کمی دارد و به اصلاح بد فهمیها نمی پردازد. مخصوصا در ارتباط با دانش آموز ۴ که نسبت به بقیه در سطح پایین تر قرار دارد. با توجه به کتاب روانشناسی تربیتی دکتر سیف **اگر دانش آموزی مطالب سال قبل را به درستی یاد نگرفته است (مطالب سال قبل یا پیشنیازهای لازم برای فراگیری درس جدید ؟ بنظر شما همه اهداف ورودی از سال قبل است؟)** معلم باید به روش های مختلف **ین** ضعف را جبران کند البته خاطر نشان شده بود که اگر تعداد این دانش آموزان زیاد باشد باید در کلاس زمانی را برای جبران اختصاص داد ولی اگر یک نفر این مشکل را داشت معلم باید جدای از وقت کلاس یا در زمان مشخص این مشکل را رفع کند **(مگر نباید آموزش اصلاحی قبل از شروع درس جدید انجام شود؟)** و به نظر من دانش آموز ۴ که در درس ریاضی به دلیل یاد نگرفتن جدول ضرب که پایه و اساس ریاضی است در یاد گیری دروس بعدی مشکل دارد یا حتی در صورت فهمیدن روش باز هم قادر به محاسبات لازم نیست. معلم باید زمانی را برای او اختصاص دهد نه این که پرسش از جدول ضرب را جلوی تمام دانش آموزان و حین آموزش مطلب جدید انجام دهد. (جلسه ی قبل)
نقد و بررسی از نظر وضوح:

مثال و نمونه های فراوانی از مطلب ارائه می دهد. سازمان دهی شده روی تخته می نویسد. بر روی نکات مهم تاکید دارد. انتظار از تکلیف را بیان می کند مثلا از قبل می گوید که امتحان جلسه بعد مهم است و قرار است نمره آن لحاظ شود یا والدین باید آن را امضا کنند و یا هدف از آزمایش علوم را نتیجه گیری و نوشتن گزارش کار عنوان کرد. اما به سوالات به طور کامل پاسخ نمی دهد.
نقد و بررسی از نظر شور و شوق:

بیانی رسا دارد اما احترام به مخاطب در رفتار او کم رنگ است زیرا به سوالات پاسخ نمی دهد یا مثلاً وقتی کسی درس بلد نیست او را سرزنش تند می کند که این رفتار را بیشتر با شماره ۴ دارد. در کلاس راحت و آرام است. با موقعیت پیش آمده احساس مناسب نشان نمی دهد (متوجه نشدم منظور تان اینست که این ویژگی خوبست یا نه در دو مثال تناقض وجود دارد؟) مثلاً این جلسه دانش آموزان به دلیل خرابی شومای احساس سردی شدید می کردند اما ایشان مداوم می گفت: (مهم نیست بخوان! بنویس! من هم سردم است شما که پتو دور خود پیچیده اید منظور همان کافشن بچه ها بود). یا وقتی که در زنگ پنجم شماره ۱۳ سرش را روی میز گذاشته بود و دائم دستش روی شکمش بود و از حات های چهره اش معلوم بود که درد می کشد معلم حتی نپرسید که چه اتفاقی افتاده است. نقد و بررسی از نظر تامل:

دانش آموزان و معلم در کلاس عجول به نظر نمی رسند. فرصت کافی برای انجام تکالیف دارند. به موضوعات درسی به طور متعادل می پردازد مثلاً اگر زنگی برای آزمون گرفته می شود در زنگ بعدی به آن می پردازد. و روی درس ها هم به یک اندازه وقت صرف می کند. (بنظرت درست؟)

نقد و بررسی از نظر صحبت کردن:
با تن صدای قابل قبولی و واضح صحبت می کند. تماس چشمی با دانش آموزان را حفظ می کند. لحن صحبت او یکنواخت نیست و روی بعضی از مطالب با تغییر تن صداتاکید می کند.

بازخورد

دقت نظر و تلاش شما قابل تحسین است. گزارش شما بسیار دلنشین بود از خواندن آن لذت بردم. نقد و ارزیابی شما بسیار دقیق و علمی بود. فقط پیشنهاد می کنم در مورد اهداف ورودی یا رفتار ورودی بیشتر مطالعه کنید. بخشهای مربوط به رفتار ورودی، سنجش آغازین، پیش آزمون و رفع اشکالات مربوط به حیطه شناختی اهداف ورودی اشکال داشت. در ضمن بهتر بود در مورد انتخاب روش تدریس هم نقد انجام می شد. سپاسگزارم

مشاهده تاملی و مسئله شناسی ساختار و سازمان مدرسه

مشاهده گر: تاریخ: ۱۳۹۳/۹/۸

به درخواست استاد محترم این جلسه ما باید به مشاهده ساختار و سازمان مدرسه بپردازیم و گزارش آن را تهیه و به ایشان تحویل دهیم. گزارش اینجانب پس از صحبت با سرکار خانم حمیدی - مدیر مدرسه امام حسین - به شرح ذیل است:
مدرسه امام حسین یک مدرسه غیر انتفاعی و غیر دولتی است که باید نیروهای خود را شخصاً تامین کند زیرا آموزش و پرورش به این گونه مدارس فقط یک مدیر می دهد و بقیه نیروها توسط مدیر تامین می گردند ولی در مدرسه امام حسین علاوه بر مدیر ۲۰٪ نیروها را هم آموزش و پرورش تامین می کند. این مدرسه دارای مجوز هیئت امنایی است که بیشتر هزینه ها را از طریق اولیا تامین می کند. هیئت امنا یک انجمن مرکزی دارد که به کار تمام مدارس غیر انتفاعی که مجوز هیئت امنا دارند رسیدگی می کنند. این هیئت امنا متشکل از رئیس انجمن یا نائب رئیس انجمن اولیاء و مربیان هر مدرسه است. که با همدیگر به کار تمام مدارس رسیدگی می کنند.
نیروهای آموزشی:

در ۹ پایه ۹ معلم داریم که ۳ نفر آن ها شاغل آموزش و پرورش و ۶ نفر بازنشسته هستند. البته معلم مطالعات اجتماعی، قرار دادی است. مدیر:

نظارت بر کار تمام نیروها، سازمان دهی امور مدرسه، پاسخ دادن نامه های اداری از وظایف مدیر است. اگر هر اتفاقی در مدرسه بیفتد مسئول مدیر است و باید پاسخ گو باشد. اداره مدرسه به مانند سایر مدارس است و همان قانون های مدارس در آن اجرا می شود اما به دلیل زیاد بودن نیروها نسبت به مدارس دیگر وظایف بین افراد تقسیم شده و کارها با نظم و ترتیب بهتری انجام می شود. رابطه مدیر با معلمان و سایر عوامل مدرسه بسیار خوب و حاکی از محبت و مهربانی است. ایشان تاکید داشتند که همیشه همکاری و محبت بیشتر از سخت گیری باعث پیشرفت کارها می شود. و ایشان بیان کردند که همکاری بین عوامل بسیار زیاد است مثلاً اگر معلمی مشکلی داشته باشد و نتواند روزی کلاس های خود را برگزار کند معلمان دیگر یا مدیر به جای ایشان کلاس او را اداره می کنند تا همکارشان به مشکل خود رسیدگی کند.

معاون آموزشی:

معاون آموزشی در صورتی به مدرسه تعلق می گیرد که تعداد دانش آموزان بیشتر از ۲۰۰ نفر باشد. و از آن جا که دانش آموزان این مدرسه ۲۱۴ نفر است، معاون به این مدرسه تعلق می گیرد. ساعات کار این معاون ۲۰ ساعت است. معاون آموزشی ۱۰ ساعت در ماه

اضافه کاری می کند یعنی به جای ساعت ۸-۱۲ از ساعت ۱۲.۵ تا ۱۲ را در مدرسه می ماند و این نیم ساعت ها با هم ۱۰ ساعت اضافه کاری برای ایشان منظور می شود و موسسه هزینه آن را پرداخت می کند. معاون آموزشی در اصل همان ناظم قدیم مدرسه ها است که کار برقراری نظم در مدرسه را به عهده داشت. از وظایف دیگر معاون آموزشی کنترل رفت و آمد ها، کارهای آموزشی، رفع اشکالات آموزشی، برگزاری و هماهنگی کلاس های تقویتی، ارائه توصیه های لازم در زمان صبحگاه و بررسی و پیگیری بازخورد های پوشه های کار و کارنامه دو ماهه دانش آموزان است. اما اگر به دلایل مختلف همچون بازنشسته بودن و دور ماندن از کارهای آموزشی به مدت طولانی، معاون ابراز کند که نمی تواند دو مورد اخیر را پیگیری کند مدیر این کار را انجام می دهد.

معاون پرورشی:

این معاون هم در صورتی که تعداد دانش آموزان بالای ۲۰۰ نفر باشد به مدرسه تعلق می گیرد و بنابراین، این مدرسه معاون پرورشی هم دارد. ساعت کار این معاون در اصل ۲۷ ساعت ولی در عمل ۲۵ ساعت است. و قرار دادی است. در اصل هر مدرسه باید هم معاون پرورشی و هم مربی پرورشی داشته باشد اما این مدرسه فقط یک معاون پرورشی دارد ولی به دلیل بالا بودن حق معاونت ایشان فقط در چارت سازمانی معاون ولی در عمل کار هر دو نفر (معاون و مربی پرورشی) را انجام می دهد ولی در نهایت حق مربی پرورشی را می گیرد. وظیفه این معاون برگزاری مراسم صبحگاه و تمام جشن ها و اعیاد و به طور کلی کارهای مناسبی به عهده ایشان است. ایشان همچنین به امور سرویس ها رسیدگی می کند. محل کار ایشان اتاق بسیج و امور پرورشی است که در طبقه دوم ساختمان دوره دوم قرار دارد. اما ایشان بیشتر در دفتر حضور دارند.

معاون اجرایی:

این معاون در صورتی به مدرسه ای تعلق می گیرد که تعداد دانش آموزان بیشتر از ۲۵۰ نفر باشد. ولی به دلیل اینکه تعداد دانش آموزان آن ۲۱۴ نفر است، این معاون به مدرسه تعلق نمی گیرد. ولی در این مدرسه برای این که معاون اجرایی داشته باشند حدوداً ۵ ساعت از ساعات کار معاون پرورشی و آموزشی کم کرده اند تا بتوانند به جای آن معاون اجرایی داشته باشند. که ساعت های کار این معاون ۲۰ ساعت است. ایشان از ساعت ۸ تا ۱۲ در مدرسه حضور دارد و روز های زوج از ساعت ۸ تا ۱۲.۵ و روز های فرد از ساعت ۸ تا ۱۵.۵ است. این معاون مسئول دریافت و ارسال پاسخ بخشنامه ها است. بخشنامه ها از طریق سایت به تمام مدارس ابلاغ می شود، ثبت دفتر اندیکاتور می شوند و بخشنامه ای که نیاز است پاسخ داده شود؛ کپی و به صورت دستی پاسخ می دهند و به دلیل آنکه هنوز پیشرفت نکرده اند نمی توانند پاسخ را از طریق سایت ارسال کنند و آن را حضوری و دستی به موسسه می برند. در مدرسه برای هر دانش آموز و معلمان و تمام نیروها یک پرونده وجود دارد که پرونده نیروهای مدرسه شامل (ابلاغ، مدرک و سطح تحصیلی، کپی شناسنامه و کارت ملی، ساعت ها و دوره های ضمن خدمت و همچنین تشویقی های همکاران) می باشد.

نیروی فناوری موسسه (آیا نیروی فناوری هم آموزشی است؟)

موسسه یک نیروی فناوری دارد که مسئول اجرای کارهای مربوط به ارسال بخشنامه ها و بقیه کارهایی که نیازمند کار با رایانه است، می باشد. ایشان به درخواست خانم حمیدی در روزهای یک شنبه، دوشنبه و سه شنبه در مدرسه امام حسین حضور دارند و از همین جا با لبتاب و سیستم های مدرسه کارهای موسسه را انجام می دهند و در صورت نیاز و عدم حضور معاون اجرایی که مسئول پاسخ گویی و دریافت بخشنامه ها است، کارهای مدرسه را هم انجام می دهد.

مشاور مذهبی (آیا آموزشی است؟)

این مدرسه مشاور مذهبی هم دارد که ایشان فارغ التحصیل حوزه علمیه و کارشناس این قسمت هستند. ایشان در مدرسه مسئول پاسخ گویی به سوالات مذهبی اولیا و دانش آموزان است. مشاور مذهبی ۹ ساعت تدریس و ۱۱ ساعت مشاوره را به عهده دارد. محل حضور ایشان در همان اتاق مشاوره است که مربوط به اختلالات یادگیری است. و به دلیل تفاوت ساعات کار ایشان و مشاور اختلالات یادگیری مشکلی در استفاده از یک اتاق وجود ندارد. مشاور مذهبی دو دوره از همدیگر جدا هستند. (سایر وظایف؟)

مشاور اختلالات یادگیری:

در این مدرسه مشاور اختلالات یادگیری هم وجود دارد که بیشتر برای درس های ریاضی، علوم و املاء کاربرد دارد. این مشاور شنبه و سه شنبه در مدرسه حضور دارد. محل حضور ایشان اتاق مشاوره است که در ته سالن ساختمان دوره اول قرار دارد و برای دو دوره مشترک است. معلم و پشتیبان های کلاس های درس بچه هایی که ضعیف ترند و مشکل دارند را به مشاور اختلالات یادگیری معرفی می کنند و ایشان طی یک یا دو جلسه مشاوره توصیه های لازم را به دانش آموزان و والدین آن ها می دهد و اگر مشکل رفع نشد یک فرم ارجاع پر می کند و آن ها را به روانشناس مرکز فرهنگی ارجاع می دهد و پیگیر است تا آن ها به این ارگان مراجعه کنند. نکته ای که در این جا قابل به ذکر است این است که معرفی بچه ها به مشاور اختلالات یادگیری در ۲ ماهه اول سال صورت نمی گیرد زیرا

ممکن است عوامل مختلفی همچون تغییر مقطع، تغییر مدرسه یا مشکلات عاطفی باعث ضعف دانش آموز باشد که با گذشت زمان رفع شود.

مربی بهداشت:

مربی بهداشت هم که در این مدرسه وجود دارد؛ در بقیه مدارس حضور ندارد. مربی بهداشت دو روز در هفته را در این مدرسه حضور دارد. ساعات کار ایشان ۸ ساعت در هفته است. محلی که برای ایشان در نظر گرفته اند؛ همان اتاق مراقبت های بهداشتی است که در ته سالن ساختمان دوره دوم وجود دارد و به تفصیل راجه به آن در گزارش فیزیکی صحبت کردم. دوشنبه: ۷.۵ تا ۱۱.۵ در مدرسه ابتدایی امام حسین و ۷.۵ تا ۹.۵ در مدرسه راهنمایی امام حسین. سه شنبه: ۱۰ تا ۱۵.۵ در مدرسه ابتدایی امام حسین و ۱۱.۵ تا ۲.۵ در مدرسه راهنمایی امام حسین.

متصدی آزمایشگاه:

ایشان فارغ التحصیل رشته فیزیک آزمایشگاهی هستند. و دو روز در هفته که همان دوشنبه و سه شنبه است از ساعت ۷.۵ تا ۱۲.۵ در مدرسه حضور دارند. اگر معلمی برای تدریس خود نیاز به وسیله ی آزمایشگاهی خاصی دارد از هفته قبل به متصدی آزمایشگاه اطلاع می دهد تا در صورت نیاز ایشان وسایل را از آزمایشگاه مرکزی خارج از مدرسه تهیه کند و به کلاس بیاورد. هم چنین ممکن است یک ماده تازه برای انجام آزمایش لازم باشد که امکان نباشد که در آزمایشگاه مدرسه وجود داشته باشد. هم چنین اگر معلم از متصدی بخواهد ایشان شخصا آزمایش را در کلاس انجام می دهند در غیر این صورت معلم خودش این کار را انجام می دهد. خانم حمیدی اظهار داشتند که از ابتدای سال قصد داشتند تا برای زیست، شیمی و فیزیک سه متصدی جداگانه داشته باشند ولی به دلیل کمبود نیرو عملاً نتوانسته اند این کار را انجام دهند.

جلسه اولیا و مربیان:

این جلسه در اصل باید دو مرتبه در ماه برگزار شود اما یک بار در ماه برگزار می گردد و در صورت نیاز و در ماه های حساس مثلاً قبل از امتحانات پایان ترم بچه ها، این جلسه را دو بار در ماه برگزار می کنند. در ۲۴ تا ۳۰ مهر ماه از تمام والدین دعوت می شود تا در این جلسه شرکت کنند و در همین جلسه تعدادی از اولیا داوطلب عضویت در این انجمن می شوند و پس از رای گیری تعدادی از آن ها (۸ نفر) به عنوان اعضای انجمن و یک نفر رئیس انجمن و نائب رئیس انجمن انتخاب می شود که در جلسات بعدی فقط اعضای انجمن شرکت دارند و دیگر ضرورتی برای حضور تمام والدین نیست. تمام کارهای مدرسه قبل از اجرا باید به تصویب انجمن برسد و صورت جلسه گردد و تمام اعضا زیر آن را امضا کنند. در این انجمن تمام مسایل بررسی و مطرح می شود مثلاً مسایل درسی، پرورشی و حتی بردن دانش آموزان به اردو و برگزاری کلاس های تقویتی در این انجمن بررسی می شود.

ارتباط با سایر اولیا:

برای ارتباط والدین با معلم بچه ی خود؛ هر معلم یک زنگ در هفته را به عنوان ساعت ستاره دار انتخاب کرده اند که معلم در دفتر نشسته است و به والدین اطلاع رسانی می شود که در این ساعات برای صحبت با معلم به او مراجعه کنند. در سال ۱۳۹۵ جلسه (دوشنبه ها و ۱.۵ ساعته) آموزش خانواده برای تمام والدین برگزار می شود که می توانند هر کدام از والدین که تمایل دارند و یا هر دو نفرشان در این جلسات شرکت کنند. اما یک جلسه تحت عنوان حجاب و عفاف برگزار شده که این دوره برای مادران و معلمان بوده است.

شورای مدرسه:

جلسات این شورا هر دو هفته برگزار می شود. اعضای این شورا مدیر، معاونان و نماینده معلمان است. در این جلسه مسائل مختلف به طور مثال هماهنگی جهت رفتن به اردو یا گردش علمی صورت می گردد.

شورای آموزگاران:

در هر ماه یک جلسه یا در صورت نیاز هر دو هفته یکبار این شورا جلسه برگزار می کند. اعضای این انجمن مدیر، معاونان و معلمان است. در این جلسه درباره اداره کلاس ها و مسائل آموزشی بحث می شود.

پشتیبان:

پشتیبان هم نیرویی است که در سایر مدارس وجود ندارد. در هر پایه یک پشتیبان وجود دارد. پشتیبان های کلاس چهارم و ششم در حال آموزش دیدن هستند تا طی چند جلسه ضمن خدمت از هفته بعد برای تدریس در مدرسه شاخن مشغول به کار شوند. قضیه از این قرار است که آموزش و پرورش به دلیل کمبود نیرو چند عدد از مدارس خود را به بخش خصوصی واگذار کرده ست و مدرسه شاخن را امام حسین عهده دار شده است و به همین دلیل باید نیروهای آن را تامین کند. دو عدد از پشتیبان ها (چهارم و ششم) به دلیل اینکه دانشجو هستند چهارشنبه ها را تعطیل هستند و مدیر به دلیل اینکه عدالت را رعایت کند یک روز را هم برای پشتیبان سوم (پنجم)

خالی کرده است. پشتیبان ها ۲۰ ساعت در هفته را بعنوان برنامه کاری خود تنظیم کرده اند و به مدیر تحویل داده اند اما فقط ۱۲ ساعت حقوق می گیرند و ساعات باقیمانده را برای این که می خواهند کار یاد بگیرند بدون حقوق به مدرسه می آیند.

معلمان کلاس های درس:

این مدرسه دارای ۶ معلم بازنشسته و ۳ معلم شاغل آموزش و پرورش است. معلمان هفته ای ۲۲ ساعت درس دارند. اما معلمان بالای ۲۰ سال سابقه کار به جای ۲۲ ساعت قانوناً ۲۰ ساعت تدریس می کنند. و حقوق ۲۲ ساعت می گیرند و آن دسته از معلمانی که زیر بیست سال سابقه کار دارند باید ۲۴ ساعت تدریس داشته باشند ولی ۲۲ ساعت تدریس می کنند ولی مدیر این ۲ ساعت را که معلم کمتر کار می کند را به موسسه رد نمی کند و از آن ها حقوق کم نمی شود. معلمان کلاس ششم که اختصاصی هستند یک روز را تعطیل هستند ولی معلمان سایر مقاطع را امکان تعطیلی ندارند زیرا در نبود معلم بچه ها باید تمام روز را به هنر و ورزش کردن سپری کنند و این کار صحیحی نیست. علاوه بر این والدین از غیبت معلم شاکی می شوند.

نیروی خدمات:

مدرسه دوره اول امام حسین دارای یک نیروی خدماتی آقا است و بالعکس مدرسه دوره دوم که مدرسه ما است دارای یک نیروی خدماتی خانم که بسیار مهربان است. اما در صورت نیاز هر مرکز به نیروی خدمات مرکز دیگر این خانم و آقای محترم به آن ها کمک می کنند. زیرا بعضی کارها مردانه و برخی کارها زنانه است و بهتر است توسط نیروی مناسبی انجام شود. شیوه کلاس بندی:

در ابتدای ورد دانش آموزان به این مدرسه دانش آموزان را بر این اساس تقسیم می کنند تا تمام دانش آموزان قوی در یک کلاس و دانش آموزان ضعیف در یک کلاس قرار نگیرند و به طور پراکنده تقسیم شوند. نکته دیگر توجه به شغل والدین است چرا که جالب نیست (چون جالب نیست بر اساس شغل تقسیم می شوند؟ این دلیل قانع کننده است؟) بچه های تمام مهندسان در یک کلاس، بچه های پزشکان در یک کلاس و فرزندان معلمان در یک کلاس قرار بگیرند. و بچه ها با همین تقسیم بندی پایه ها را بالا می روند. فقط در صورتی که معلمان یا والدین اعتراض کنند این ترکیب را بهم زده و دوباره کلاس بندی می کنند. مثلاً اگر معلمی اعتراض کند که فلان کلاس از فلان کلاس بهتر است در این صورت مدیر ترکیب کلاس را عوض می کند. بازنگری: (تکنیک شش کلاه و اسکمپر)

کلاه زرد: به نظر من این مدرسه از نظر ساختاری بسیار خوب است. و این همه تلاشی که در جهت بهتر اداره کردن مدرسه و جذب نیروهای مختلف برای این مدرسه صورت می گیرد مرا بسیار خوشحال و شگفت زده کرد. زیرا خانم حمیدی توضیح می داد که چه کارهایی انجام داده اند تا نیروهای بیشتری جذب کنند. (اخذ مجوز هیئت امنا + کم کردن ساعات کار معاون آموزشی و پرورشی برای داشتن معاون اجرایی). روح همکاری بین همکاران هم زیاد بود. و به نظر من اگر بودجه بیشتری در اختیار مدرسه قرار بگیرد ایشان حتماً طرح های دیگری را هم اجرا می کند تا روند را بهبود بخشد. کلاه سیاه:

۱) در این مدرسه می توانستند به جای استفاده از معلمان بازنشسته از نیروهای جوانتر استفاده کنند. استفاده از معلمان بازنشسته کمی کیفیت کار را کاهش می دهد؛ زیرا این معلمان چندین سال تدریس کرده اند و اغلب افراد پس از این مدت کار خسته می شوند و کارایی کمتری نسبت به نیروهای جوان دارند.

۲) نظارت هیئت امنا بر تمام کارهای مدرسه و تامین بودجه از طرف آن ها از برخی جهات مناسب نیست. زیرا آن ها در بطن مسائل مربوط به مدرسه نیستند و نمی توانند زیاد مسائل را درک کنند.

کلاه قرمز: درست است که نیروهای جوان انرژی و انگیزه بیشتری برای کار دارند اما از آن جا که تجربه هم سهم بسزایی در کارآمد بودن تدریس دارد نمی توان گفت که استفاده از نیروهای تحصیل کرده در رشته علوم تربیتی دانشگاه ها کار مناسبی است. زیرا آن ها تجربه کار ندارند. و مدارس غیر انتفاعی به دلیل هزینه ای که از دانش آموزان گرفته اند خود را موظف می دانند که از نیروهای با تجربه استفاده کنند. (کلاه قرمز، قضاوت احساسی نه منطقی)

انطباق: برای این که نه از نیروهای بازنشسته استفاده کنند و نه از نیروهایی که تجربه ندارند. بهتر است همان فارغ التحصیلان رشته های علوم تربیتی را برای مدتی همانند پشتیبان ها به کلاس بیاورند و کم کم به آن ها آموزش بدهند که چگونه معلم موفق باشند و تجارب خود را به آنان منتقل کنند. تا پس از مدتی از آن ها بعنوان معلم کلاس های درس استفاده کرد. در این صورت اشتغال برای نیروهای فارغ التحصیل دانشگاه هاهم فراهم می شود.

به نظر من ساختار سازمانی این مدرسه به صورت خیلی خوبی طراحی شده است و همه این ها به مدیریت خوب سرکار خانم حمیدی و همکاری نسبتاً خوب موسسه با ایشان بر می گردد. من با توجه به آنچه مشاهده کردم و شنیدم به این نتیجه رسیدم که مدیریت به همراه همکاری و مشارکت کارها را بسیار بهتر از مدیریت جدی و خشک به پیش می برد. و می توان از همان تعداد نیروی در دسترس بهترین استفاده را نمود.

اما اگر بخواهم ایرادی به این ساختار وارد کنم (قصد ایراد وارد کردن نداریم می خواهیم مسئله شناسی کنیم) این موضوع را در نظر می گیرم که نظارت و کنترل تمام کارهای مدرسه توسط هیئت امناء کار زیاد خوبی نیست زیرا این موسسه در بطن کارها و مسائل مدرسه نیست و گاه به دلیل اینکه مسئول رسیدگی به کار تمام مدارس دارای مجوز هیئت امنایی است ؛ در اولویت بندی کارها ممکن است به خطا بیفتند و گاه اولویت را به مدارس راهنمایی و دبیرستان بدهد. حتی ممکن است به دلیل بیشتر بودن معلمان مقاطع راهنمایی شهریه دانش آموزان دبستان هم به آنان اختصاص داده شود. بهتر بود بودجه و شهریه دانش آموزان هر مدرسه در اختیار مدیر و انجمن اولیاء و مربیان همان مدرسه می بود تا عملکرد بهتری صورت می گرفت. زیرا آنان به طور مستقیم با مسایل رو به رو هستند و اهمیت و اولویت کارها را بهتر متوجه می شوند.

بازخورد

گزارش خوبی بود ممنونم. در بازنگری راجع به نیروها صحبت شده و در مسئله راجع به نحوه مدیریت. نقطه کانونی مشخص نیست

تبیین مسئله انجام نشده است. کمی در مسئله شناسی سردر گم شدین

همه نیروها را تحت عنوان نیروهای آموزشی آوردین. آیا همه آموزشی هستند؟